

به نام یزدان مهربان

با درود فراوان،

بدین وسیله به اطلاع پژوهشگران و دوستداران آثار بابی و بهائی می‌رساند:

طی مجموعه‌ای که اینک تقدیم می‌شود، فایل‌های ورد Word آثار مندرج در مجموعه «کتاب‌های جلدسبز» ارائه می‌گردد. کتاب‌های جلدسبز، کتاب‌هایی است که عمدتاً طی دهه‌ی پنجاه خورشیدی، توسط محفل ملی بهائیان ایران، عجالاً جهت حفظ، تکثیر شده است. فایل اسکن‌شده‌ی این کتاب‌ها، پیشتر در برخی از وبگاه‌های اینترنتی از جمله کتابخانه‌ی بهائی ([/https://bahai-library.com/](https://bahai-library.com/)) و کتابخانه‌ی افنان ([/https://afnanlibrary.org/](https://afnanlibrary.org/)) موجود بود. اما مجموعه‌ای که اینک تقدیم می‌شود، فایل ورد همان کتاب‌هاست که قاعدتاً از حیث جستجو و قابلیت کپی برداری از عبارات، کارایی بیشتری برای پژوهشگران عزیز دارد.

فایل ورد در دنیای امروزی همچون قلم و کاغذ الکترونیکی می‌ماند و حکم کاغذ و قلم و دوات محققین قدیمی را دارد که با آن می‌نوشته‌اند و تأملات خود را مکتوب می‌داشته‌اند. معاصرین ما از طلبه و دانشجو گرفته تا محقق و پژوهشگر و استاد، استفاده‌های زیاد و متنوعی از فایل‌های ورد می‌کنند و آنها را عصای دست خود می‌سازند. اما بر اهل فن پوشیده نیست که وثاقت و اعتبار محتویات فایل‌های ورد، به دلیل ماهیت خاصی که دارند، خصوصاً به خاطر امکان تغییر، دست‌خورده شدن تایپ متن و درهم ریختن حروف چینی واژه‌ها، از نوع خاصی است و در قیاس با متن اصلی و نسخه‌ی اسکن از متن اصلی در مقام برتر قرار ندارد. با این همه، امروزه طیف وسیعی از افراد متخصص و غیرمتخصص این ابزار الکترونیکی مفید را، با وجود چنین نقصی مورد استفاده قرار می‌دهند و از مزایای آن برخوردار می‌شوند. به تهیه‌ی فایل ورد از آثار بهایی نیز می‌توان از همین دریچه نگریست؛ ضمن آنکه بهتر است که برای حفظ شأن و مقام والای نصوص مبارکه تلاش شود

تا حتی المقدور فایل‌هایی از متون بابی و بهایی تهیه شود که اشتباه و اشکال کم و نادری داشته باشند. نظر به همین مطلب، بسیاری از فایل‌ها در مجموعه‌ی حاضر مقابله و تصحیح شده است. در تصحیح آثار مندرجه در مجموعه‌ی جلد سبزها به چند نکته توجه شده است:

۱- در مورد آثار حضرت باب و حضرت عبدالبهاء، نسخه‌های جلدسبز با سایر نسخه‌های چاپی یا خطی موجود مقابله و تصحیح شد. در خصوص آثار حضرت باب، با توجه به اینکه هر یک از نسخ در دسترس ما دارای اشکالاتی بود و نمی‌توانستیم هیچ نسخه‌ای را بتمامه مبنا قرار دهیم، برآن شدیم تا در مواردی که به نظرمان اشکال، اشتباه یا تردیدی وجود دارد، آن موارد را با ملاحظه‌ای کلی اصلاح و نسخه‌ی تاییبی را بر همان مبنا تهیه کنیم. در این باب برای تصحیح متن یک اثر از آثار حضرت باب در جلدی از مجلدات سبزها، نه تنها آن را با متن همان اثر در دیگر مجلدات سبزها مقابله کرده‌ایم بلکه اگر نسخه‌ای از همان اثر در اثری خارج از این مجموعه بوده، از آن نیز استفاده کرده‌ایم. در نتیجه، نسخه‌ی پیش‌رو در برخی مواضع با مندرجات نسخه‌ی اصلی (جلدسبز) تفاوت‌هایی دارد؛ اما محض ارجاع‌دهی درست، شماره‌ی صفحات اصلی (شماره‌ی صفحات نسخه‌ی جلد سبز) در دل متن درج شده است.

۲- آثار حضرت بهاء‌الله مقابله نشده، اما در ضمن تایپ، تا حدی قابل قبول، تصحیح شده است.

۳- در مجموعه‌ی حاضر، برخی توابع حضرت باب که سابقا به‌طور ناقص نشر یافته (مثل کتاب صحیفه عدلیه، مندرج در جلد ۸۲ که فاقد باب پنجم است، و یا صحیفه بین‌الحرمین و صحیفه اعمال سنه که پیشتر مختصرا نشر یافته) با توجه به سایر منابع به‌طور کامل، و تصحیح‌شده، منتشر می‌شود.

۴- در مجموعه‌هایی که سابقا و از روی اضطرار منتشر شده بود نواقص عمده‌ای به چشم می‌خورد: از جمله، تفسیر «بسم‌الله» که در چندین مجموعه بدون مقدمه و خطبه نشر یافته بود، و یا تویع حروف

مقطعات قرآن که نیمی از آن ناقص منتشر شده، و یا تفسیر (های هذا) در جلد ۶۰ که در داخل متن افتادگی‌هایی دیده می‌شد، و یا چند باب اول این اثر در مجموعه‌ی ۹۸ که به‌طور ناقصی منتشر شده بود. در مجموعه‌ی حاضر، همه‌ی این نواقص با توجه به مجموعه‌های دیگر بر طرف شده است.

۵- در مواردی که نتوانستیم درج صحیح لغتی را تشخیص دهیم آن را نشانه گذاری (های لایت) کرده‌ایم و یا با چند علامت سؤال (?) آن را مشخص کرده‌ایم.

۶- برای مقابله‌ی نسخ آثار حضرت باب از نسخ مختلفی بهره برده‌ایم. از جمله، از تمامی مجلدات جلدسبز استفاده کرده‌ایم. فی‌المثل در تصحیح جلد ۱۴ تفسیر «های هو» از مجموعه کتاب‌های جلدسبز تنها اکتفا به همین جلد نشده، بلکه از مجلدات دیگر مثل جلد ۵۳، ۶۷، ۸۶ و منابع دیگر نیز استفاده کرده‌ایم. افزون بر نسخه‌های جلدسبز، مجموعه‌ی پرینستون و کیمبریج و نشریات ازلیان و مجموعه شخصی خود را نیز مدنظر و پیش‌رو داشته‌ایم.

۷- در مواردی رسم الخط واژه‌ها به‌گونه‌ای انتخاب شده که برای جستجو مناسب‌تر باشد. مثلاً گاهی کاتب در نسخی اصل کلمه‌ی «جلالت» را به‌صورت «جلالة» نگاشته است و ما ترجیح داده‌ایم آن را «جلاله» تایپ کنیم

۸- در پایان یادآور می‌شود که از آغاز کار تایپ و تصحیح فایل‌های اسکن شده مایل بودیم که از همکاری فضلا و مطلعین جامعه در تصحیح نسخه‌های موجود، بیشتر بهره‌مند باشیم؛ اما این مهم، جز در مورد آثار حضرت باب و حضرت عبدالبهاء، محقق نگشت.

در همین جا به‌ویژه از جناب ولی‌اله کفاشی سپاسگزاریم. کار بازخوانی، مقابله و تصحیح فایل‌های تایپ‌شده‌ی آثار حضرت باب تماماً توسط ایشان انجام و نهایی شد. در عین حال، امیدواریم که در ادامه‌ی راه از مساعدت و همراهی تعداد بیشتری از یاران فاضل و مطلع مستفید

شویم. ضمن آنکه از همه‌ی خوانندگان این فایل‌ها درخواست می‌کنیم تا اگر در حین مطالعه به اغلاط تایپی برخوردند آن موارد را از طریق سایت به ما اطلاع دهند. امید و هدف دیگرمان این است که در آینده، تمام فایل‌های این مجموعه، با مقابله‌ی علمی و اسلوبی دقیق‌تر – دست‌کم در حد آنچه که در مورد آثار حضرت باب و حضرت عبدالبهاء انجام شده – تقدیم دوستان و یاران علاقمند شود.

مجموعه صد جلدی - شماره رقم ۸۶

صفحه	رقم	عنوان
۱	۱-	بیان مبارک عربی
۴۵	۲-	خطبه تفسیر سوره بقره
۴۸	۳-	رساله ذهبیه
۶۲	۴-	تفسیر حرف هاء
۹۱	۵-	تفسیر سر هاء
۱۱۱	۶-	دعای جلیله
۱۱۲	۷-	دعای دیگر
۱۱۳	۸-	دعای دیگر

متن کتاب مبارک بیان عربی

الواحد الأول

بِسْمِ اللَّهِ الْأَمْنَعِ الْأَقْدَسِ

إِنِّي أَنَا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا وَإِنَّ مَا دُونِي خَلَقِي قُلْ أَنْ يَا خَلَقِي إِيَّاي فَاَعْبُدُونِ قَدْ خَلَقْتِكَ وَ
 رَزَقْتِكَ وَأَمَّتْكَ وَأَحْيَيْتِكَ وَبَعَثْتِكَ وَجَعَلْتِكَ مَظْهَرَ نَفْسِي لِتَتْلُونَ مِنْ عِنْدِي آيَاتِي وَتَدْعُونَ كُلَّ مَنْ
 خَلَقْتُهُ إِلَى دِينِي هَذَا صِرَاطٌ عِزٌّ مَنِيعٌ وَخَلَقْتُ كُلَّ شَيْءٍ لَكَ وَجَعَلْتِكَ مِنْ لَدُنَّا سُلْطَانًا عَلَى الْعَالَمِينَ
 وَأَذِنْتُ لِمَنْ يَدْخُلُ فِي دِينِي بِتَوْحِيدِي وَأَقْرَنْتَهُ بِذِكْرِكَ ثُمَّ ذَكَرَ مَنْ قَدْ جَعَلْتَهُ حُرُوفَ الْحَقِّ بِأَذْنِي وَ
 مَا قَدْ نُزِّلَ فِي الْبَيَانِ مِنْ دِينِي فَإِنَّ هَذَا مَا يَدْخُلُ بِهِ الرِّضْوَانِ عِبَادِي الْمُخْلِصِينَ وَإِنَّ الشَّمْسَ آيَةً مِنْ
 عِنْدِي لِيَشْهَدَنَّ فِي كُلِّ ظُهُورٍ مِثْلَ طُلُوعِهَا كُلِّ عِبَادِي الْمُؤْمِنِينَ قَدْ خَلَقْتِكَ بِكَ ثُمَّ كُلُّ شَيْءٍ بِقَوْلِكَ
 أَمْرًا مِنْ لَدُنَّا إِنَّا كُنَّا قَادِرِينَ وَجَعَلْتِكَ الْأَوَّلَ وَالْآخِرَ وَالظَّاهِرَ وَالْبَاطِنَ إِنَّا كُنَّا عَالِمِينَ وَمَا بُعِثَ عَلَى
 دِينٍ إِلَّا إِيَّاكَ وَمَا نُزِّلَ مِنْ كِتَابٍ إِلَّا عَلَيْكَ وَمَا يُبْعَثُ عَلَى دِينٍ إِلَّا إِيَّاكَ وَمَا يُنَزَّلُ مِنْ كِتَابٍ إِلَّا
 عَلَيْكَ ذَلِكَ تَقْدِيرُ الْمُهِمِّينَ الْمُحِبُّوبِ وَأَنَّ الْبَيَانَ حُجَّتْنَا عَلَى كُلِّ شَيْءٍ يَعْجُزُ عَنْ آيَاتِهِ كُلُّ الْعَالَمِينَ
 ذَلِكَ كُلُّ آيَاتِنَا مِنْ قَبْلُ وَمِنْ بَعْدٍ مِثْلَ مَا أَنَّكَ أَنْتَ حَيْثُ دُخِلَ كُلُّ حُجَّتِنَا نُدْخِلُ مِنْ نَشَاءٍ فِي جَنَاتٍ قُدْسٍ
 عَظِيمٍ ذَلِكَ مَا يُبْدَأُ فِي كُلِّ ظُهُورٍ مِنَ الْأَمْرِ أَمْرًا مِنْ لَدُنَّا إِنَّا كُنَّا حَاكِمِينَ وَمَا نَبْدَأُ مِنْ دِينٍ إِلَّا لِمَا يَبْدَعُ
 مِنْ بَعْدٍ وَعَدًّا عَلَيْنَا إِنَّا كُنَّا عَلَى كُلِّ قَاهِرِينَ وَإِنَّا قَدْ جَعَلْنَا أَبْوَابَ ذَلِكَ الدِّينِ عَدَدَ كُلِّ شَيْءٍ مِثْلَ عَدَدِ
 الْحَوْلِ لِكُلِّ يَوْمٍ بَابًا لِيَدْخُلَنَّ كُلُّ شَيْءٍ فِي جَنَّةِ الْأَعْلَى وَلِيَكُونَنَّ فِي كُلِّ عَدَدٍ وَاحِدٌ فِي ذِكْرِ حَرْفٍ مِنْ
 حُرُوفِ الْأُولَى لِلَّهِ رَبِّ السَّمَوَاتِ وَرَبِّ الْأَرْضِ رَبِّ كُلِّ شَيْءٍ رَبِّ مَا يُرَى وَمَا لَا يُرَى رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ
 إِنَّا قَدْ فَرَضْنَا .

فِي بَابِ الْأُولَى، مَا قَدْ شَهِدَ اللَّهُ عَلَيَّ نَفْسِي عَلَيَّ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ وَأَنَّ مَا دُونَهُ خَلَقَ لَهُ وَ

كُلُّ لَهُ عَابِدُونَ وَأَنَّ ذَاتَ حُرُوفِ السَّبْعِ بَابُ اللَّهِ لِمَنْ فِي مَلَكُوتِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا كُلُّ
بِآيَاتِ اللَّهِ مِنْ عِنْدِهِ يَهْتَدُونَ

(فِي بَابِ الثَّانِي) ثُمَّ فِي كُلِّ بَابٍ ذِكْرُ اسْمٍ حَقٍّ مِنْ لَدُنَّا وَذِكْرُ أَحَدٍ مِنْ حُرُوفِ الْحَيِّ بِمَا رَجَعُوا إِلَيَّ
الْحَيَوَةَ الْأُولَى مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ هُمْ شُهَدَاءُ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ ثُمَّ أَبْوَابُ الْهُدَى وَخُلُقُوا فِي النَّشْأَةِ
الْأُخْرَى بِمَا وَعَدَ اللَّهُ فِي الْفُرْقَانِ إِلَيَّ أَنْ يَظْهَرَ عَدَدُ الْوَاحِدِ فِي الْوَاحِدِ الْأَوَّلِ فَضْلاً مِنْ لَدُنَّا إِنَّا كُنَّا
فَاضِلِينَ ذَلِكَ وَاحِدٌ الْأَوَّلُ مِنَ الْوَاحِدِ الْمُعَدَّدِ يُذَكِّرُنِي شَهْرَ الْبَهَاءِ قَدْ بَدَأْنَا ذَلِكَ الْخَلْقَ بِهِ وَلِنُعِيدَنَّ
كُلَّ بِهِ وَعَدّاً عَلَيْنَا إِنَّا كُنَّا عَلَيَّ كُلِّ مُقْتَدِرِينَ وَلَقَدْ عَدَدْتُ الْأَعْدَادَ بِذَلِكَ الْوَاحِدِ إِذْ بَعَدَ هَذَا لَنْ
يُحْصِيَهُ وَقَبْلَ ذَلِكَ لَمْ يُكْمَلْ حُرُوفُ الْوَاحِدِ فِي الْآيَةِ الْأُولَى وَهُمْ حَضَرُوا بِقُرْبِ افْتِدَاتِهِمْ بَيْنَ أَيْدِينَا
وَلَا يُرَى فِيهَا إِلَّا الْوَاحِدُ مِنْ دُونِ عَدَدٍ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ مَقَادِيرَ كُلِّ شَيْءٍ فِي الْكِتَابِ لَعَلَّ النَّاسَ فِي أَيَّامِ
رَبِّهِمْ يَشْكُرُونَ.

جوهر مجرد این واحد آن که خداوند عز و جل همیشه بوده و هست در علو ازل و سمو قدم خود و
خلق هم همیشه در صقع امکان خود بوده و هست و در هر زمان خداوند جل و عز کتاب و حجتی
از برای خلق مقدر فرموده و می فرماید و در سنه هزار و دویست و هفتاد از بعثت محمد رسول الله،
کتاب را بیان، و حجت را ذات حروف سبع قرار داده، و ابواب دین را عدد نوزده واحد قرار داده و
در واحد اول توحید ذات و صفات و افعال و عبادت حکم فرموده و مدل بر این باب را من یظهره الله
و حروف حی او قرار داده و قبل از ظهور او، ذات حروف سبع را قرار داده با حروف اولی که سبقت
در توحید گرفته و بعینه این واحد همان واحد قرآن است که در بیان ظاهر خواهد که ظاهر و باطن و
اول و آخر بوده و حجت بعد بعینه حجت قبل است که فرقان باشد فرق این است که هزار و دویست
و هفتاد سال کلمات ترقی نموده با ارواح آنها و در هر ظهوری حکم آخرت بالنسبه به ظهور قبل
می گردد چنانچه در این ظهور در مقام تکبیر اعظم از اسم حکیم آخر که ذات حروف سبع بوده ظاهر

نشده که به عدد هشت واحد مرآت الله بر مقعد خود بوده که از شدت نار محبت او کسی را قدرت بر قرب به هم نرسیده و آیه شمس وحدت در وحدت قضا گشته هر کس آیه شَهِدَ اللهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْمَحْبُوبُ لَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى يُسَبِّحُ لَهُ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ را تلاوت نماید و بعد بگوید اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ ذَاتِ حُرُوفِ السَّبْعِ ثُمَّ حُرُوفِ الْحَيِّ بِالْعِزَّةِ وَالْجَلَالِ ايمان به اين واحد آورده.

الواحدُ الثاني

بِسْمِ اللَّهِ الْأَمْنَعِ الْأَقْدَسِ

أَنْ يَا حَرْفَ الرَّاءِ وَالْبَاءِ فَلْتَشْهَدَنَّ عَلَيَّ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا قَدْ نَزَّلْتُ .

فِي الْبَابِ الْأَوَّلِ مِنَ الْوَاحِدِ الثَّانِي ، أَنْ اعْرِفْ قُدْرَةَ رَبِّكَ فِي الْآيَاتِ ثُمَّ اشْهَدْ ذِكْرَ اللَّانِهَيْتَةِ فِي كُلِّ شَيْءٍ ثُمَّ عَجَزَ النَّاسِ عَمَّا نَزَّلَ فِي الْبَيَانِ فَإِنَّ بِهِ يُثَبِّتُ مَا تُرِيدُ .

ثُمَّ فِي الثَّانِي ، لَمْ يُحِطْ بِعِلْمِ الْبَيَانِ إِلَّا إِيَّاكَ فِي أُخْرِيكَ ثُمَّ أَوْلِيكَ أَوْ مَنْ شَهِدَ عَلَيَّ مَا أُرِيدُ فِيهِ فَإِنَّ أَوْلَيْكَ هُمُ الْفَائِزُونَ .

ثُمَّ فِي الثَّلَاثِ ، مَا أَذِنْتُ أَحَدًا أَنْ يُفَسِّرَ إِلَّا بِمَا فَسَّرْتُ فَلْ كُلِّ الْخَيْرِ يَرْجِعُ إِلَيَّ وَدُونَ ذَلِكَ إِلَيَّ حَرْفِ النَّفْيِ ذَلِكَ عِلْمُ الْبَيَانِ إِنْ أَنْتُمْ تَعْلَمُونَ ثُمَّ الْخَيْرِ يُدْكَرُ إِلَيَّ مُنْتَهِي الدَّرَجَةِ فِي عِلْمِ الْمُتَّقِينَ ثُمَّ دُونَ خَيْرِ فِي مُنْتَهِي الدَّرَجَةِ بِمَا تَشْهَدُ عَلَيَّ دُونَ الْمُخْلِصِينَ فَلْتَقْرُنَنَّ آيَةَ الْأَوْلِيِّ إِنْ أَنْتُمْ تَقْدِرُونَ ثُمَّ كُلُّ ذَلِكَ مِثْلُ هَذَا إِنْ أَنْتُمْ تَعْلَمُونَ كُلُّ ذَلِكَ اسْمُ الْأَقْدَسِ فِي آخِرِ الْعُودِ إِنْ أَنْتُمْ تَشْهَدُونَ ذَلِكَ مَنْ يُظْهِرُهُ اللَّهُ أَنْتُمْ إِذَا شَاءَ اللَّهُ لَتُوقِنُونَ .

ثُمَّ فِي الرَّابِعِ ، مَا فَرَطْنَا فِي الْكِتَابِ مِنْ شَيْءٍ إِنْ أَنْتُمْ بِمَنْ يُظْهِرُهُ اللَّهُ تُؤْمِنُونَ .

ثُمَّ فِي الْخَامِسِ ، مَا نَزَّلَ اللَّهُ مِنْ حَرْفٍ إِلَّا وَإِنَّ لَهُ رُوحٌ أَنْتُمْ بِعِلْمِ الْبُعْدِ تَحْزَنُونَ ثُمَّ بِعِلْمِ الْقُرْبِ تَفْرَحُونَ إِنْ تَقْرُنَنَّ النَّفْيِ فَتُنْفِيَنَّهُمْ هَذَا مَا يُثْمِرُ عِنْدَ اللَّهِ إِنْ أَنْتُمْ تُدْرِكُونَ وَإِنْ تَتَلَوْنَ الْإِثْبَاتِ لَتُثَبِّتَهُ هَذَا مَا يُثْمِرُ عِنْدَ اللَّهِ إِنْ أَنْتُمْ تَقْدِرُونَ وَإِنَّمَا الْأَوَّلُ الْأَذَانِ أَنْتُمْ بِأَذْنِ اللَّهِ تَقْرُبُونَ ، كُلُّ الْأَحْرَفِ يَرْجِعُ إِلَيْهِمَا إِنْ أَنْتُمْ تُبْصِرُونَ لَا تَقُولَنَّ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنْتُمْ عَرْشُ نُورِ الْإِثْبَاتِ لَا تُثَبِّتُونَ هَذَا أَخَذَ اللَّهُ عَنْكُمْ وَهَذَا رِضْوَانُ اللَّهِ لِلْمُقَرَّبِينَ .

ثُمَّ فِي السَّادِسِ، مَا نَزَّلْنَا ذِكْرَ خَيْرٍ فِي الْبَيَانِ إِلَّا لِمَنْ نُظَهِّرُهُ يَوْمَ الْقِيَمَةِ بِآيَاتِي لَعَلَّكُمْ آيَاهُ تُنصِرُونَ وَلَا مِنْ دُونِ ذِكْرِ خَيْرٍ إِلَّا لِمَنْ لَا يَسْجُدُ لَهُ لِتَجْعَلَنَّهُ مِنَ السَّاجِدِينَ وَإِنْ بِمِثْلِ ذَلِكَ نَزَّلْنَا الْقُرْآنَ مِنْ قَبْلُ وَلَكِنَّكُمْ كُنْتُمْ عَنْ مُرَادِي مُحْتَجِبِينَ ذَلِكَ مَا طَافَ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ عَلَيْهِ ثَمَانِيَةَ وَاحِدٍ وَأَنْتُمْ بِهِ فِي الْعِبَادَةِ تَتَوَحَّدُونَ وَكُنْتُمْ عَنْ سِرِّهِ بَعْدَ مَا قَدْ فُضِي لِمُحْتَجِبِينَ ذَلِكَ مِيزَانُ الْهُدَى فِي الْبَيَانِ أَنْتُمْ بِهِ مُؤْمِنُونَ إِلَيَّ حِينَ مَا تُشْرِقُ شَمْسُ الْعَلَا ذَلِكَ مَنْ يُظَهِّرُهُ اللَّهُ إِنْ تَعَمَلَنَّ بِهِ لِمُؤْمِنُونَ وَأَنْتُمْ فِي الرِّضْوَانِ خَالِدُونَ وَإِلَّا أَنْتُمْ فَانِيُونَ.

ثُمَّ السَّابِعُ، يَوْمَ الْقِيَمَةِ عَلَيَّ مَا أَنْتُمْ تُدْرِكُونَ مِنْ أَوَّلِ مَا تَطْلُعُ شَمْسُ الْبَهَاءِ إِلَيَّ أَنْ تَعْرَبَ خَيْرٌ فِي كِتَابِ اللَّهِ عَنْ كُلِّ اللَّيْلِ إِنْ أَنْتُمْ تُدْرِكُونَ، مَا خَلَقَ اللَّهُ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا لِيَوْمٍ إِذْ كُلُّ لِقَاءِ اللَّهِ ثُمَّ رِضَائِهِ يَعْمَلُونَ، وَفِي يَوْمِ الْقِيَمَةِ يُدْرِكُ هَذَا ظَاهِرًا فَلْتَنْتَظِرْنَ فَإِنَّا كُنَّا مُنْتَظِرِينَ وَلَكِنَّكُمْ لِلَّهِ تَعْمَلُونَ وَلَقَدْ قَرَّبَ الزَّوَالُ وَإِنَّكُمْ أَنْتُمْ ذَلِكَ الْيَوْمَ لَا تَعْرِفُونَ، وَمَنْ يَكُنْ لِقَائُهُ ذَاتَ لِقَائِي لَا تَرْضِيَنَّ لَهُ مَا لَا تَرْضِي نَفْسٌ لِنَفْسٍ فَلْتَذْكُرَنَّ حَرْفَ الْآخِرِ ثُمَّ حَدِّكُمْ تَعْمَلُونَ.

ثُمَّ الثَّامِنُ، قَدْ فَرَضْتُ الْمَوْتَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ عِنْدَ ظَهْوَرِي عَنْ دُونِ حُبِّي وَمَا أَبَدُ مِنْ أَمْرِي فَإِنَّ ذَلِكَ مَا يَنْفَعُكُمْ وَيُخْرِجَنَّكُمْ مِنَ النَّارِ إِلَى النُّورِ ذَلِكَ أَفْقُ الْأَعْلَى إِنْ أَنْتُمْ تُدْرِكُونَ ذَلِكَ الْمَوْتَ فِي الْحَيَاةِ وَإِنَّهُ لِحَقٌّ وَلَا رَيْبَ فِيهِ وَإِنَّ الْمَوْتَ الْجَسَدِ مِثْلُ ذَلِكَ الْمَوْتَ إِنْ أَنْتُمْ كَلَيْتَهُمَا فِي الْحَيَاةِ لَتُدْرِكُونَ.

ثُمَّ التَّاسِعُ، إِنْ حَرْفَ السَّيْنِ قَبْرُ كُلِّ مَنْ آمَنَ بِهِ يَوْمَ الْقِيَمَةِ، كُلُّ يُبْعَثُونَ قُلْ إِنَّهُ لِحَقٌّ لَا رَيْبَ فِيهِ وَإِنَّهُ بِمَا تَقُولُ النُّقْطَةُ يُبْعَثُ ذَلِكَ مِنْ تَقْدِيرِ الْمُهَيْمِنِ الْقِيُومِ.

ثُمَّ الْعَاشِرُ، مَا سُئِلَ الْعَبْدُ عَمَّنْ نُظَهِّرُ ذَلِكَ مَا يُسْأَلُ فِي الْقَبْرِ إِنْ أَنْتُمْ بِالْحَقِّ تُجِيبُونَ ذَلِكَ قَوْلُ الْمَلِكِ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ إِنْ أَنْتُمْ بِآيَاتِ اللَّهِ تُوقِنُونَ ذَلِكَ آيَاتُ مَنْ يُظَهِّرُهُ اللَّهُ ثُمَّ ظِلُّ التَّاسِعِ مِثْلُ ظِلِّ الْعَاشِرِ تَسْتَدِلُّونَ.

ثُمَّ الْوَاحِدُ مِنْ بَعْدِ الْعَشْرِ، إِنَّ الْبَعثَ مِثْلَ الْقَبْرِ حَقٌّ يَبْعَثُ اللَّهُ مَنْ يَشَاءُ عَنِ أَنْفُسِ الْأَحْيَاءِ مِنْ خَلْقِهِ بِمَا يَحْكُمُ مَظْهَرُ نَفْسِهِ، كَذَلِكَ أَنْتُمْ يَوْمَ الْقِيَمَةِ بِمَا يَنْطِقُ مَنْ يُظْهِرُهُ اللَّهُ تُبْعَثُونَ.

ثُمَّ الثَّانِي مِنْ بَعْدِ الْعَشْرِ، ذَكَرَ الصِّرَاطَ لِحَقِّ وَأَنْتُمْ بِهِ لَتَمْرُونَ، ذَلِكَ أَمْرٌ مَنْ يُظْهِرُهُ اللَّهُ إِنْ أَنْتُمْ يَوْمَ الظُّهُورِ بِهِ تَعْمَلُونَ، قُلْ كُلٌّ مِنْ قَبْلُ أَنْتَظَرُوا يَوْمِي فَإِذَا ظَهَرْتُ بِمَا هُمْ بِهِ دِينَهُمْ يَثْبُتُ فَإِذَا عِنْدَ الصِّرَاطِ كُلُّهُمْ واقِفُونَ، ذَلِكَ صُمَّتْهُمْ فِي الْحَقِّ إِنْ أَنْتُمْ تُدْرِكُونَ.

ثُمَّ الثَّلَاثُ مِنْ بَعْدِ الْعَشْرِ، ذَكَرَ الْمِيزَانَ ذَلِكَ نَفْسٌ مَنْ يُظْهِرُهُ اللَّهُ يَتَقَلَّبُ الْحَقُّ مَعَهُ مِثْلَ مَا يَتَقَلَّبُ الظُّلُّ مَعَ الشَّمْسِ فَإِذَا بَعَدَ الْغُرُوبِ أَنْتُمْ بِالْبَيَانِ وَالشُّهَدَاءِ لَتُوزَنُونَ.

ثُمَّ الرَّابِعُ مِنْ بَعْدِ الْعَشْرِ، ذَكَرَ الْحِسَابَ بِمِثْلِ الْمِيزَانِ لِحَقِّ وَكُلُّ مَا نُزِّلَ فِي الْبَيَانِ ذَلِكَ مَا يُحَاسِبُ اللَّهُ النَّاسَ وَكُلَّ شَيْءٍ أَنْ يَا عِبَادِي فَاتَّقُونَ.

ثُمَّ الْخَامِسُ مِنْ بَعْدِ الْعَشْرِ، إِنَّ الْكِتَابَ لِحَقِّ ذَلِكَ قَوْلُ اللَّهِ مِنْ لِسَانِي إِنْ أَنْتُمْ بِالْحَقِّ لَتُوقِنُونَ.

ثُمَّ السَّادِسُ مِنْ بَعْدِ الْعَشْرِ، إِنَّ الْجَنَّةَ حُبُّ اللَّهِ ثُمَّ رِضَائُهُ وَإِنَّ ذَلِكَ حَقٌّ لَا عِدَلَ لَهُ إِنَّا كُنَّا فِيهَا خَالِدِينَ مَا يُنْسَبُ إِلَيَّ فِي الْجَنَّةِ ذَلِكَ مَا يُنْسَبُ إِلَيَّ مِنْ يُظْهِرُهُ اللَّهُ أَفْلا تَدْخُلُونَ، وَإِنَّمَا النَّارُ قَبْلَ أَنْ يُبَدَّلَ بِالنُّورِ نَارُ اللَّهِ ذَلِكَ مَنْ يُظْهِرُهُ اللَّهُ قَبْلَ أَنْ يَعْرِفَكُمْ نَفْسُهُ أَنْتُمْ فِي النَّارِ الْحُبِّ تَدْخُلُونَ فَإِنَّهُ الْحَقُّ لَا كُفْوَ لَهُ إِنْ دَخَلْتُمْ فَإِذَا أَنْتُمْ كُلُّ الْخَيْرِ تُدْرِكُونَ.

ثُمَّ السَّابِعُ مِنْ بَعْدِ الْعَشْرِ، ذَكَرَ النَّارَ لَنْ أَحِبَّ ذَكَرَ مَنْ لَمْ يُؤْمِنْ بِمَنْ يُظْهِرُهُ اللَّهُ ذَلِكَ مَنْ لَا آمَنَ مِنْ قَبْلِ مَنْ يُنْسَبُ إِلَيْهِ يُنْسَبُ إِلَى النَّارِ أَنْ يَا عِبَادِي فَاحْذَرُونَ.

ثُمَّ الثَّامِنُ مِنْ بَعْدِ الْعَشْرِ، أَلْسَاعَةٌ، أَنْتُمْ بِمَا فَسَّرَ اللَّهُ فَيَا لِكَلِمَةٍ إِنْ يَشَاءُ اللَّهُ لَتُوقِنُونَ.

ثُمَّ التَّاسِعُ بَعْدَ الْعَشْرِ، مَا نُزِّلَ اللَّهُ فِي الْبَيَانِ حَدِيثُهُ ذَاتَ عِزَّةٍ إِلَى مَنْ نُظِرَ لِعَلَّكُمْ بِآيَاتِهِ تُؤْمِنُونَ.

الواحدُ الثالثُ

بِسْمِ اللَّهِ الْأَمْنَعِ الْأَقْدَسِ

أَنْتَى أَنَا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا وَإِنَّ مَا دُونِي لَوْ يَهْتَدِي بِهُدَايَ كَمَثَلِ مِرَاتٍ يُرَى فِيهَا شَمْسٌ طَلَعَتْكَ ذَلِكَ خَلَقِي قُلْ أَنْ يَا خَلَقِي أَيَّي فَاتَّقُونَ وَإِنَّمَا،

الأولُ في الواحدِ الثالثِ، ما أنتم به تُوقنون ما يُذكرُ به اسمُ شَيْءٍ مَلِكٌ لِي وَمَا تَمَلَّكَتَ ذَلِكَ مَا أَمَلِكُ قُلْ أَنْ يَا خَلَقِي فِي الظُّهُورِ الآخِرَةِ مِنْ مَلِكِي أَيَّي فَاْمَلِكُونَ.

ثُمَّ الثَّانِي، مَا أَنْطِقُ بِهِ حَقٌّ يُخَلَقُ بِهِ مَا أَشَاءُ إِنَّ حَقَّ فَحَقٌّ وَإِنَّ دُونَ حَقِّ فِدُونِ ذَلِكَ، ذَلِكَ مَا تَنْطِقُ إِذْ كُلُّ نَفْسٍ وَاثْبَاتٍ قَدْ كَوَّنَ ثُمَّ ظَهَرَ بِمَا تَنْطِقُ قُلْ أَنْ يَا عِبَادِي فَاتَّقُونَ.

ثُمَّ الثَّالِثُ، إِذَا نُظِّهَرْتِكَ يَوْمَ الْقِيَمَةِ بِمَا ابْعَثْتُ مِنْ قَبْلِ تَرْفَعُ مَا نَزَلْتُ مِنْ قَبْلِ حِينَ مَا نَادَنُ وَإِنَّا كُنَّا صَابِرِينَ.

ثُمَّ الرَّابِعُ، مَا نُتَزَّلُ عَلَيْكَ فِي أُخْرِيكَ أَعْظَمَ عَمَّا نَزَّلْنَا عَلَيْكَ فِي أَوْلِيكَ فَكُنْ مِنَ الشَّاكِرِينَ وَإِنَّ فَضْلَ مَا نَزَّلْنَا عَلَيْكَ عَلَيَّ مَا نَزَّلْنَا عَلَيْكَ مِنْ قَبْلِ كَفَضْلِ الْفُرْقَانِ عَلَيَّ الْإِنْجِيلِ ذَلِكَ فَضْلُ مُحَمَّدٍ عَلَيَّ عَيْسَى قُلْ أَنْ يَا عِبَادِي ظُهُورِي فِي أُخْرَايَ تَنْتَظِرُونَ.

ثُمَّ الْخَامِسُ، إِنَّ قُبُورَ الْوَاحِدِ تَرْفَعُ إِذَا نَادَنُ فِي يَوْمِ ظُهُورِي إِذْ بِقَوْلِي قَدْ رَفَعَ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَا عِبَادِي إِلَيَّ فَتَرْجِعُونَ.

ثُمَّ السَّادِسُ، مَا يُذَكَّرُ بِهِ اسْمُ شَيْءٍ مِنْ دُونَِ اللَّهِ خَلَقَ لَهُ وَلَمْ يَكُنْ بَيْنَهُمَا ثَالِثًا قُلْ إِنِّي لِحَقٌّ وَأَنَّ مَا دُونِي قَدْ خُلِقَ بِي ثُمَّ لِي أَنْ يَا عِبَادِي ظُهُورِي فِي أُخْرَايَ تُدْرِكُونَ.

ثُمَّ السَّابِعُ، لَنْ يُدْرِكَنِي خَلْقِي لِإِرَانِي وَكُلَّمَا نَزَلْتُ مِنْ ذِكْرٍ لِقَائِي ذَلِكَ إِيَّاكَ فِي أُخْرِيكَ وَأُولِيكَ قُلْ ذَلِكَ أَعْظَمُ الْجَنَاتِ إِنْ أَنْتُمْ بَعْدَ الْعِرْفَانِ تُدْرِكُونَ قُلْ مَا تَنْظُرُونَ إِلَيَّ شَيْءٌ فِي حُبِّي إِلَّا وَأَنْ تُدْرِكَنَّ مَا فِي ذَلِكَ مِنْ رِضَائِي أَنْ يَا عِشَّاقِي إِلَيَّ مَنْ يُظْهِرُهُ بِالْحَقِّ تَنْظُرُونَ.

ثُمَّ الثَّامِنُ، مَا قَدْ خَلَقْنَا مِنْ كُلِّ شَيْءٍ فِي الْبَيَانِ أَنْتُمْ إِلَيْهِ تَنْظُرُونَ.

ثُمَّ التَّاسِعُ، مَا فِي الْبَيَانِ قَدْ نَزَلَ فِي الْهَيْكَلِ الْوَاحِدِ أَنْتُمْ تِلْكَ الْآيَةُ تَقْرَأُونَ شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الرَّحْمَنُ رَبُّ الْكُرْسِيِّ الْمَنِيْعِ . اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْمُهَيْمِنُ الْقَيُّومُ . اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْمَلِكُ السُّلْطَانُ الْقَاهِرُ الظَّاهِرُ الْفَرْدُ الْمُتَمَتِّعُ لَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى يُسَبِّحُ لَهُ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا قُلْ سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا أَنْتُمْ تُشِيرُونَ . اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَقُّ الْعَالِمُ الْقَائِمُ الْقَادِرُ لَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى يَسْجُدُ لَهُ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا وَهُوَ الْعَزِيزُ الْمَحْبُوبُ .

ثُمَّ الْعَاشِرُ، مَا فِيهَا، فِي تِلْكَ الْآيَةِ أَنْتُمْ عَدَدَ كُلِّ شَيْءٍ إِذَا تَجَدَّنَّ الرُّوحَ وَالرَّيْحَانَ تَقْرَأُونَ وَإِلَّا أَنْتُمْ تَصْمَتُونَ ثُمَّ تَتَفَكَّرُونَ شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ لَهُ الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ يُحْيِي وَيُمِيتُ ثُمَّ يُمِيتُ وَيُحْيِي وَإِنَّهُ هُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ فِي قَبْضَتِهِ مَلَكُوتُ كُلِّ شَيْءٍ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ بِأَمْرِهِ إِنَّهُ كَانَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرًا .

ثُمَّ الْوَاحِدُ مِنْ بَعْدِ الْعَشْرِ، مَا نَزَلَ فِيهَا فِي الْآيَةِ الْأُولَى بِسْمِ اللَّهِ الْأَمْنَعِ الْأَقْدَسِ أَنْتُمْ إِلَيَّ حُرُوفِ الْوَاحِدِ تَنْظُرُونَ .

ثُمَّ الثَّانِي مِنْ بَعْدِ الْعَشْرِ، مَا فِيهَا، فِي النُّقْطَةِ حَرْفِ الْأَوَّلِ تُدْرِكُونَ ذَلِكَ، مَنْ يُظْهِرُهُ اللَّهُ، حُرُوفُ الْحَيِّ عِنْدَهُ كَمَرَاتٍ عِنْدَ الشَّمْسِ بِمِثْلِ ذَلِكَ أَنْتُمْ فِي كُلِّ الْأَسْمَاءِ وَالصِّفَاتِ تَسْتَدِلُّونَ، ذَلِكَ جَوْهَرُ الْبَيَانِ يَذْكُرُ نَفْسَهُ مِنْ عِنْدِ رَبِّهِ مَا أَنْتُمْ إِيَّاهُ تَذْكُرُونَ إِنِّي أَنَا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا الْمَلِكُ الظَّاهِرُ السُّلْطَانُ قُلْ مَا دُونِي خَلَقِي كُلُّ إِيَّايَ يَعْبُدُونَ قُلْ اللَّهُ اللَّهُ رَبِّي وَأَنْتُمْ أَنْ يَا كُلِّ شَيْءٍ لَا تُشْرِكَنَّ بِاللَّهِ رَبِّكُمْ أَحَدًا وَلَا تَدْعُونَ مَعَ اللَّهِ رَبِّكُمْ الرَّحْمَنَ شَيْئًا .

ثُمَّ الثَّالِثُ مِنْ بَعْدِ الْعَشْرِ، لَا تَسْأَلْنِي فِي أَوْلَايَ وَلَا فِي أُخْرَايَ إِلَّا فِي كِتَابٍ وَلَتَعْمَلَنَّ كُلُّ وَاحِدٍ فِي مَسَائِلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَادَّبُونَ.

ثُمَّ الرَّابِعُ مِنْ بَعْدِ الْعَشْرِ، أَنْ تَحْفَظَنَّ كُلَّمَا نُزِّلَ فِي الْبَيَانِ كَطَلْعَةِ طُرُزٍ فِي الْوَاحِ مُقَطَّعَةً لَا تَكْتَبَنَّ مَا يُغَيِّرُ طُرُزَهُ ثُمَّ فِي أَعْلَى الْجِلْدِ تَحْفَظُونَ وَ مَنْ يَكُنْ عِنْدَهُ حَرْفًا دُونَ مَا يَنْبَغِي لِعِزَّتِهِ يُحَجِّبُ عَمَلَهُ فَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُحْتَجِّبِينَ.

ثُمَّ الْخَامِسُ مِنْ بَعْدِ الْعَشْرِ، إِنْ تَوَمَّنَ بِمَنْ نُظِهَرَتْهُ يَوْمَ الْقِيَمَةِ فَأَنْتُمْ أَنْتُمْ بِي وَأَيَاتِي فِي كُلِّ الْعَوَالِمِ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ وَإِلَّا اسْتَغْفِرُوهُ ثُمَّ كُنْتُمْ إِلَيْهِ لَتَائِبِينَ.

ثُمَّ السَّادِسُ مِنْ بَعْدِ الْعَشْرِ، لَا تَعْمَلَنَّ إِلَّا بِمَا نَزَّلْنَاهُ عَلَيْكَ وَلَا تَأْمُرَنَّ إِلَّا بِهِ قُلْ إِنَّهُ لَشَمْسٌ إِنْ تَجَعَلَنَّكُمْ وَآثَارَكُمْ مِرَاتًا تَرَوْنَ فِيهَا مَا أَنْتُمْ تُحِبُّونَ إِذَا أَنْتُمْ بِالْحَقِّ تُقَابِلُونَ.

ثُمَّ السَّابِعُ مِنْ بَعْدِ الْعَشْرِ، لَا تَكْتَبَنَّ آثَارِي إِلَّا عَلَيَّ أَحْسِنِ خَطِّي عَلَيَّ مَا أَنْتُمْ عَلَيْهِ لِمُقْتَدِرُونَ وَإِنْ يَكُنْ عِنْدَ أَحَدٍ حَرْفًا دُونَ أَعْظَمِ خَطِّ يَحْبِطُ عَمَلُهُ إِلَّا الصَّبَايَا حِينَ مَا يَتَادَّبُونَ.

ثُمَّ الثَّامِنُ مِنْ بَعْدِ الْعَشْرِ، مَنْ يُنْشِيءُ كَلِمَاتًا لِلَّهِ قُلْ خُذْ لِنَفْسِكَ عَلَيَّ أَجْذَبِ خَطِّي ثُمَّ تَهَبُ مَنْ تَشَاءُ فَإِنَّ ذَلِكَ قِسْطَاسٌ حَقٌّ مُبِينٌ.

ثُمَّ التَّاسِعُ مِنْ بَعْدِ الْعَشْرِ، أَنْ يَا عِبَادِي فَاصْرِفُوا فِي مُلْكِي فِيمَا نُزِّلَ عَلَيَّ عَلَيَّ مَا أَنْتُمْ عَلَيْهِ لِمُقْتَدِرُونَ إِنْ تَجِدَنَّ مَنْ يَكُنْ بِهَاءِ خَطِّهِ الْأَرْضُ وَمَا عَلَيْهَا فَلْتَأْتُوهُ حَتَّى يَكْتُبَ اسْمِي الْمُهَيَّمِنَ الْقَيُومَ وَكُلُّ مَا أَمَرْتُمْ عَلَيَّ أَعْلَى الْخَطِّ لَمْ يَكُنْ إِلَّا لِتُحْسِنَنَّ بِأَرْوَاحِ الْحُرُوفِ ذَلِكَ ذُرِّيَاتُكُمْ فَلْتَجْمَعَنَّ بَيْنَ الْحُسَيْنِ ثُمَّ إِيَّايَ فَاشْكُرُونَ.

الواحدُ الرَّابِعُ

بِسْمِ اللَّهِ الْأَمْنَعِ الْأَقْدَسِ

إِنِّي أَنَا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا الْأَعْظَمُ الْأَعْظَمُ قَدْ خَلَقْتُكَ وَجَعَلْتُ لَكَ مَقَامِينَ هَذَا مَقَامٌ لَنْ يُرَى فِيهِ إِلَّا
أَيَّايَ وَمِنْ هَذَا تَنْطِقُ عَنِّي عَلَيَّ إِنِّي أَنَا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا رَبُّ الْعَالَمِينَ وَمِنْ هَذَا تُسَبِّحُنِي وَتُحَمِّدُنِي وَ
تُوحِّدُنِي وَتُعْبُدُنِي وَلِتَكُونَنَّ لِي مِنَ السَّاجِدِينَ .

هَذَا وَاحِدُ الْأَوَّلِ مِنَ الرَّابِعِ

ثُمَّ فِي الثَّانِي، قُلْ مَا يَرْجِعُ إِلَيَّ يَرْجِعُ إِلَى اللَّهِ رَبِّي وَمَا لَا يَرْجِعُ إِلَيَّ لَنْ يَرْجِعَ إِلَيَّ اللَّهُ ثُمَّ الْأَمْرُ فِي
شُؤْنِهِ تَرْجِعُونَ .

ثُمَّ فِي الثَّلَاثِ، لَنْ أَعْبُدَ مِثْلَ مَا تَعْبُدُنِي بِالْبَدَاءِ وَذَلِكَ ذَاتُ بَدَائِكَ فِي أُحْرِيكَ وَأُولِيكَ حِينَ مَا تُقَلِّبُ
فِي بَطْنِ أُمَّكَ لَوْ لَمْ تَقَلِّبْ بِمَا تُقَلِّبُ مَا أُيَقِنَ بِبَدَائِي وَإِنَّكَ وَاحِدٌ مَا خَلَقْتَ لَكَ مِنْ كُفُوٍ وَلَا عَدْلٍ وَ
لَا شَبَهٍ وَلَا قَرِينَ وَلَا مِثَالٍ كَذَلِكَ أَخْلَقْتُ مَا أَشَاءُ وَإِنِّي أَنَا الْقَادِرُ الْعَلَامُ .

ثُمَّ فِي الرَّابِعِ، قَدْ خَلَقْتُ جَوْهَرَ كُلِّ شَيْءٍ فِي هَيْكَلِ الْإِنْسَانِ وَجَعَلْتُ كُلَّ ذَاتِ هَيْكَلٍ عَبْدٌ رِقٌّ لِمَنْ
نُظِهَرَتْهُ قُلْ إِنِّي أُولِي بَعْضِكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ إِلَيْكُمْ أَنْ يَا عِبِيدِي إِلَيَّ مَوْلِيكُمْ تَنْظُرُونَ .

ثُمَّ فِي الْخَامِسِ، كُلُّ الدَّوَائِرِ آيَاتٌ رُقِيَّةٌ لِي إِنْ هُنَّ إِيَّايَ يَعْبُدْنَ قُلْ إِيَّاكُمْ وَإِيَّاكُمْ إِلَيَّ مِنْ نُظِهَرُهُ
تَنْظُرُونَ ذَلِكَ مَحْبُوبِكُمْ كُلُّ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ تُرِيدُونَ .

ثُمَّ فِي السَّادِسِ، إِنِّي لَا أَسْأَلُ عَمَّا أَفْعَلُ وَكُلٌّ عَن تَوْحِيدِي وَمَنْ نُظِهَرُهُ يُسْأَلُونَ وَجَعَلْتُ مَنْ نُظِهَرُهُ
مِنْ بَعْدِ مَظْهَرِ ذَلِكَ قُلْ إِنْ تَسْأَلْنَهُ عَمَّا يَفْعَلُ فَكَيْفَ أَنْتُمْ بِي مُؤْمِنُونَ، وَأَنَّهُ لَيْسَ لَكُمْ عَنْ كُلِّ شَيْءٍ فَلَا
تَكُونَنَّ إِلَّا بِالْحَقِّ مُجِيبُونَ .

ثُمَّ السَّابِعُ، كُلُّ مَنِّي بِكَ يَبْدُونَ وَكُلُّ بِكَ إِلَيَّ لِيَرْجِعُونَ.

ثُمَّ الثَّامِنُ، كُلُّ بَايَاتِكَ وَمَا نُزِلَ مِنْ عِنْدِكَ يُخْلَقُونَ وَيُرْزُقُونَ ثُمَّ يَمِيتُونَ وَيُحْيُونَ.

ثُمَّ التَّاسِعُ، مَنْ يَطَّلِعُ مِنَ الْبَيَانِ بِمُلْكٍ ذَلِكَ مَظْهَرُ قَهْرِي قَلِّ فَاجْعَلْنِي اللَّهُمَّ مِنْ أَقْهَرِ الْقَاهِرِينَ وَلِتَكْتُبَنَّ اسْمَكَ وَمَا تَعْمَلُ لِأَجْرِيكَ فِي رَجْعِي عَلَيَّ أَحْسَنَ مَا كُنْتَ مِنَ الْعَامِلِينَ وَلِتُدَبِّرَنَّ لِيَوْمِ الظُّهُورِ تَدْبِيرًا، لَا يَحْزُنُ الْحَقُّ وَقَدْ أَمَرْنَا أَنْ يَعْمَلَنَّ بِذَلِكَ كُلُّ الْمُؤْمِنِينَ.

ثُمَّ الْعَاشِرُ، لَا تَتَعَلَّمَنَّ إِلَّا بِمَا نُزِّلَ فِي الْبَيَانِ أَوْ مَا يُنْشَى فِيهِ مِنْ عِلْمِ الْحُرُوفِ وَمَا يَنْفَرَعُ عَلَيَّ عَمَلِ الْبَيَانِ قُلْ أَنْ يَا عِبَادِي تَتَادَّبُونَ وَلَا تَخْتَرِعُونَ ثُمَّ تُخَفِّفُونَ عَلَيَّ أَنْفُسِكُمْ ثُمَّ تَتَصَنَّعُونَ.

ثُمَّ الْوَاحِدُ مِنْ بَعْدِ الْعَشْرِ، أَنْ لَا تَتَجَاوَزَنَّ عَنْ حُدُودِ الْبَيَانِ فَتَحْزَنُونَ وَلَا تَحْزُنَنَّ مِنْ نَفْسٍ فَإِنَّهُ لَا عَظْمَ حَدٍ لِعَلَّكُمْ مَنْ نُظِّهَرُهُ لَا تَحْزَنُونَ وَمَنْ يَتَجَاوَزْ لَنْ يُحْكَمَ عَلَيْهِ بِالْهُدْيِ وَمَا يَأْتِي بِالْهُدْيِ إِلَّا مَنْ نُظِّهَرُهُ بِالْهُدْيِ قُلْ أَنْ يَا أَوْلِي الْهُدْيِ بِهُدَايِ تَهْتَدُونَ.

ثُمَّ الثَّانِي مِنْ بَعْدِ الْعَشْرِ، أَنْ يَا عِبَادِي فَلْتَنْزِلَنَّ بِقَاعِ الْأَرْضِ ثُمَّ مَا فِيهَا فِي الْوَاحِدِ الْأَوَّلِ تَصْرِفُونَ.

ثُمَّ الثَّلَاثُ مِنْ بَعْدِ الْعَشْرِ، أَنْ يَا عِبَادِي فَلْتُرْفَعَنَّ مَقَاعِدَ الْوَاحِدِ عَلَيَّ مَا أَنْتُمْ عَلَيْهِ لِمُقْتَدِرُونَ.

ثُمَّ الرَّابِعُ مِنْ بَعْدِ الْعَشْرِ، أَنْ يَا عِبَادِي إِنْ تَسْتَجِيرَنَّ بِتِلْكَ الْبِقَاعِ لِتَأْمُنُونَ عِنْدَ النَّاسِ وَهُمْ عَلَيْكُمْ لَا يُسَلِّطُونَ ذَلِكَ لِتَسْتَجِيرَنَّ يَوْمَ الْقِيَمَةِ بِمَنْ بَعَثَ مِنْ مَرْقَدِهِ لَا مِثْلَ يَوْمِئِذٍ بِهِمْ تَسْتَجِيرُونَ وَعَلَيْهِمْ تَفْعَلُونَ مَا تَنْفَطِرُ السَّمَوَاتُ وَالْأَرْضُ وَمَا بَيْنَهُمَا حِينَ مَا تَسْمَعُ فَمَا لَكُمْ كَيْفَ لَا تَعْلَمُونَ.

ثُمَّ الْخَامِسُ مِنْ بَعْدِ الْعَشْرِ، فَلَا تَمْنَعَنَّ أَحَدًا إِذَا اسْتَجَارَ بِاللَّهِ ثُمَّ بِالْحُرُوفِ الْحَيِّ حِينَ الظُّهُورِ فِي الْأُخْرَى وَقَبْلَ ذَلِكَ فِي الْأُولَى تَحْكُمُونَ، وَإِنَّ بِمِثْلِ ذَلِكَ إِذَا اسْتَجَارَ بِأَحَدٍ أَحَدٌ لَوْ يُقْتَلُ فِي سَبِيلِهِ خَيْرٌ عِنْدَ اللَّهِ مِنْ أَنْ يُرَدَّهُ أَنْ يَا عِبَادِي فَتُجِيرُونَ.

ثُمَّ السَّادِسُ مِنْ بَعْدِ الْعَشْرِ، أَنْ يَا عِبَادِي إِلَيَّ بَيْتِي تَصْعَدُونَ ذَلِكَ بَيْتٌ مَنْ يُظْهِرُهُ اللَّهُ ذَلِكَ بَيْتِي فَلَا تَشْتَرْنَ مَا فِي حَوْلِهِ عَلَيَّ قَدْرَ مَا أَنْتُمْ تَسْتَطِيعُونَ أَنْ تَرْفَعُونَ.

ثُمَّ السَّابِعُ مِنْ بَعْدِ الْعَشْرِ، مَا فِي حَوْلِ الْبَيْتِ وَالْمَسْجِدِ لِلَّهِ فَلَا تَبِيعُونَ وَلا تَبْعُونَ وَلا تَجْعَلْنَ كُلُّكُمْ فِي حَدِّ مُلْكِكُمْ كُلَّمَا تَسْتَطِيعُونَ أَنْ تَعْلَمُونَ أَخْبَارَكُمْ ثُمَّ الَّذِينَ يَتَّجِرُونَ مَا يُحِبُّونَ أَنْ يَكْتُبُونَ وَإِنَّ مَسْجِدَ الْحَرَامِ مَا يُؤَلَّدُ مَنْ يُظْهِرُهُ اللَّهُ عَلَيْهِ، ذَلِكَ مَا وُلِدْتُ عَلَيْهِ، قُلْ مَقْعَدُ أَحْمَدِ، ذِكْرِي يَدْخُلُ فِيهِ أَنْتُمْ هُنَالِكَ لَتُصَلُّونَ وَلا تَعْرُجَنَّ إِلَيَّ بَيْتِي وَلا الْمَقَاعِدِ إِلَّا وَأَنْتُمْ تَمْلِكُنَّ مَا فِي السَّبِيلِ مَا لَا تَحْزَنُونَ وَمَنْ يَقْدِرُ أَنْ يَدْخُلَ عَلَيَّ أَوْ عَلَيَّ الْبَيْتِ فَلَا يُعْنِي عَنْهُ ذَلِكَ لَتَدْخُلَنَّ عَلَيَّ مَنْ نُظِّهَرُهُ فِي الْبَيْتِ لِلَّهِ رَبِّكُمْ وَلا تَخْضَعَنَّ لَهُ ثُمَّ لَتَسْجُدُونَ.

ثُمَّ الثَّامِنُ مِنْ بَعْدِ الْعَشْرِ، إِنْ وَقَفْتُمْ عَلَيَّ مَا أَنْتُمْ تُحِبُّونَ مِنْ حَجِّ بَيْتِي فَلْتَوَيْتَنَّ مَظَاهِرَ الْوَاحِدِ عَلَيَّ سَرَائِرَهُمْ أَرْبَعٌ مِثْقَالٍ مِنَ الذَّهَبِ إِنْ هُمْ عَلَيَّ مُنْتَهَى الْحُبِّ بِكُمْ يَسْلُكُونَ وَقَدْ عَفَوْنَا عَمَّنْ لَا يَقْدِرُ وَ مَنْ يَمْلِكُ وَ مَنْ يَخْدُمُ وَ مَنْ يَتَّبِعُ أَوْ يَتَّبِلِي لِعَلَّهُمْ يَشْكُرُونَ ذَلِكَ لَتَعْرِفَنَّ رَبَّ الْبَيْتِ ثُمَّ أَنْتُمْ مِنْ بَابِ الْبَيْتِ تَدْخُلُونَ ذَلِكَ مَنْ يُعَلِّمُكُمْ عِلْمَ بَاطِنِ الْبَاطِنِ لِلظَّاهِرِ الظَّاهِرِ ذَلِكَ إِيَّايَ فِي أُخْرَايَ أَنْ يَا عِبَادِي فَاعْرِفُونَا، ذَلِكَ لَتَعْرُجَنَّ إِلَيَّ مَنْ نُظْهِرُهُ إِنْ كَانَ إِيَّاهُ ثُمَّ أَنْتُمْ لَبَيْتِهِ تَصْعَدُونَ فَكَيْفَ أَنْتُمْ لِنَفْسِهِ لَا تَصْعَدُونَ حِينَئِذٍ كُلُّ إِلَيَّ بَيْتِي مِنْ قَبْلِ يَصْعَدُونَ وَهُمْ عَمَّنْ جَعَلَ الْبَيْتَ بَيْتًا مُحْتَجِبُونَ.

ثُمَّ التَّاسِعُ مِنْ بَعْدِ الْعَشْرِ، لَوْلَا يَحْزَنَ النِّسَاءُ لِأَنْهِيَهُنَّ عَنْ صُعودِهِنَّ لِمَا يَصْعَبَنَّ فِي السَّبِيلِ إِلَّا مَنْ يَكُنْ فِي أَرْضِ الْبَيْتِ فَإِنَّهُنَّ إِذَا شِئْنَ يَدْخُلْنَ الْبَيْتَ فِي اللَّيْلِ ثُمَّ عَلَيَّ سَرَائِرَهُنَّ عِنْدَ مَظَاهِرِ الْوَاحِدِ يَسْتَوْنَ وَيَذْكُرْنَ رَبَّهُنَّ الَّذِي خَلَقَهُنَّ ثُمَّ إِلَيَّ مَسَاكِنَهُنَّ يَرْجِعْنَ وَإِنْ يُرَاقِبَنَّ حُبَّ أَرْوَاجِهِنَّ وَذُرِّيَّاتِهِنَّ خَيْرٌ لَهُنَّ فَلَا تَقْرُبِينَ مَا تَحْزَنَنَّ فَإِنَّكُمْ قَدْ خُلِقْتُنَّ لِأَنْفُسِكُنَّ ثُمَّ لِذُرِّيَّاتِكُنَّ فَلَا تَخْتَارَنَّ الْأَسْفَارَ لِتَبْتَلِينَ وَ لَتَشْكُرَنَّ اللَّهُ بِمَا يَعْفُونَ وَ اللَّهُ عَلَامٌ حَكِيمٌ أَنْ يَا مَظَاهِرَ الْوَاحِدِ فِي الْأَلْفِ وَ الْبَاءِ لَا تَسْأَلَنَّ عَنْ نَفْسِ

فَإِنَّهَا تَعْرِفُ حُكْمَهَا ثُمَّ بَيْنَ يَدَيْهِ مَنْ جَعَلَ لَكُمُ حِفَازَ الْبَيْتِ لِتَسْجُدُوا وَإِنِّي لَأَدْخُلَنَّ الْبَيْتَ وَأَنْتُمْ لَا تَعْرِفُونَ فَلْتَحْسِنَنَّ بِكُلِّ مَنْ يَدْخُلُ بَيْتِي لَعَلَّكُمْ إِيَّايَ تُدْرِكُونَ.

الوَاحِدُ الْخَامِسُ

بِسْمِ اللَّهِ الْأَمْنَعِ الْأَقْدَسِ

إِنِّي أَنَا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا الْأَقْدَمُ الْأَقْدَمُ قَدْ نَزَلْتُ فِي بَابِ الْأَوَّلِ مِنَ الْوَاحِدِ الْخَامِسِ أَنْ تَرْفَعَنَّ
الْمَسْجِدَ مَقْعَدًا مَا وُلِدَتْ عَلَيْهِ عَلِيٍّ مَا أَنْتُمْ عَلَيْهِ لَمُقْتَدِرُونَ.

ثُمَّ الثَّانِي، أَنْتُمْ بِإِذْنِي تَرْفَعَنَّ مَسَاجِدَ الْحَيِّ ثُمَّ عَدَدَ الْمَصْبَاحِ فِيهَا مَا أَنْتُمْ تُحِبُّونَ لِتُحْصِنُونَ.

ثُمَّ الثَّلَاثُ، قَدْ جَعَلْنَا الْحَوْلَ تِسْعَةَ عَشَرَ شَهْرًا لِعَلَّكُمْ فِي الْوَاحِدِ تَسْلُكُونَ.

ثُمَّ الرَّابِعُ، أَنْتُمْ بِأَسْمَائِي لَتَسْمُونَ وَقَدْ جَعَلْنَاكَ بِهَائِي قُلْ أَنْ يَا خَلْقِي إِيَّاي فَاقْصِدُونَ وَتَسْمِينِ بِاسْمِ
مُحَمَّدٍ وَعَلِيٍّ وَفَاطِمَةَ ثُمَّ الْحَسَنِ ثُمَّ مَهْدِيٍّ وَهَادِيٍّ وَقَدْ جَعَلْنَا لِكُلِّ حَرْفٍ مِنْ اسْمِكَ اسْمًا قُلْ كُلِّ
لِي وَإِنِّي لِلَّهِ رَبِّي وَمَا مِنْ إِلَهٍ إِلَّا اللَّهُ ذَلِكَ سُلْطَانُ الْعَالَمِينَ ذَلِكَ مَحْبُوبُ الْعَالَمِينَ ذَلِكَ مَلَأُكَ
الْعَالَمِينَ ذَلِكَ مَقْصُودُ الْعَالَمِينَ ذَلِكَ مَعْبُودُ الْعَالَمِينَ ذَلِكَ مَطْلُوبُ الْعَالَمِينَ ذَلِكَ إِلَهُكُمْ وَمَلِيكُكُمْ
ثُمَّ رَبُّكُمْ وَمَلِكُكُمْ ثُمَّ سُلْطَانُكُمْ وَمَالِكُكُمْ ثُمَّ مَوْصُوفُ الْعَالَمِينَ.

ثُمَّ الْخَامِسُ، فَلْتَأْخُذَنَّ مَنْ لَمْ يَدْخُلْ فِي الْبَيَانِ مَا يُنْسَبُ إِلَيْهِمْ ثُمَّ إِنْ آمَنُوا لَتَرُدُّونَ إِلَّا فِي الْأَرْضِ
الَّتِي أَنْتُمْ عَلَيْهَا لَا تَقْدِرُونَ.

ثُمَّ السَّادِسُ، إِنْ يُفْتَحَ أَرْضٌ فِي الْبَيَانِ يُؤْخَذُ عَنْهُ مَا لَمْ يَكُنْ لَهُ عِدْلٌ لِمَنْ أَمْرٌ بِهِ وَيُحْفَظُ نَفْسُهُ إِنْ
لَمْ يَتَّعَبْ عِنْدَ مَنْ يَتَّجِرُ وَإِلَّا يَتَّجِرْ عَنِّي مِنْ بهَائِهِ، وَيَأْخُذُ حَقَّهُ مِنْ كُلِّ أَلْفٍ يَبِيعُ وَيَشْتَرِي مِائَةً فَضْلًا
مِنْ لَدُنَّا لِمَنْ نُظَهَرُهُ بِالْحَقِّ وَإِنَّا كُنَّا حَاسِبِينَ ثُمَّ يُؤْخَذُ بهَاءُ الهَاءِ وَيُحْفَظُ لِلْحُرُوفِ الْأُولَى عِنْدَ
الْمُؤْتَمِنِينَ وَيُؤْخَذُ الْوَاوُ لِلشُّهَدَاءِ ثُمَّ يُزَوَّجُ بِهِ فِي الْبَيَانِ الَّذِينَ هُمْ لَا يَسْتَطِيعُونَ ثُمَّ يَتَصَرَّفُ الْمَلِكُ كَيْفَ
يَشَاءُ ثُمَّ يُؤْتِي كُلَّ ذِي حَقٍّ حَقَّهُ مِنْ جُنْدِهِ وَإِنْ زَادَ مِنْ شَيْءٍ يَصْرَفُ فِي الْمَقَاعِدِ الْمَرْفُوعَةِ أَوْ يُؤْتِي

كُلَّ الْمُؤْمِنِينَ ذَلِكَ أَقْرَبُ فِي كِتَابِ اللَّهِ حَتَّىٰ وَإِنْ تَكُنْ نَفْسًا فِي أَرْضٍ يُؤْتِي شَيْئًا مِنْهَا فَضْلًا مِنَ اللَّهِ إِنَّهُ هُوَ الْفَضَّالُ الْكَرِيمُ .

ثُمَّ السَّابِعُ ، كُلَّمَا يَدْخُلُ فِي الدِّينِ وَمَا يَمْلِكُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْ دُونِهِمْ يُطَهَّرُ حِينَ مَا هُمْ يَمْلِكُونَ فَضْلًا عَلَيْكَ إِذَا اتَّجَرْتَ فِي أُخْرِيكَ ثُمَّ الْعَالَمِينَ قُلْ إِذَا نُسِبَ الشَّيْءُ إِلَيَّ مِنْ آمَنَ بِالْبَيَانِ يُطَهَّرُ فِي الْحِينِ أَنْ يَا عِبَادِي فَاشْكُرُوا وَلِتَشْتَرَنَّ مَا تُحِبُّونَ مِنْ كُلِّ أَرْضٍ لَعَلَّكُمْ شَيْءٌ اللَّطِيفِ لَتَمْلِكُونَ .

ثُمَّ الثَّامِنُ ، فَلْتَقْرُنَّ الْبَيَانَ ثُمَّ مِنْ ذَلِكَ الْبَحْرُ لثَالِيهَا تَأْخُذُونَ وَلَا تَنْقُصَنَّ مِنْ تِسْعَةِ عَشْرٍ آيَةً وَإِنْ لَمْ تَتَعَلَّمَنَّ لَتَقُولَنَّ اللَّهُ اللَّهُ ، رَبِّي وَلَا أُشْرِكُ بِاللَّهِ رَبِّي شَيْئًا إِنْ لَمْ تَضُرَّنَّ فِي يَوْمِ رَجْعِي مِنْ أَحَدٍ فَإِذَا كُنْتَ فِي قَوْلِكَ لِمَنِ الصَّادِقِينَ وَلَا يَنْفَعُكَ هَذَا إِنْ تَسْمَعُ ذِكْرَ ظُهُورِي ثُمَّ تَكُونَنَّ مِنَ الْقَاعِدِينَ .

ثُمَّ التَّاسِعُ ، فَادْكُرْنِي بِحُرُوفِ كُلِّ شَيْءٍ بِمَا تَذَكَّرُ مِنْ اسْمِي وَلَوْ كُنْتَ بِمَا يَخْطُرُ عَلَيَّ قَلْبِكَ مِنْ اسْمٍ مِنَ الْمَلْتَفَتِينَ .

ثُمَّ الْعَاشِرُ ، قَدْ وَهَبْتُكَ الْهَيْكَلَ وَالِدَوَائِرَ وَمَنْنْتُ عَلَيْكَ بِذَلِكَ قُلْ كُلُّ الْبَيَانِ فِيهِمَا لَتَكْتَبُونَ عَلَيَّ شَأْنٍ تَسْتَطِيعُونَ أَنْ تَقْرَأُوا .

ثُمَّ الْوَاحِدُ مِنْ بَعْدِ الْعَشْرِ ، فَلْتَعْظُمَنَّ عَلَيَّ الْمَوْلُودِ خَمْسَ مَرَّةٍ قَائِمًا وَأَنْتُمْ بَعْدَ كُلِّ مَرَّةٍ لَتَقُولُونَ تِسْعَةَ عَشْرَ مَرَّةٍ إِنَّا كُلُّ بِاللَّهِ مُؤْمِنُونَ ثُمَّ إِنَّا كُلُّ بِاللَّهِ مُوقِنُونَ ثُمَّ إِنَّا كُلُّ بِاللَّهِ لَمُبِدُّونَ ثُمَّ إِنَّا كُلُّ بِاللَّهِ لَمُعِيدُونَ ثُمَّ إِنَّا كُلُّ بِاللَّهِ رَاضِيُونَ ، ثُمَّ عَلَيَّ الْمَيِّتِ سِتَّةَ مَرَّةٍ ثُمَّ تَقُولُونَ تِسْعَةَ عَشْرَ مَرَّةً إِنَّا كُلُّ لِلَّهِ عَابِدُونَ ثُمَّ بَعْدَ مَا عَظَّمْتُمُ اللَّهَ فِي الْأُولَى إِنَّا كُلُّ لِلَّهِ سَاجِدُونَ ثُمَّ إِنَّا كُلُّ لِلَّهِ قَانِتُونَ ثُمَّ إِنَّا كُلُّ لِلَّهِ عَامِلُونَ ثُمَّ إِنَّا كُلُّ لِلَّهِ مُخْلِصُونَ ثُمَّ إِنَّا كُلُّ لِلَّهِ حَامِدُونَ ، وَلَتُدْفَنَنَّ فِي الْبُلُورِ أَوْ الْحَجَرِ الْمُصَقَّلِ لَعَلَّكُمْ تَسْكُنُونَ وَلَتَجْعَلَنَّ الْأَحَاتِمَ فِي يَمِينِهِ يُنْقَشُ عَلَيْهِ آيَةُ الَّتِي أَمَرُ بِهَا لَعَلَّكُمْ تَسْتَأْنِسُونَ قُلْ الْمَرْءُ يُكْتَبُ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا وَاللَّهُ عَلَّامٌ مُقْتَدِرٌ مَنِيعٌ قُلْ الْمَرْءُ تَأْمُرُ بِمَا نُزِلَ فِي كِتَابٍ عَظِيمٍ وَاللَّهُ مُلْكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا وَاللَّهُ عَلَّامٌ مُقْتَدِرٌ مَنِيعٌ .

ثُمَّ الثَّانِي مِنْ بَعْدِ الْعَشْرِ، أَنْتُمْ بِشَيْءٍ مِنْ تَرَبَةِ الْأَوَّلِ وَالْآخِرِ مَعَ الْمَوْتِي تُدْفِنُونَ.

ثُمَّ الثَّلَاثُ مِنْ بَعْدِ الْعَشْرِ، أَنْتُمْ كِتَابٌ وَصِيَّةٌ إِلَيَّ مِنْ نُظَاهِرِهِ تَكْتُبُونَ ذَلِكَ مَا تَكْتُبُونَ إِلَيَّ اللَّهُ إِنْ أَنْتُمْ بِهِ تُوقِنُونَ.

ثُمَّ الرَّابِعُ مِنْ بَعْدِ الْعَشْرِ، يُطَهِّرُكُمْ اسْمُ اللَّهِ إِذَا تَقَرَّعُونَ اللَّهَ أَطْهَرُ سِتَّةَ وَسِتِّينَ مَرَّةً ثُمَّ النُّقْطَةُ وَمَا يُشْرِقُ مِنْ عِنْدِهَا مِنْ آيَاتِ اللَّهِ ثُمَّ كَلِمَاتُهُ إِنْ أَنْتُمْ بِهَا تُوقِنُونَ ثُمَّ مَنْ يَدْخُلُ فِي الدِّينِ ثُمَّ مَا يَبْدَلُ كَيْنُونِيَّتَهُ ثُمَّ النَّارُ وَالْهَوَاءُ وَالْمَاءُ وَالتُّرَابُ ثُمَّ الشَّمْسُ إِذَا تُجَفَّفُ أَنْ يَا عِبَادِي فَاشْكُرُونَ.

ثُمَّ الْخَامِسُ مِنْ بَعْدِ الْعَشْرِ، مَاءُ الْحَيَوَانِ طَهَّرَ أَنْتُمْ بِهِ تُخْلَقُونَ فَلْتَلَطِّفَنَّ أَبْدَانَكُمْ عَنْ ذَلِكَ لَعَلَّكُمْ تَتَلَذَّذُونَ.

ثُمَّ السَّادِسُ مِنْ بَعْدِ الْعَشْرِ، كُلُّ شَيْءٍ لَمْ يَكُنْ لَهُ عِدْلٌ لِلَّهِ ذَلِكَ لِمَنْ يُظَاهِرُهُ اللَّهُ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ عَلَيَّ عَدَدِ الْوَاحِدِ أَنْ يَا عِبَادِي إِلَيْهِ لَتَبْلُغُونَ وَإِذَا غَرَبَتِ الشَّمْسُ فَلْتَمْلِكَنَّ مِنِّي أَنْفُسُكُمْ ثُمَّ يَوْمَ ظُهُورِي لَتَرُدُّونَ.

ثُمَّ السَّابِعُ مِنْ بَعْدِ الْعَشْرِ، فَلْتَقُولَنَّ فِي كُلِّ يَوْمٍ تِسْعَةً وَتِسْعِينَ مَرَّةً اللَّهُ أَعْظَمُ ثُمَّ إِيَّايَ فَاتَّقُونَ.

ثُمَّ الثَّامِنُ مِنْ بَعْدِ الْعَشْرِ، فَلْتَأْذُنَنَّ بِالْبَيْعِ وَالشَّرِيِّ كُلِّ عِبَادِي إِذَا عَلِمُوا الرِّضَا بَيْنَهُمْ ثُمَّ الَّذِينَ يَتَّجِرُونَ مَا هُمْ بِالْأَجَلِ يُرِيدُونَ ثُمَّ الْحِينَ يَنْقُضُونَ.

ثُمَّ التَّاسِعُ مِنْ بَعْدِ الْعَشْرِ، مَا أَنْتُمْ تَحْسَبُونَ الْمُثْقَالَ تِسْعَةَ عَشْرَ حِمَصٍ مِنَ الذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ وَيَجْعَلَنَّ الْمَلِكُ بِهَاءِ الْأَوَّلِ عَشْرَةَ أَلْفٍ دِينَارٍ ثُمَّ الثَّانِي مِنَ أَلْفِ دِينَارٍ وَإِنْ يُصَغَّرُ كُلُّ وَاحِدٍ فَلَا يَخْرُجُ عَنْ حَدِّ الْحِمَصِ وَأَنْتُمْ بِدُونِهِمَا لَا تَصْرِفُونَ فِي مُلْكِكُمْ وَلَيْسَ لِمَنْ يُصَغَّرُهُ مِنْ شَيْءٍ وَلَا لِمَنْ لَا يَبْلُغُ عِنْدَهُ مِقْدَارُ كُلِّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا خَمْسَ مِائَةٍ وَأَرْبَعِينَ مِثْقَالًا وَلَمْ يَتَمَّ حَوْلًا، فَضْلًا مِنْ لَدُنَّا لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ ثُمَّ بَعْدَ ذَلِكَ إِنْ وَجَدْتُمْ مَلِكًا لَنْ يَتَجَاوَزَ عَنْ حَدِّ الْبَيَانِ إِلَيْهِ لَتَبْلُغُونَ مِنْ كُلِّ مِثْقَالِ ذَهَبٍ خَمْسَ مِائَةِ دِينَارٍ

وَمِنْ كُلِّ مِثْقَالِ فِضَّةٍ خَمْسِينَ دِينَارٍ لَعَلَّ يَوْمَ ظُهُورِي يَنْصُرُ دِينَ رَبِّي وَلَمْ يَضْطَرَّ أَنْ يَأْخُذَ قَدْرَ قِيرَاطٍ مِنْ
 دُونِ حَقِّ فَأَذَا لَكَ ضِعْفَ الْخَرَاجِ لَوْ كُنْتَ مِنَ الْمُتَّقِينَ وَلَا يَسْأَلُ النَّاسُ مِنْ كِتَابِهِ لِيَأْتِيَ تَحْزَنَ مِنْ نَفْسٍ
 إِلَّا وَإِنَّهُمْ يَعْلَمُونَ بِأَنَّهُمْ لَا يُعْطُونَ لِأَنَّهُمْ يُحْسِنُونَ أَنْفُسَهُمْ بَلْ قَدْ أَمَرْتُ أَنْ تُحِيطَ كُلُّ نَفْسٍ مِنْ حِينِ
 مَا تَتَوَلَّدُ إِلَيَّ أَنْ تَقْبِضَ مَا تَمْلِكُ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ بِهَائِهِ لَتَكُونَنَّ مِنَ الشَّاكِرِينَ مَا قَدْ أَدْنَتْ لَمْ يَكُنْ إِلَّا
 حَقٌّ مَنْ يُظْهِرُهُ اللَّهُ قَدْ أَدْنَتْ لِعَبِيدِهِ لَعَلَّهُمْ يَسْتَحْيُونَ عَنْهُ وَهُمْ عَلَيْهِ لَا يَحْكُمُونَ وَلَا يَحْزَنُونَ وَإِلَّا ذَلِكَ
 مِنْ حَقِّي وَحَقِّ اسْمَائِي الَّتِي لَنْ يُرَى فِيهَا إِلَّا إِيَّايَ أَنْ يَا خَلْقِي عَلَيَّ حُرُوفِ الْأُولَى تُصَلُّونَ.

الْوَاحِدُ السَّادِسُ

بِسْمِ اللَّهِ الْأَمْنَعِ الْأَقْدَسِ

أَنِّي أَنَا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا الْأَغِيثُ الْأَغِيثُ قَدْ نَزَلْتُ الْبَيَانَ وَجَعَلْتُهُ حُجَّةً مِن لَدُنَّا عَلَي الْعَالَمِينَ، فِيهِ مَا لَمْ يَكُنْ لَهُ كُنُفٌ ذَلِكَ آيَاتُ اللَّهِ قُلْ كُلُّ عَنهَا يَعْجُزُونَ، فِيهِ مَا لَمْ يَكُنْ لَهُ عِدْلٌ ذَلِكَ مَا أَنْتُمْ بِهِ تُدْعُونَ، فِيهِ مَا لَمْ يَكُنْ لَهُ شِبْهُ ذَلِكَ مَا كُنَّا فِيهِ لِمُفَسِّرِينَ ذَلِكَ الْأَلْفُ بَيْنَ الْبَائِنِ أَنْتُمْ بِالْبَابِ تُدْرِكُونَ، فِيهِ مَا لَمْ يَكُنْ لَهُ قَرِينٌ ذَلِكَ جَوْهَرُ الْعِلْمِ وَالْحِكْمَةِ أَنْتُمْ بِهِ تُجِيبُونَ، فِيهِ مَا لَمْ يَكُنْ لَهُ مِثْلٌ ذَلِكَ مَا يَنْطِقُ بِهِ الْفَارِسِيُّونَ وَأَنْتُمْ فِي الْوَاحِدِ لَتَنْظِمُونَ وَلَا تَكْتَبَنَّ السُّورَ إِلَّا وَأَنْتُمْ فِي الْآيَاتِ عَلَي عَدَدِ الْمُسْتَعَاثِ لَا تَتَجَاوَزُونَ وَمِنْ أَوَّلِ الْعَدَدِ إِذْنٌ لَكُمْ أَنْ يَا عِبَادِي لَتَدَقُّونَ وَأَذِنْتُ أَنْ يَكُونَ مَعَ كُلِّ نَفْسٍ أَلْفُ بَيْتٍ مِمَّا يَشَاءُ لِيَتَلَدَّذَنَّ بِهِ حِينَ مَا يَتَلَوُ وَكَانَ مِنَ الْمُحَرَّرِينَ قُلْ إِنَّمَا الْبَيْتُ ثَلَاثِينَ حَرْفًا إِنْ أَنْتُمْ تُعْرَبُونَ لَتَحْسَبُونَ عَلَي عَدَدِ الْمِيمِ ثُمَّ عَلَي أَحْسَنِ حُسْنٍ تَكْتَبُونَ وَتَحْفَظُونَ ذَلِكَ وَاحِدَ الْأَوَّلِ أَنْتُمْ بِاللَّهِ تَسْكُنُونَ.

ثُمَّ الثَّانِي، أَنْتُمْ فِي كُلِّ أَرْضٍ بَيْتٌ حَرِّبْنِيُونَ وَلَتَلَطُّفَنَّ كُلُّ أَرْضِكُمْ وَكُلُّ شَيْءٍ عَلَي أَحْسَنِ مَا أَنْتُمْ عَلَيْهِ مُقْتَدِرُونَ لِئَلَّا يَشْهَدَ عَيْنِي عَلَي كَرِهِ أَنْ يَا عِبَادِي فَاتَّقُونَ ذَلِكَ أَقْرَبُ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ إِنْ أَنْتُمْ تَعْلَمُونَ.

ثُمَّ الثَّلَاثُ، فَلَا يَسْكُنُ فِي أَرْضِ الْخَمْسِ إِلَّا عِبَادِي الْمُتَّقِينَ.

ثُمَّ الرَّابِعُ، فَلتَسْلِمَنَّ لِلَّهِ وَأَنْتُمْ تَقُولُونَ اللَّهُ أَكْبَرُ ثُمَّ تُجِيبُونَ اللَّهُ اعْظَمُ ثُمَّ الْمَرْأَةُ اللَّهُ أَبْهَى وَمَنْ يُجِيبُ اللَّهُ أَجْمَلُ ثُمَّ إِيَّاي تَتَّقُونَ.

ثُمَّ الْخَامِسُ، إِنَّمَا الْمَاءُ طَهْرٌ طَاهِرٌ مُطَهَّرٌ، فِي الْكَأْسِ حُكْمُ الْبَحْرِ تَشْهَدُونَ.

ثُمَّ السَّادِسُ، فَلتَمْحُونَ كُلَّمَا كَتَبْتُمْ وَلتَسْتَدِلَّنَّ بِالْبَيَانِ وَمَا أَنْتُمْ فِي ظِلِّهِ تُنْشُونَ.

ثُمَّ السَّابِعُ، لَتَقْتَرُنَّ الْبَاءَ بِاللَّيْلِ بِمَا قَدْ نَزَّلْنَاهُ فِي الْكِتَابِ ثُمَّ آيَايَ فَاتَّقُونَ قُلْ فِي الْمَدَائِنِ خَمْسٌ وَ تِسْعِينَ مِثْقَالًا مِنَ الذَّهَبِ ثُمَّ فِي الْقُرْيِ مِثْلُ ذَلِكَ فِي الْفِضَّةِ إِلَيَّ أَنْ يَنْتَهِيَ إِلَيَّ تِسْعَةَ عَشَرَ مِثْقَالًا بِمَا يَنْزِلُ عَدَدُ الْوَاحِدِ إِذَا وَجَدَ الرِّضَا بَيْنَهُمَا ثُمَّ عَنِ الْإِنْقِطَاعِ تَنْقِطِعُونَ ثُمَّ بِالْإِرْتِفَاعِ تَرْتَفِعُونَ وَلِيْمَهْرَنَ كُلِّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا ثُمَّ كُلُّ يَقُولُونَ إِنَّا كُلُّ لِلَّهِ رَاضِيُونَ وَقَدْ جَعَلَ اللَّهُ كُلَّ جَوَاهِرِ الْأَرْضِ مَهْرًا مِنْ خُلِقَتْ لِمَنْ نُظِرَهُ ذَلِكَ مِنْ فَضْلِ اللَّهِ عَلَيْهِ لِيَكُونَ مِنَ الشَّاكِرِينَ.

ثُمَّ الثَّامِنُ، لَا تَسْتَدِلُّنَّ إِلَّا بِالْآيَاتِ فَإِنَّ مَنْ لَمْ يَسْتَدِلَّ بِهَا فَلَا عِلْمَ لَهُ فَلَا تَذْكُرَنَّ مُعْجَزَةً دُونَهَا لَعَلَّكُمْ يَوْمَ ظُهُورِي فِي الْحِينِ لِتُؤْمِنُونَ وَلَتَقْتَرُنَّ ذَلِكَ وَلَتَجْعَلَنَّهُ مَدَّ أَعْيُنِكُمْ لَعَلَّكُمْ يَوْمَ ظُهُورِي لَا تَحْتَجِبُونَ.

ثُمَّ التَّاسِعُ، أَنْتُمْ لِبَاسِ الْحَرِيرِ لَيْلَةَ الْعَيْشِ تَلْبَسُونَ وَإِنْ اسْتَطَعْتُمْ دُونَهُ لَا تَلْبَسُونَ وَأَنْتُمْ أَسْبَابُكُمْ الَّتِي بِهَا فِي سِرِّكُمْ لَتَعِيشُونَ مِنَ الذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ تَصْنَعُونَ وَإِذَا مَا وَجَدْتُمْ ذَلِكَ فِي شَأْنٍ لَا تَحْزَنُونَ فَإِنِّي أَنَا رَبُّكُمْ لَا تَيْنِكُمْ فِي أُخْرِيكُمْ إِذَا أَنْتُمْ بِي وَآيَاتِي تُؤْمِنُونَ.

ثُمَّ الْعَاشِرُ، فَلَتَجْعَلَنَّ فِي أَيْدِيكُمْ عَقِيقَ أَحْمَرَ أَنْتُمْ عَلَيْهِ لَتَنْقِشُونَ لِتَشْهَدَنَّ بِذَلِكَ عَلَيَّ أَنْ مَنْ نُظِرَهُ حَقٌّ لَارِيبَ فِيهِ وَكُلُّ بِهِ ثُمَّ لَهُ يُخْلَقُونَ قُلِ اللَّهُ حَقٌّ وَإِنَّ مَا دُونَ اللَّهِ خَلْقٌ وَكُلُّ لَهُ عَابِدُونَ.

ثُمَّ الْوَاحِدُ مِنَ بَعْدِ الْعَشْرِ، قُلْ أَنْ يَا مُحَمَّدُ مُعَلِّمِي فَلَا تَضْرِبْنِي قَبْلَ أَنْ يُقْضِيَ عَلَيَّ خَمْسُ سَنَةٍ وَلَوْ بِطَرْفِ عَيْنٍ فَإِنَّ قَلْبِي رَقِيقٌ رَقِيقٌ وَبَعْدَ ذَلِكَ أَدْبِنِي وَلَا تُخْرِجْنِي عَنْ حَدِّ وَقْرِي وَإِذَا أَرَدْتَ ضَرْبًا فَلَا تَتَجَاوَزْ عَنِ الْخَمْسِ وَلَا تَضْرِبْ عَلَيَّ اللَّحْمَ إِلَّا وَأَنْ تَحُلَّ بَيْنَهُمَا سِتْرًا فَإِنْ تَعَدَّيْتَ تُحْرِمُ عَلَيْكَ زَوْجَكَ تِسْعَةَ عَشَرَ يَوْمًا وَإِنْ تَنَسَى وَإِنْ لَمْ يَكُنْ لَكَ مِنْ قَرِينٍ فَلَتَنْفِقَ بِمَا ضَرَبْتَهُ تِسْعَةَ عَشَرَ مِثْقَالًا مِنْ ذَهَبٍ إِنْ أَرَدْتَ أَنْ تَكُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَلَا تَضْرِبْ إِلَّا خَفِيفًا خَفِيفًا وَلَتَسْتَقِرَّنَّ الصَّبَايَا عَلَيَّ سَرِيرًا أَوْ عَرْشًا أَوْ كُرْسِيًّا فَإِنَّ ذَلِكَ لَمْ يُحْسَبْ مِنْ عُمْرِهِمْ وَلَتَأْذُنَنَّ لَهُمْ بِمَا هُمْ يَفْرَحُونَ وَلَتَعْلَمَنَّيَ خَطَّ الشُّكْسَةِ فَإِنَّ ذَلِكَ مَا يُحِبُّهُ اللَّهُ وَجَعَلَهُ بَابَ نَفْسِهِ لِلْخَطُوطِ لَعَلَّكُمْ تَكْتُبُونَ عَلَيَّ شَأْنٍ تَذَهَبَنَّ بِهِ قُلُوبُكُمْ مِنْ سُكْرِهِ وَيَجْعَلَنَّكُمْ مَاءً لِمَنْ نُظِرَهُ إِذَا يَنْظُرُ إِلَيْهِ أَعْيُنُكُمْ يَجْذِبُكُمْ مِثْلَ مَا كُنَّا كَاتِبِينَ وَقَدْ أَقْرَنْتَكَ بِمَنْ يَرِثُ

لَيْلًا يَحْرَنَ عَرْشَ رَبِّكَ فِي صِغَرِهِ وَكُلُّ بِهِ لَا يُحْرَنُونَ قُلْ لَوْ شِئْتُمْ لَأَقَطَعُ عَنْكَ مَا وَهَبْتُكَ مِنْ مَلِكِي
أَنْ يَا عِبَادِي فَاتَّقُونِ .

ثُمَّ الثَّانِي مِنْ بَعْدِ الْعَشْرِ، فَلَا تَقْرَبِ الطَّاءَ وَالْقَافَ وَإِنْ تَضَطَّرْنَ فَتَصْبِرَنَّ حَوْلًا لَعَلَّكُمْ بِالْوَاحِدِ تُنَجِّيونَ
وَإِلَّا إِذْنُ لَهُمَا وَأَذْنَا إِذَا أَرَادَا أَنْ يَرْجِعَا تِسْعَةَ عَشْرَ مَرَّةً بَعْدَ أَنْ يَصْبِرَ شَهْرًا لَعَلَّكُمْ فِي ظِلِّ أَبْوَابِ دُونَ
الْحَقِّ لَا تَدْخُلُونَ .

ثُمَّ الثَّلَاثُ مِنْ بَعْدِ الْعَشْرِ، فَلَا تَجْعَلَنَّ أَبْوَابَ بَيْتِ النُّقْطَةِ فَوْقَ خَمْسٍ وَتِسْعِينَ بَابًا وَلَا أَبْوَابَ بُيُوتِ
الْحُرُوفِ فَوْقَ خَمْسَةِ أَنْ يَا عِبَادِي فِي ذَلِكَ كُلِّ الْعِلْمِ تَسْتَدِلُّونَ .

ثُمَّ الرَّابِعُ مِنْ بَعْدِ الْعَشْرِ، أَنْتُمْ يَوْمَ اللَّهِ الْأَعْظَمِ عَدَدَ كُلِّ شَيْءٍ تَقُولُونَ شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ
الْمَحْبُوبُ وَإِنْ تَكُونَنَّ فِي رَوْحِ إِلِي ذِكْرِ الْقُدْرَةِ تَحْتَمُونَ ثُمَّ فِي لَيْلَةٍ فِي آلاءِ اللَّهِ تِسْعَةَ عَشْرَ عِدَّةً بَيْنَ
أَيْدِيكُمْ لِتَحْصُونَ، إِلِي عَدَدِ الْمُسْتَعَاثِ إِذْنُ لِمَنْ يَقْدِرُ وَلَا تَحْرَنَنَّ إِذَا أَنْتُمْ لَا تَسْتَطِيعُونَ فَإِنَّ عِنْدَ اللَّهِ
عَلَى الْعَرْشِ كَانَ وَاحِدًا قُلْ إِيَّاي فَاشْكُرُونَ قُلْ ذَلِكَ يَوْمَ النُّقْطَةِ ثُمَّ عَدَدُ الْحَيِّ لِلْحَيِّ ثُمَّ شُهُورُ الْحَيِّ
أَنْتُمْ فِي بَحْرِ الْخَلْقِ تَصْعَدُونَ .

ثُمَّ الْخَامِسُ مِنْ بَعْدِ الْعَشْرِ، فَلْتَقُومَنَّ أَنْتُمْ كُلَّكُمْ أَجْمَعُونَ إِذَا تَسْمَعَنَّ ذِكْرَ مَنْ يُظْهِرُهُ اللَّهُ بِاسْمِ الْقَائِمِ
فَلْتَرَأَيْنَنَّ فَرْقَ الْقَائِمِ وَالْقِيَوْمِ ثُمَّ فِي سَنَةِ التَّسْعِ كُلِّ خَيْرٍ تُدْرِكُونَ .

ثُمَّ السَّادِسُ مِنْ بَعْدِ الْعَشْرِ، فَلَا تُسَافِرَنَّ إِلَّا لِلَّهِ وَأَنْتُمْ تَسْتَطِيعُونَ إِلَّا عِنْدَ ظُهُورِ الْحَقِّ فَإِنَّ عَلَيْكُمْ أَنْ
تُسَافِرَنَّ إِلَيْهِ فَإِنَّكُمْ قَدْ خُلِقْتُمْ لِذَلِكَ لَوْ أَنْتُمْ بَارِجِلِكُمْ لَتَمَشُونَ وَكَيْسَ عَلَيْكُمْ فَرَضًا إِلَّا زِيَارَةَ الْبَيْتِ ثُمَّ
مَقْعَدِ النُّقْطَةِ إِذَا اسْتَطَعْتُمْ ثُمَّ مَقَاعِدَ الْحَيِّ وَالْمَسَاجِدِ إِنْ تَسْتَطِيعُونَ وَإِنْ أَرَدْتُمْ التَّجَارَةَ فَلَا تَطُولَنَّ
فِي الْبَرِّ إِلَّا حَوْلَيْنِ وَلَا فِي الْبَحْرِ إِلَّا خَمْسَ حَوْلٍ وَإِنْ جَاوَزَ أَحَدٌ فَلْيُؤْتَيْنَنَّ قَرِينَهُ اثْنِيَّ وَمَاتَيْنِ مِثْقَالًا مِنْ
ذَهَبٍ إِنْ اسْتَطَاعَ وَإِلَّا مِنْ فِضَّةٍ إِلَّا وَأَنْ تَرْفَعَنَّ قَرِينَكُمْ مَعَكُمْ لَعَلَّكُمْ فِي الْبَيَانِ نَفْسًا لَا تَحْرَنُونَ وَمَنْ
يُجِبُّ أَحَدًا فِي سَفَرٍ وَلَوْ كَانَ قَدَمًا أَوْ يَدْخُلُ فِي بَيْتِ أَحَدٍ قَبْلَ أَنْ يُؤذَنَ أَوْ يُرِيدَ أَنْ يُخْرِجَهُ مِنْ بَيْتِهِ بِغَيْرِ

إِذْنِهِ أَوْ يَطْلُبُهُ مِنْ بَيْتِهِ بِغَيْرِ حَقٍّ فَيَحْرُمُ عَلَيْهِ زَوْجَتَهُ تِسْعَةَ عَشَرَ شَهْرًا أَوْ إِنْ يَتَجَاوَزُ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ فِي ذَلِكَ مِنْ أَحَدٍ فَعَلِي شُهَدَاءُ الْبَيَانِ أَنْ يَأْخُذَ عَنْهُ خَمْسٌ وَتِسْعِينَ مِثْقَالًا مِنْ ذَهَبٍ وَمَنْ أَرَادَ أَنْ يَجْبُرَ عَلَيَّ أَحَدٍ فَعَلِي مَنْ عِلْمٍ وَيَقْدِرُ وَلَوْ كَانَ بَعْدَ سَنَةٍ فَرَضَ أَنْ يَحْضُرَ وَيَمْنَعَهُ وَمَنْ لَمْ يَحْضُرْ بَعْدَ أَنْ يَقْدِرَ فَيَحْرُمُ عَلَيْهِ زَوْجَتَهُ تِسْعَةَ عَشَرَ يَوْمًا وَلَا تَحِلُّ عَلَيْهِ إِلَّا وَيُنْفِقُ تِسْعَةَ عَشَرَ مِثْقَالًا مِنْ ذَهَبٍ إِنْ يَقْدِرُ وَإِلَّا مِنْ فِضَّةٍ ذَلِكَ أَنْ لَا تُظَلَمَ نَفْسٌ فِي الْبَيَانِ وَمَنْ يَرْفَعُ صَوْتَهُ بِغَيْرِ حَقٍّ يَخْرُجُ عَنْ حَدِّ الْإِنْسَانِ أَنْ يَا عِبَادِي فَاتَّقُوا.

ثُمَّ السَّابِعُ مِنْ بَعْدِ الْعَشْرِ، مَا يَخْرُجُ مِنَ الْحَيَوَانِ فَلَا تُحْدَرُنَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ تُحِبُّونَ أَنْ تَلْطَفُونَ.

ثُمَّ الثَّامِنُ مِنْ بَعْدِ الْعَشْرِ، حَرَّمَ عَلَيْكُمْ فِي دِينِكُمْ النَّظْرَ بَعْضَكُمْ إِلَى كِتَابٍ بَعْضٍ إِلَّا لِمَنْ أُذِنَ أَوْ عِلْمٌ أَنَّهُ يَرْضِي لِعَلَّكُمْ تَسْتَحْيُونَ ثُمَّ تَتَادَّبُونَ.

ثُمَّ التَّاسِعُ مِنْ بَعْدِ الْعَشْرِ، فَرَضَ عَلَيْكُمْ فِي دِينِكُمْ أَنْ تُجِيبُونَ مَنْ يُكَلِّمُكُمْ بِقَوْلٍ يُدُلُّ عَلَيَّ لَا أَوْ بَلِي وَمِثْلُ ذَلِكَ فِي كُتُبِكُمْ إِذَا يَكْتُبُ أَحَدٌ إِلَى أَحَدٍ كِتَابًا فَرَضَ عَلَيْهِ أَنْ يَكْتُبَنَّ جَوَابَهُ بِأَثَرِهِ إِذَا اسْتَطَاعَ وَإِلَّا أَثَرِ غَيْرِهِ وَمَنْ يَرُدُّ كِتَابًا أَوْ يُضِيعُهُ أَوْ يَقْدِرُ أَنْ يُوَصِّلَ إِلَى أَحَدٍ وَلَا يُوَصِّلُ لَمْ يَكُنْ عِنْدَ اللَّهِ مِنَ الْعَابِدِينَ.

الوَاحِدُ السَّابِعُ

بِسْمِ اللَّهِ الْأَمْنَعِ الْأَقْدَسِ

إِنِّي أَنَا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا الْأَعْدَلُ الْأَعْدَلُ قُلْ وَلِتَجِدَنَّ الْبَيَانَ ثُمَّ كُلَّ كُتُبِكُمْ إِذَا قُضِيَ عَدَدَ اسْمِ اللَّهِ لِمَنْ يَقْدِرُ وَعَدَدَ اسْمِ الرَّاءِ وَالْبَاءِ لِمَنْ لَا يَقْدِرُ لِعَلَّكُمْ شُؤْنَ الْآخِرَةِ تُدْرِكُونَ إِذَا يَكُنُ الثَّانِي خَيْرٌ وَالْأَوَّلُ خَيْرٌ لَهُ وَإِنْ لَمْ تَجِدْ مِثْلَ خَطِّهِ فَلَا تُعَيِّرْهُ وَبَعْدَ مَا غَيَّرَ، الْأَصْلُ تُنْفِقُونَ أَوْ فِي الْمَاءِ الْعَذْبِ تَسْتُرُونَ وَلِتَطْرُزَنَّ كُتُبِكُمْ مِنْ أَوَّلِ الْأَبْجَدِ إِلَيَّ ذِكْرَ الْأَبَدِ لِعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ ذَلِكَ وَاحِدُ الْأَوَّلِ.

ثُمَّ أَنْتُمْ فِي الثَّانِي، لِلَّهِ رَبِّكُمْ تَعْمَلُونَ كُلَّمَا تَعْمَلُونَ إِنْ تَعْمَلَنَّ لِمَنْ نُظِهَرُهُ بِالصِّدْقِ أَنْتُمْ لِلَّهِ عَامِلُونَ وَإِلَّا لَوْ تَعْمَلَنَّ كُلَّ خَيْرٍ أَنْتُمْ فِي النَّارِ وَلَمْ يَكُنْ لِلَّهِ وَلَوْ أَنْتُمْ لِلَّهِ تَقْصِدُونَ.

ثُمَّ الثَّلَاثُ، دَيْنِكُمْ حِينَ مَا تَسْتَطِيعُونَ لَتُرَدُّونَ وَأَنْتُمْ فِي كُلِّ وَاحِدٍ كِتَابٍ اثْبَاتٍ لِمَنْ نُظِهَرُهُ بَعْضُكُمْ إِلَى بَعْضٍ تَكْتُبُونَ لِعَلَّكُمْ يَوْمَ ظُهُورِهِ بِمَا تَكْتُبُونَ لَتَعْمَلُونَ.

ثُمَّ الرَّابِعُ، أَنْتُمْ فِي كُلِّ حَوْلٍ شَهْرًا بِاسْمِ اللَّهِ تَخْلُصُونَ لِعَلَّكُمْ يَوْمَ ظُهُورِ الْحَقِّ إِيَّاهُ تُجِيبُونَ وَلَا يَخْرُجُ عَنْ أَفْوَاهِكُمْ إِلَّا اسْمٌ وَاحِدٌ وَإِنْ نَسِيتُمْ وَكَلِمَتُمْ بِدُونِهِ لَا جَنَاحَ عَلَيْكُمْ قُلْ كُلُّ لِلَّهِ وَكُلٌّ عَلَى اللَّهِ يَدُلُّونَ.

ثُمَّ الْخَامِسُ، حِينَ ظُهُورِ اللَّهِ إِذَا حَضَرَ مِنْ نَفْسٍ يَنْقَطِعُ عَنْهُ الْعَمَلُ إِلَّا بِمَا أَمَرَ أَنْ يَا عِبَادِي فَاتَّقُونِ فَإِنَّهُ لَوْ يَجْعَلُ مَا عَلَى الْأَرْضِ نَبِيًّا لِيَكُونَنَّ أَنْبِيَاءَ عِنْدَ اللَّهِ وَلَكِنْ لَنْ يَجْعَلَ إِلَّا مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ عَلَّامٌ حَكِيمٌ.

ثُمَّ السَّادِسُ، فَلَا تَحْمَلَنَّ اسْبَابَ الْحَرْبِ بَيْنَكُمْ وَلَا تَلْبَسَنَّ مَا يَخَافُ بِهِ الصَّبَايَا لِعَلَّكُمْ مَنْ نُظِهَرُهُ بِالْحَقِّ لَا تَحْزَنُونَ.

ثُمَّ السَّابِعُ، إِذَا أَدْرَكْتُمْ مَا نُظِهَرُهُ أَنْتُمْ مِنْ فَضْلِ اللَّهِ تَسْتَلُونَ لِيَمُنَّ عَلَيْكُمْ بِاسْتِوَائِهِ عَلَي سَرَائِرِكُمْ فَإِنَّ ذَلِكَ عَزِيزٌ مَنِيْعٌ إِنْ يَشْرَبُ كَأْسَ مَاءٍ عِنْدَكُمْ أَعْظَمُ مِنْ أَنْ تُشْرِبْنَ كُلَّ نَفْسٍ مَاءً وَجُودِهِ بَلْ كُلُّ شَيْءٍ أَنْ يَا عِبَادِي تُدْرِكُونَ.

ثُمَّ الثَّامِنُ، فِي كُلِّ شَهْرٍ وَاحِدًا فِي وَاحِدٍ مِنْ ذِكْرِ اسْمِ رَبِّكُمْ، اللَّهُ أَعْظَمُ تُمَلِّئُونَ عَلَي أَحْسَنِ خَطِّ وَإِنْ قُضِيَ عَنْكُمْ يَقْضِي وَرَائِكُمْ لَعَلَّكُمْ يَوْمَ ظُهُورِ اللَّهِ بِالْوَاحِدِ الْأَوَّلِ تُؤْمِنُونَ ثُمَّ لَتُكْثِرُونَ.

ثُمَّ التَّاسِعُ، مَنْ يَبْعَثُ فِي ذَلِكَ الدِّينِ مِنَ الْمَلِكِ يَبْنِي بَيْتًا لِلَّهِ عَلَي أَبْوَابِ خَمْسَةِ ثُمَّ تَسْعِينَ ثُمَّ فِي تَلْقَائِهِ عَلَي تَسْعِينَ لِمَنْ نُظِهَرُهُ لِيَشْهَدَنَّ الطِّينُ مِنْ عِنْدِهِ عَلَي إِنْ الْمَلِكِ لِلَّهِ لَنْ يَشْهَدُ بِمَا يَعْمَلُ قَدْرًا مَا يَشْهَدُ الطِّينُ مِنْ عِنْدِهِ أَنْ يَا عِبَادِي فَاتَّقُونَ.

ثُمَّ الْعَاشِرُ، فَلْتَحْرُزَنَّ ذُرِّيَّاتِكُمْ بِهَيْكَلِ عِزِّ فِيهِ مِنْ اسْمِ اللَّهِ عَدَدَ الْمُسْتَعَاثِ لَعَلَّكُمْ يَوْمَ الْقِيَمَةِ بِذَلِكَ الْإِسْمِ لَتَنْجُونَ.

ثُمَّ الْوَاحِدُ مِنْ بَعْدِ الْعَشْرِ، أَنْتُمْ عَلَي الْكُرْسِيِّ تَدْرُسُونَ وَتَخْطُبُونَ أَيَّامَ الْعِزِّ وَالْحُزْنِ ثُمَّ إِيَّاي فَاتَّقُونَ.

ثُمَّ الثَّانِي مِنْ بَعْدِ الْعَشْرِ، إِنْ عَمِلْتُمْ لِمَنْ نُظِهَرُهُ فَلَا تَبْطُلَنَّ أَعْمَالِكُمْ بِأَنْ تُشْرِكَنَّ بِاللَّهِ وَأَنْتُمْ لَا تَعْمَلُونَ.

ثُمَّ الثَّلَاثُ مِنْ بَعْدِ الْعَشْرِ، إِنْ تَمَلِكَنَّ مِنْ نَفْسِ اللَّهِ تِسْعَةَ عَشْرَ آيَةً بِأَثَرِهِ خَيْرٌ لَكُمْ مِنْ كُلِّ فَضْلٍ إِنْ أَنْتُمْ قَدَرْتُمْ آيَاتِ اللَّهِ تَعْلَمُونَ مَا خَلَقَ اللَّهُ شَيْئًا أَعَزَّ مِنْ هَذَا إِنْ أَنْتُمْ إِلَي سِرِّ الْأَمْرِ تَنْظُرُونَ.

ثُمَّ الرَّابِعُ مِنْ بَعْدِ الْعَشْرِ، حُرِّمَ عَلَيْكُمْ فِي دِينِكُمْ أَنْ تُتُوبُونَ عِنْدَ أَحَدٍ إِلَّا عِنْدَ مَنْ نُظِهَرُهُ أَوْ مَا أَذِنَ وَلَكِنَّكُمْ تَسْتَغْفِرُونَ اللَّهَ رَبَّكُمْ السُّلْطَانَ ثُمَّ إِلَيهِ لَتُتُوبُونَ.

ثُمَّ الْخَامِسُ مِنْ بَعْدِ الْعَشْرِ، أَنْتُمْ عِنْدَ بَابِ مَدِينَةٍ مَنْ يُظِهَرُهُ اللَّهُ تَسْجُدُونَ مِثْلَ ذَلِكَ مَا قَدْ ظَهَرَ لَعَلَّكُمْ إِيَّاي تَتَّقُونَ إِنْ لَمْ تَخَافُونَ.

ثُمَّ السَّادِسُ مِنْ بَعْدِ الْعَشْرِ، نَزَلَ عَلَيَّ مَلِكٌ يَوْمَ الظُّهُورِ أَنْ يَكْتُبَ مَا يُنَزَّلُ مِنْ عِنْدِ النُّقْطَةِ وَيَعْرَضُ عَلَيَّ الْعُلَمَاءَ لِيُظَهَّرَ عَجْزُهُمْ عَلَيَّ مِنْ عَلَيَّ الْأَرْضِ وَلَا يَجْعَلَ عَلَيَّ أَرْضِهِ مَنْ لَمْ يُؤْمِنْ بِهِ وَمِثْلُ ذَلِكَ قَبْلَ أَنْ يُظَهَّرَ فِي الْبَيَانِ إِلَّا الَّذِينَ هُمْ يَتَّجِرُونَ فِي مُلْكِهِمْ قُلْ أَنْ يَا عِبَادِي إِيَّايَ فَاتَّقُونِ.

ثُمَّ السَّابِعُ مِنْ بَعْدِ الْعَشْرِ، فَلْتَقُولَنَّ فِي يَوْمِ الْجُمُعَةِ فِي تَلْقَاءِ الشَّمْسِ تِلْكَ الْآيَةُ لَعَلَّكُمْ يَوْمَ الْقِيَمَةِ بَيْنَ يَدَيَّ شَمْسِ الْحَقِيقَةِ لَتَقُولُونَ إِنَّمَا الْبَهَاءُ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ عَلَيْكَ يَا أَيُّهَا الشَّمْسُ الطَّالِعَةُ فَاشْهَدِي عَلَيَّ مَا قَدْ شَهِدَ اللَّهُ عَلَيَّ نَفْسِهِ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْمَحْبُوبُ.

ثُمَّ الثَّامِنُ مِنْ بَعْدِ الْعَشْرِ، مَنْ يَحْبِسُ أَحَدًا يَحْرُمُ عَلَيْهِ أَزْوَاجُهُ وَإِنْ يُقْرَبَ كُتِبَ عَلَيْهِ تِسْعَةَ عَشْرَ مِثْقَالًا مِنْ ذَهَبٍ فِي كُلِّ شَهْرٍ وَإِنْ يَنْعَقِدُ مِنْ مَاءٍ وَجَبَ عَلَيَّ الشُّهْدَاءُ نَفِيَهُ وَلَمْ يُقْبَلْ عَنْهُ مِنْ إِيْمَانٍ أَنْ يَا عِبَادِي فَاتَّقُونِ وَمَنْ يَحْزَنُ نَفْسًا مُتَعَمِّدًا بِشَيْءٍ كُتِبَ عَلَيْهِ تِسْعَةَ عَشْرَ مِثْقَالًا مِنْ ذَهَبٍ دِيْنَةً إِنْ يَقْدَرُ وَالْإِلَّهِ مِنْ فَضِّهِ إِلَّا إِذَا أُذِنَ وَمَنْ نَسِيَ يَسْتَغْفِرِ اللَّهُ رَبَّهُ تِسْعَةَ عَشْرَ مَرَّةً قُلْ أَنْ يَا عِبَادِي فَاتَّقُونِ.

ثُمَّ التَّاسِعُ مِنْ بَعْدِ الْعَشْرِ، رُفِعَ عَنْكُمْ الصَّلَاةُ كُلُّهُنَّ إِلَّا مِنْ زَوَالٍ إِلَيَّ زَوَالٍ تِسْعَةَ عَشْرَ رُكْعَةً وَاحِدًا وَاحِدًا بِقِيَامٍ وَفُنُوتٍ وَقُعودٍ لَعَلَّكُمْ يَوْمَ الْقِيَمَةِ بَيْنَ يَدَيَّ اللَّهُ تَقُومُونَ ثُمَّ تَسْجُدُونَ ثُمَّ تَقُومُونَ وَتَقُودُونَ وَكَانَتْ فِي افْتِدَاتِكُمْ مِنْ حُرُوفِ الْوَاحِدِ آيَةٌ لِلَّهِ رَبِّكُمْ لَعَلَّكُمْ بِذَلِكَ تُنْجُونَ ثُمَّ إِيَّايَ فَاتَّقُونِ وَاللَّهِ تَسْجُدُونَ.

الْوَاحِدُ الثَّامِنُ

بِسْمِ اللَّهِ الْأَمْنِ الْأَقْدَسِ

إِنِّي أَنَا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا الْأَظْهَرُ الْأَظْهَرُ أَنْ انْظُرْ فِي الْكِتَابِ مَا كُنَّا عَلَيْهِ لَشَاهِدِينَ إِنَّ كُلَّ عَمَلٍ مَا نُظْهِرْتَهُ لِأَعْظَمٍ عِنْدَ اللَّهِ مِنْ كُلِّ مَا أَنْتُمْ لَتَسْبِّحُونَ قُلْ إِنَّهُ كَمِثْلِ شَمْسٍ لَنْ يَقْتَرِنَ بِالْكَوَاكِبِ أَنْ يَا عِبَادِي أَيَّاهُ تَتَّقُونَ ذَلِكَ وَاحِدٌ الْأَوَّلُ .

ثُمَّ الثَّانِي ، قُلْ إِنَّكُمْ أَنْتُمْ إِذَا اسْتَطَعْتُمْ تِسْعَةَ عَشْرَ وَرَقًا مِنَ الْقِرْطَاسِ الْأَعْلَى ثُمَّ عَدَدَ الْوَاحِدِ مِنَ الْعَقِيقِ فِي الْخَاتَمِ لِأَنْفُسِكُمْ إِذَا اسْتَطَعْتُمْ لَتَعْدُونَ ، قُلْ لَا يُورَثُ عَنِ الْمَيِّتِ إِلَّا أَبِيهِ وَأُمُّهُ وَذُرِّيَّاتِهِ وَزَوْجَتِهِ وَأَخِيهِ وَأَخْتِهِ وَمَنْ عَلَّمَهُ بَعْدَ مَا يُصْرَفُ لِنَفْسِهِ مِنْ مَالِهِ مَا يَعِزُّ بِهِ مِنْ بَعْدِ مَوْتِهِ وَأَنْتُمْ إِذَا سَمِعْتُمْ مَوْتَ نَفْسٍ لِلَّهِ تَحْضُرُونَ ثُمَّ عَنْ مَجَالِسِكُمْ لَا تَقُومُونَ .

ثُمَّ الثَّلَاثُ ، أَنْتُمْ يَوْمَ الْقِيَمَةِ إِذَا سَمِعْتُمْ حُكْمَ كُلِّ شَيْءٍ هَالِكٌ إِلَّا وَجْهَ ذِكْرِ اسْمِ رَبِّكَ ذِي السَّلْطَنَةِ وَالْإِقْتِدَارِ تَحْضُرُونَ بَيْنَ يَدَيْ اللَّهِ ثُمَّ بَيْنَ أَيْدِي الْحَيِّ ثُمَّ تَسْتَغْفِرُونَ اللَّهَ رَبَّكُمْ الرَّحْمَنَ ثُمَّ إِلَيَّ اللَّهُ تَتُوبُونَ وَإِنْ لَمْ تَسْتَطِيعَنَّ فَلتَسْأَلَنَّ مِنْ فَضْلِ اللَّهِ فِي كِتَابِكُمْ وَإِنْ تَرَوْنَ كَلِمَةً عَفْوٍ مِنَ اللَّهِ خَيْرٌ مِنْ كُلِّ فَضْلٍ إِنْ أَنْتُمْ تَعْلَمُونَ . .

ثُمَّ الرَّابِعُ ، كُلُّ خَيْرٍ أَنْتُمْ لَتَحْضُرُونَ أَعْلَاهُ لِمَنْ نُظْهِرُهُ ثُمَّ أَدْنَاهُ لِمَنْ يُؤْمِنُ بِهِ ثُمَّ أَوْسَطُهُ لِمَنْ يَدُلُّ عَلَيَّ النُّقْطَةَ أَنْتُمْ إِلَيَّ حُرُوفِ الْحَقِّ تَنْظُرُونَ .

ثُمَّ الْخَامِسُ ، أَنْتُمْ إِذَا اسْتَطَعْتُمْ ثَلَاثَ الْمَاسِ وَأَرْبَعَ لَعَلٍ وَسِتَّ زُمُرٍ وَسِتَّ يَاقُوتٍ يَوْمَ الظُّهُورِ إِلَيَّ حُرُوفِ الْوَاحِدِ بِالْأَمْرِ تُوَصِّلُونَ وَلِتَجْعَلَنَّ بِهَاءٍ كُلِّ كِبْهَاءٍ وَاحِدِ الْأَوَّلِ لَعَلَّكُمْ بِاللَّهِ تُوقِنُونَ .

ثُمَّ السَّادِسُ ، أَنْتُمْ فَلتَلْطَفَنَّ أَبْدَانَكُمْ فِي كُلِّ أَرْبَعَةٍ يَوْمٍ عَنْ كُلِّ مَا أَنْتُمْ تَسْتَطِيعُونَ لَتَلْطَفُونَ وَ لَتَنْظُرَنَّ فِي الْمِرَاتِ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ .

ثُمَّ السَّابِعُ، أَنْتُمْ فَلْتُصَلِّينَ فِي الْعَبَاءِ وَهَنَّ فِي لِبَاسِهِنَّ وَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِنَّ فِي ظُهُورِ شَعْرَاتِهِنَّ وَأَبْدَانِهِنَّ عِنْدَ أَزْوَاجِهِنَّ حِينَ مَا يُصَلِّينَ وَأَنْتُمْ تَأْخُذْنَ شَعْرُوجُوهِكُمْ لِيَقْوِي وَتَجَمَّلْنَ بِمَا تُحِبُّنَ فِي أَبْدَانِكُمْ لَعَلَّكُمْ فِي أَيَّامِ اللَّهِ تَشْكُرُونَ قُلْ إِنَّمَا الْقِبْلَةُ مِنْ نُظَاهِرِهِ مَتَى يَنْقَلِبُ تَنْقَلِبُ إِلَيَّ أَنْ يَسْتَقَرَّتُمْ مِنْ قَبْلُ مِثْلَ مَنْ بَعْدَ تَعَلُّمُونَ قُلْ أَيْنَمَا تَوَلَّوْا فَثَمَّ وَجْهَ اللَّهِ أَنْتُمْ إِلَيَّ اللَّهُ تَنْظُرُونَ.

ثُمَّ الثَّامِنُ، مَنْ يُدْرِكُ يَوْمَ الْقِيَمَةِ فَلْيَكْتُبْ مَا يَكْسِبُ مِنْ خَيْرٍ وَدُونِهِ لَعَلَّكُمْ إِلَيَّ قِيَمَةَ الْآخِرِيِّ تَعَلَّمُونَ.
ثُمَّ التَّاسِعُ، مَنْ رَبِّي فِي طَائِفَةٍ حَلَّ لَهُ النَّظَرُ وَالْكَلامُ بَعْضُهُنَّ إِلَى بَعْضٍ وَبَعْضُهُمْ إِلَيَّ بَعْضُهُنَّ أَنْ يَا عِبَادِي فَاتَّقُونَ ثُمَّ لَتَتَّقُونَ وَإِنَّ دُونَ ذَلِكَ عَلَيَّ مَا يُشْمِرُ بَيْنَهُمَا قُلْ فَوْقَ ثَمَانِيَةِ وَعِشْرِينَ كَلِمَةً تَتَّقُونَ إِلَّا وَأَنْتُمْ لَا تَسْتَعْنُونَ.

ثُمَّ الْعَاشِرُ، أَنْتُمْ بِالْخِلَالِ وَالسَّوَاكِ بَعْدَ مَا تَقْرَعُونَ مِنْ رِزْقِكُمْ أَفْوَاحِكُمْ تُلَطَّفُونَ ثُمَّ لَتَرْقُدُونَ ثُمَّ وَجُوهِكُمْ وَأَيْدِيكُمْ مِنْ حَدِّ الْكَفِّ تَغْسِلُونَ إِنْ تُرِيدُونَ أَنْ تُصَلُّوا ثُمَّ بِمَنْدِيلٍ تُلَطِّفْنَ وَجُوهَكُمْ وَأَيْدِيكُمْ وَإِنَّ فِي بَيْتِ الطُّهْرِ تَحْفَظْنَ مَا يَشْمُ كُلُّ رِيحٍ بِمَنْدِيلٍ لَعَلَّكُمْ دُونَ مَا تُحِبُّونَ لَا تَشْهَدُونَ وَتَتَوَضَّئْنَ عَلَى هَيْكَلِ الْوَاحِدِ بِمَاءٍ طَيِّبٍ مِثْلَ وَرْدٍ لَعَلَّكُمْ بَيْنَ يَدَيَّ يَوْمَ الْقِيَمَةِ بِمَاءِ الْوَرْدِ وَالْعِطْرِ تَدْخُلُونَ وَأَنَّ رِيحَكُمْ لَنْ يُغَيِّرَ عَمَلَكُمْ وَأَنْتُمْ إِنْ تَقَرَّرْنَ السِّمْلَةَ خَمْسَةَ مَرَّةٍ لِيَكْفِيَكُمْ عَنْ وُضُوءِكُمْ إِذَا أَنْتُمْ الْمَاءَ لَا تَجِدُونَ أَوْ يَصْعَبُ بِأَمْرِ عَلَيْكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ قُلْ فِي كُلِّ ظُهُورٍ يُبَدَّلُ كَيْنُونِيَاتِ النَّارِ بِالنُّورِ وَكَيْفَ وَأَعْمَالِكُمْ مِنْ عِنْدِكُمْ أَنْتُمْ إِلَيَّ نُقْطَةَ الْأَمْرِ تَنْظُرُونَ وَقَدْ عَفِيَ عَنْكُمْ مَا تَشْهَدُونَ فِي الرُّؤْيَا أَوْ أَنْتُمْ بِأَنْفُسِكُمْ عَنْ أَنْفُسِكُمْ تَسْتَمِينُونَ وَلَكِنَّكُمْ تَعْرِفْنَ قَدْرَ ذَلِكَ الْمَاءِ فَإِنَّهُ يَكُنْ سَبَبُ خَلْقِ نَفْسٍ يَعْبُدُ اللَّهَ أَنْتُمْ فِي مَكْمَنِ عَزِ لَتَحْفَظُونَ لَعَلَّكُمْ مِنْ ثَمَرَاتِ أَنْفُسِكُمْ دِينَ اللَّهِ تَنْصُرُونَ وَأَنْتُمْ إِذَا وَجَدْتُمْ ذَلِكَ الْمَاءَ بِاخْتِيَارِكُمْ تَوَضَّئُونَ ثُمَّ لَتَسْجُدُونَ وَتَقُولُنَّ تِسْعَةَ عَشْرَ مَرَّةً سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الْمُسَبِّحِينَ وَإِنْ تَغَيَّبَ فِي الْمَاءِ يُقْضَى عَنْكُمْ ذَلِكَ بَعْدَ أَنْ تَوَضَّئْتُمْ وَمِثْلُ ذَلِكَ إِنْ تَغْسِلْنَ رَأْسَكُمْ وَبَطْنَكُمْ وَأَيْدِيكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ وَأَنْتُمْ فِي حِينَ الْعَمَلِ تَحْمَدُونَ وَإِنَّمَا النِّسَاءُ حِينَ مَا يَجِدْنَ الدَّمَ لَيْسَ

عَلَيْهِنَّ صَلَوةٌ وَلَا صَوْمٌ إِلَّا وَأَنْ يَتَوَضَّأْنَ ثُمَّ يُسَبِّحْنَ خَمْسَ وَتِسْعِينَ مَرَّةً مِنْ زَوَالِ الي زَوَالٍ يَقُولْنَ
 سُبْحَانَ اللَّهِ ذِي الطَّلَعَةِ وَالْجَمَالِ وَأَنْتُمْ وَهُنَّ فِي الْأَسْفَارِ بَعْدَ مَا تَنْزِلْنَ وَتَسْتَرِحْنَ مَكَانَ كُلِّ صَلَوةٍ
 تَسْجُدَنَّ مَرَّةً وَاحِدَةً ثُمَّ فِيهَا لَتُسَبِّحُونَ ثُمَّ تَقْعُدَنَّ عَلَي هَيْكَلِ التَّوْحِيدِ وَثَمَانِيَةَ عَشْرَ مَرَّةً تُسَبِّحُونَ اللَّهَ ثُمَّ
 تَقُومُونَ كُلُّ ذَلِكَ لَعَلَّكُمْ فِي دِينِ اللَّهِ تَشْكُرُونَ.

ثُمَّ الْحَادِي مِنْ بَعْدِ الْعَشْرِ، أَنْتُمْ تُغْسَلَنَّ أَمْوَاتِكُمْ إِذَا اسْتَطَعْتُمْ خَمْسَ مَرَّةٍ بِمَاءٍ طَهْرٍ ثُمَّ فِي خَمْسِ
 حَرِيرٍ أَوْ قُطْنٍ تُكْفَنُونَ بَعْدَ مَا تَجْعَلَنَّ الْخَاتَمَ فِي يَدِهِ مَوْهَبَةً مِنَ اللَّهِ لِلْأَحْيَاءِ وَهُمْ، لَعَلَّكُمْ بِمَنْ نُظْهِرُهُ
 يَوْمَ الْقِيَمَةِ تُؤْمِنُونَ وَإِنَّ فِي مُنْتَهَى الْحَرِّ بِمَاءٍ تُحِبُّونَ لِأَنْفُسِكُمْ أَمْوَاتِكُمْ بِهِ تَغْسِلُونَ بِأَيْدِي أَنْفِيَاتِكُمْ فِي
 الْبَرْدِ بِمَاءِ الْحَرِّ وَبِمَا بَيْنَهُمَا بِمَا تُحِبُّونَ لِأَنْفُسِكُمْ أَنْتُمْ مَاءً وَرَدٍ أَوْ شِبْهَهُ كُلِّ بَدَنِ الْمَيِّتِ إِنْ تَسْتَطِيعَنَّ
 لَتُوصِلُونَ ثُمَّ بِمُنْتَهَى السُّكُونِ وَالْحَبِّ تَقْلِبُونَهُ ثُمَّ فِي كُلِّ تِسْعَةِ عَشْرٍ يَوْمًا أَنْتُمْ أَمْوَاتِكُمْ لِتُرَوَّرُونَ أَوْ
 أَقْرَبَ مِنْ ذَلِكَ فِي كُلِّ يَوْمٍ إِذَا خَفَّ عَلَيْكُمْ وَأَنْتُمْ إِذَا اسْتَطَعْتُمْ تِسْعَةَ عَشْرَ يَوْمًا وَلَيْلَةً عَنْ قُرْبِهِ أَحَدًا
 لَا تَبْعُدُونَ لِيَتْلُوا آيَاتِ اللَّهِ وَأَنْتُمْ الْمِصْبَاحَ عِنْدَهُ تُوقِدُونَ.

ثُمَّ الثَّانِي مِنْ بَعْدِ الْعَشْرِ، قَدْ شَهِدْتُ حِينَ الضَّرْبِ كُلِّ الْحَزَنِ فَلَا تَحْزَنْ فَإِنَّ هُنَالِكَ كُلُّ شَيْءٍ يُسَبِّحُنِي
 بِكَ وَمَنْ اكْتَسَبُوا لَوْ عَلِمُوا لَكَ وَعَلَيْكَ مَا اكْتَسَبُوا وَسِيرَجُونَ ثُمَّ يَسْتَغْفِرُونَ قُلْ مَنْ يَكُنْ عَلَي تِلْكَ
 الْأَرْضِ إِلَي مَا فِي حَوْلِهَا سِتَّةٌ وَسِتِّينَ فَرَسَخًا إِنْ قَضِيَ مِنْ عُمُرِهِ تِسْعَةَ وَعِشْرِينَ عَلَيْهِمْ أَنْ يَحْضُرُوا
 مَحَلَّ الضَّرْبِ فِي كُلِّ سَنَةٍ مَرَّةً ثُمَّ تِسْعَةَ عَشْرَ يَوْمًا هُنَالِكَ لِيُخْلَصُونَ وَعَلَي مَحَلِّ الضَّرْبِ رَكْعَةُ صَلَوةٍ
 لِيُصَلُّوا وَمَنْ لَمْ يَسْتَطِعْ فِي بَيْتِهِ تِسْعَةَ عَشْرَ يَوْمًا يُخْلَصَ لِلَّهِ رَبِّهِ وَمَنْ لَمْ يَكُنْ فِي ذَلِكَ الْحَدِّ يُعْفَى
 عَنْهُ بِفَضْلِي وَإِنْ أَحْكَمَ عَلَي مَنْ عَلَي الْأَرْضِ مَنْ يَقْدِرُ أَنْ يَرُدَّ أَنْ يَا عِبَادِي تَتَّقُونَ.

ثُمَّ الثَّلَاثُ مِنْ بَعْدِ الْعَشْرِ، أَنْتُمْ عَلَي النُّقْطَةِ فِي أَوَّلِهَا وَأَخْرَبَهَا خَمْسَ وَتِسْعِينَ مَرَّةً فِي صَلَاتِهَا
 لَتَعْظُمُونَ وَلَتُصَلِّينَ كُلُّكُمْ مَرَّةً وَاحِدَةً وَلَكِنَّكُمْ فُرَادِي تَقْصِدُونَ.

ثُمَّ الرَّابِعُ مِنْ بَعْدِ الْعَشْرِ، أَنْتُمْ أَنْ تَعْلَمَنَّ الْبَيَانَ فَمِنْ آيَاتِهِ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ مَا تُحِبُّونَ لِتَقْرَأُوا وَإِلَّا فَلْتَذْكُرَنَّ اللَّهُ سَبْعِمِائَةً مَرَّةً إِنْ أَنْتُمْ فِي رَوْحٍ وَإِلَّا مَا أَنْتُمْ تَتَرَوُّوهُنَّ.

ثُمَّ الْخَامِسُ مِنْ بَعْدِ الْعَشْرِ، فُرِضَ عَلَيَّ كُلِّ نَفْسٍ أَنْ يَسْتَبْقِيَ مِنْ نَفْسِهِ مِنْ نَفْسٍ فَلْتَقْتَرِنَنَّ بَيْنَهُمَا بَعْدَ مَا قَضَيْتَ إِحْدَى عَشْرَ سَنَةٍ وَمَنْ يَقْدِرْ وَلَا يَقْتَرِنْ يَحْبُطْ عَمَلُهُ وَإِنْ يَمْنَعُ أَحَدُهُمَا الْآخَرَ عَنِ الشَّمْرِ يَخْتَارَنَّ إِلَيَّ أَنْ يُظَهَرَ وَلَا يَحِلُّ الْإِفْتِرَانُ إِنْ لَمْ يَكُنْ فِي الْبَيَانِ وَإِنْ يَدْخُلُ مِنْ أَحَدٍ يَحْرَمُ عَلَيَّ الْآخَرَ مَا يَمْلِكُ مِنْ عِنْدِهِ إِلَّا وَأَنْ يَرْجِعَ ذَلِكَ بَعْدَ أَنْ يُرْفَعَ أَمْرٌ مِنْ نُظَاهِرِهِ بِالْحَقِّ أَوْ مَا قَدْ ظَهَرَ بِالْعَدْلِ وَقَبْلَ ذَلِكَ فَلْتَقْرَبَنَّ لِعَلَّكُمْ بِذَلِكَ أَمْرَ اللَّهِ تَرْفَعُونَ

ثُمَّ السَّادِسُ مِنْ بَعْدِ الْعَشْرِ، إِنْ هَذَا مِنْ عَدْلِ اللَّهِ مِنْ كُلِّ بَهَاءٍ مِائَةً مِثْقَالٍ مِنْ ذَهَبٍ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ بِهَاءٍ عِشْرِينَ مِثْقَالًا لِلَّهِ إِذَا فُضِيَ عَلَيْهِ حَوْلٌ وَلَمْ يَنْقُصْ عَنْ أَصْلِهِ تُبَلِّغْنَهُ إِلَيَّ مِنْ نُظَاهِرِهِ لِيُؤْتِينَ كُلَّ وَاحِدٍ مِنْ حُرُوفِ الْأَوَّلِ مِثْقَالًا إِلَّا الْوَاحِدِ الْأَوَّلِ فَإِنَّ لَهُ مِثْقَالَيْنِ وَإِنْ قَبْلَ مَا يُظَهَرُ فِي مَنْ ظَهَرَ فِي حَيَاتِهِمْ وَإِنْ بَعْدَ عُرُوجِهِمْ يَرْجِعُ إِلَيَّ دُرِّيَاتِهِمْ إِنْ تَكُنْ لَهُمْ وَإِلَّا مَا يَقْدَرُ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ كُلُّ يَعْمَلُونَ ذَلِكَ إِنْ يَمْلِكُ مِنْ نَفْسِهِ وَزَادَ عَلَيَّ رِزْقَهُ وَإِنْ يَحْسِبُ بَعْدَ الْمَوْتِ كُلَّ مَا مَلَكَ ثُمَّ يَأْمُرُ بِهِ بِمَا يَعْدِلُ كُلُّ حَوْلٍ يَقْبَلُ عَنْهُ إِلَّا حِينَ الظُّهُورِ فَإِنَّكُمْ أَنْتُمْ لَا تَمْهَلُونَ.

ثُمَّ السَّابِعُ مِنْ بَعْدِ الْعَشْرِ، إِذَا بَلَغَ بَهَاءٌ مِثْقَالِ الذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ عِنْدَ كُلِّ نَفْسٍ عَدَدَ الْحُرُوفِ ثُمَّ الْهَائِينَ نُزِّلَ فِيهِ سُدُسُ اللَّهِ وَقَدْ عَفِيَ عَمَّنْ يَمْلِكُ إِلَّا عَدَدَ اللَّهِ لِيُؤْتِينَ الْفُقَرَاءَ مِنْ رَبِّهِمْ وَمَنْ يَضْطَرُّ فِي أَمْرِهِ وَمَنْ يَسْتَقْرِضُ أَوْ يُضْمَنُ أَوْ يُمْنَعُ عَنْ كَسْبِهِ أَوْ يَحْتَاجُ فِي السَّبِيلِ وَهُمْ أَنْفُسُهُمْ بِأَنْفُسِهِمْ يُحْسِنُونَ قُلْ إِنَّمَا الْأَقْرَبُ دُرِّيَاتُهُمْ وَمَا وَجَبَ عَلَيْهِمْ أَمْرُهُمْ ثُمَّ أَوْلِي قَرَابَتِهِمْ أَنْ يَأُولِي الْغِنَاءِ أَنْتُمْ وَكَلَاءُ مَنْ عِنْدَ اللَّهِ فَلْتَنْظُرَنَّ فِي مَلِكِ اللَّهِ ثُمَّ الْمَسَاكِينِ مِنْ رَبِّهِمْ لِتُغْنُونَ وَلَا يَحِلُّ السُّؤَالُ فِي الْأَسْوَاقِ وَمَنْ سَأَلَ حَرَمَ عَلَيْهِ الْعَطَاءَ وَإِنَّ عَلَيَّ كُلِّ أَنْ يَكْسِبَ بِأَمْرٍ وَمَنْ لَا يَقْدِرُ أَنْتُمْ يَا مَظَاهِرَ الْغِنَاءِ مِنِّي إِلَيْهِمْ لِتُبَلِّغُونَ وَقَدْ فُرِضَ عَلَيْكُمْ الْعِلْمُ بِمَا فِي دِينِكُمْ لِئَلَّا تَضْطَرَّ نَفْسُ بِشَيْءٍ أَنْ يَأْ عِبَادِي فَاتَّقُوا وَإِنْ مِنْ ذَلِكَ عَدَدُ اللَّهِ

مِنْ كِلْتَيْهِمَا لِلَّهِ إِذَا يَكْمُلُ فِي كُلِّ حَوْلٍ وَفَوْقَ ذَلِكَ إِذَا يَعْدِلُ ذَلِكَ تَأْخُذُهُ النُّقْطَةُ فِي أُولِيهَا وَآخِرِيهَا
وَ أَنْتُمْ مَا بَيْنَهُمَا إِلَى تِسْعَةِ عَشْرٍ مِنْ أُولِي طَاعَتِهِمَا إِذَا أَمَرَ لِيَبْلُغُونَ كُلَّ وَاحِدٍ عَدَدَ الْهَاءِ بِمَا يُقَدَّرُ مِنْ
عِنْدِهِ لِأُولِي قَرَابَتِهِ وَعَلَيْهِمْ مِنْ أَنْفُسِهِمْ لِأَنْفُسِهِمْ إِنْ هُمْ كَانُوا مُؤَقِّنِينَ .

ثُمَّ الثَّامِنُ مِنْ بَعْدِ الْعَشْرِ، أَنْتُمْ فِي كُلِّ حَوْلٍ شَهْرَ الْعِلَاءِ لِلَّهِ تَصُومُونَ وَقَبْلَ أَنْ يَكْمَلَ الْمَرْءُ وَالْمَرْأَةُ
أَحَدَ عَشْرَ سَنَةٍ مِنْ حِينٍ مَا تَنْعَقِدُ نُطْفَتُهُ إِنْ يُرِيدُونَ أَنْ حِينَ الزَّوَالِ لِيَصُومُونَ وَبَعْدَ مَا يَبْلُغُ إِلَيَّ إِثْنِي وَ
أَرْبَعِينَ سَنَةً يُعْفِي عَنْهُ وَمَا بَيْنَهُمَا مِنَ الطُّلُوعِ إِلَى الْغُرُوبِ لَتَصُومُونَ لَعَلَّكُمْ يَوْمَ الظُّهُورِ فِي أَبْوَابِ النَّارِ
لَا تَدْخُلُونَ وَ أَنْتُمْ إِنْ تَسْتَطِيعَنَّ مِنْ قَبْلِ الطُّلُوعِ وَبَعْدَ الْغُرُوبِ لَتُضَيِّقُونَ وَ أَنْ فِيهِ تُؤْمِنُونَ بِمَنْ نُظِهَرُهُ وَ
أَنْتُمْ عَلَيْهِ لَتَحْكُمُونَ وَ لَا تَأْكُلُونَ وَ لَا تَشْرَبُونَ وَ لَا تَقْتَرِبُونَ ثُمَّ بَايَاتِ اللَّهِ تَتَلَدَّدُونَ وَ لَا تُغَيِّرَنَّ أَفْوَاهَكُمْ
حِينَ مَا تَقْرَأُونَ .

ثُمَّ التَّاسِعُ مِنْ بَعْدِ الْعَشْرِ، أَنْتُمْ إِذَا تَسَمَعَنَّ ذِكْرَ النُّقْطَةِ لَتُصَلُّوا عَلَيْهِ ثُمَّ عَلَيَّ حُرُوفِ الْحَيِّ لَعَلَّكُمْ يَوْمَ
الظُّهُورِ بِهِمْ تَهْتَدُونَ وَإِذَا يُعَدُّ الذِّكْرُ يَكْفِيكُمْ مَرَّةً وَاحِدَةً وَ أَنْتُمْ لَيْلَةَ الْجُمُعَةِ ثُمَّ يَوْمَهَا تَقُولُونَ سُبْحَانَكَ
اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ ذَاتِ حُرُوفِ السَّبْعِ ثُمَّ حُرُوفِ الْحَقِّ بِالْعِزَّةِ وَالْجَلَالِ ذَلِكَ لَعَلَّكُمْ يَوْمَ الْقِيَمَةِ بِمَا
تَقُولُونَ لَتُوقِنُونَ لَا مِثْلُ يَوْمَئِذٍ تُصَلُّونَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ ثُمَّ حُرُوفِ الْحَيِّ وَ أَنْتُمْ عَنْ ظُهُورِهِمْ فِي آخِرِيهِمْ
مُحْتَجِبُونَ لَوْ لَا تُصَلُّونَ عَلَيْهِمْ وَ لَا تَحْزَنُوهُمْ لِيَرْضَوْا عَنْكُمْ وَلَكِنَّكُمْ لَا تَسْتَحْيُونَ وَ تَكْسِبُونَ مَا تَكْسِبُونَ
وَ مَنْ يُصَلِّ عَلَيَّ مِنْ نُظِهَرُهُ يُصَلِّي اللَّهُ عَلَيْهِ أَلْفَ مَرَّةٍ وَ مِثْلُ ذَلِكَ إِنْ أَنْتُمْ عَلَيَّ حُرُوفِ الْحَيِّ لَتُصَلُّوا .

الوَاحِدُ التَّاسِعُ

بِسْمِ اللَّهِ الْأَمْنَعِ الْأَقْدَسِ

إِنِّي أَنَا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا الْأَسْلُطُ الْأَسْلُطُ وَإِنِّي مُلْكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا وَمَا كَانَ لِي يَرْجِعُ إِلَيْكَ فِي أُخْرِيكَ وَأُولِيكَ قُلْ عَزُّكُلَّ أَرْضٍ لِمَنْ نُظْهِرُهُ أَنْتُمْ يَوْمَ ظُهُورِهِ إِلَيْهِ لَتَرُدُّونَ وَلَوْ كَانَ بَيْتٌ أَنْفُسِكُمْ فَإِنَّكُمْ إِنْ صَبَرْتُمْ يَجْعَلْ لَكُمْ نَاراً أَنْ يَا عِبَادِي فَاتَّقُونِ وَإِنَّ بَيْوتَ الْمُلُوكِ لَهُ وَإِنْ يُصَلِّي أَحَدٌ فِيهَا فَعَلَيْهِ أَنْ يُصَدِّقَ إِلَيَّ الْمَسَاكِينِ مِثْقَالَ فِضَّةٍ إِلَّا وَأَنْتُمْ مِنْ شُهَدَاءِ الْبَيَانِ فِي غُرُوبِ الشَّمْسِ تَأْذُنُونَ يَسْكُنُ فِيهَا مَنْ يُؤَدِّنُ حِينْتِدُ أَوْ يَوْمْتِدُ قُلْ أَنْتُمْ فِي مَجَالِسِ الْعِزِّ مَكَانَ تِسْعَةِ عَشَرَ نَفْسٍ تَحُلُونَ لَعَلَّكُمْ يَوْمَ الظُّهُورِ عَلَيْهِمْ لَا تُقَدِّمُونَ ذَلِكَ إِذَا وَسَّعَ وَإِلَّا وَاحِدًا يَكْفِيكُمْ لَعَلَّكُمْ بِذَلِكَ يَوْمَ الظُّهُورِ لَتَنْجُونَ، لَا مِثْلَ يَوْمْتِدُ تَقُومُونَ عِنْدَ ذِكْرِي وَأَنْتُمْ عَلَيَّ تَحْكُمُونَ وَلَا تَسْتَحْيُونَ ذَلِكَ وَاحِدًا الْاَوَّلِ .

ثُمَّ أَنْتُمْ فِي الثَّانِي، أَنْ يَا أُولِي الطَّبِّ اتَّقُوا اللَّهَ ثُمَّ أَنْتُمْ بِالْأَلَاءِ وَالنِّعْمَاءِ الَّتِي خُلِقْتُ لِلَّهِ تُدَاوُونَ وَأَنْتُمْ الْمَرْضِيِّ أَنْ يَا عِبَادِي لَتُرَوَّرُونَ وَإِنْ يَكُنْ عِنْدَ أَحَدٍ خَطٌّ لَمْ يَكُنْ لَهُ عِدْلٌ فَلْيَكْتُبْ أَلْفَ بَيْتٍ وَلْيُوصِئَنَّ بِهِ فَإِنَّا كُنَّا إِلَيْهِ لِنَظْرِينَ .

ثُمَّ الثَّلَاثُ، لِلَّهِ مِنْ كُلِّ مَلِكٍ بَيْتٌ مَرَاتٍ لِنَفْسِهِ يَكْتُبُ بَيْنَ يَدَيْهِ مَا يَدُلُّ عَلَيَّ لَوْ تَظْهَرُ آيَةُ رَبِّهِ وَلَمْ يَنْصُرْتَهُ لَيَنْتَقِمُ اللَّهُ عَنْهُ بِكُلِّ مَا يُمَكِّنُ مِنْ عِنْدِهِ وَإِنْ يَنْصُرْتَهُ لِيُوصِلَنَّ اللَّهُ إِلَيْهِ كُلَّ خَيْرٍ قُلْ إِنَّكَ خُلِقْتَ لِدَلِكِ وَلَا بُدَّ أَنْ تَمَّتْ فَابِقِي ذِكْرِكَ إِلَيَّ يَوْمَ الْقِيَمَةِ بَيْنَ الْعَالَمِينَ .

ثُمَّ الرَّابِعُ، أَنْتُمْ فِي حِينِ رَوْحِكُمْ فِي سِرِّكُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ تَتَلَدَّدُونَ وَلَكِنَّكُمْ إِنْ تَتَلَدَّدُونَ بِمَا يَنْطِقُ مَنْ نُظْهِرُهُ لَا عَظَمَ عِنْدَ اللَّهِ إِذْ مَا أَنْتُمْ بِهِ تَتَلَدَّدُونَ قَدْ عَلَتْ فِي أَفئِدَتِكُمْ بِآيَاتِهِ مِنْ قَبْلِ ظُهُورِهِ بِلِسَانِي قُلْ أَنْ يَا كُلَّ شَيْءٍ فِيهِ تَتَّقُونَ .

ثُمَّ الْخَامِسُ، كُتِبَ عَلَيَّ كُلِّ نَفْسٍ أَنْ تَخْدُمَ النُّقْطَةَ تِسْعَةَ عَشْرَ يَوْمًا فِي ظُهُورِهَا وَيُرْفَعُ عَنْكُمْ إِذَا عَفِيَ قُلْ ذَلِكَ خَيْرُ الْأَعْمَالِ إِنْ أَنْتُمْ تَسْتَطِيعُونَ أَنْ تُدْرِكُونَهُ.

ثُمَّ السَّادِسُ، أَنْتُمْ قُدَّامَ طَائِفَةٍ تَظْهَرُ فِيهَا النُّقْطَةُ لِأَتَقَدِّمُونَ إِنْ هُمْ كَانُوا مُؤْمِنِينَ قُلْ أَوْلَيْكَ خَيْرٌ مِنْ عَلَيَّ الْأَرْضِ وَلَوْ عَلِمَ اللَّهُ خَيْرًا مِنْهُمْ فِي الْإِيمَانِ لِيُظْهِرَهُ مِنْهُمْ أَنْتُمْ إِلَيَّ أَيْهِ وَأُمَّهُ وَمَا كَانَ مَعَهُ وَمَنْ آمَنَ بِهِ مِنْ أَوْلِي قَرَابَتِهِ مِنَ اللَّهِ تُسَلِّمُونَ إِنْ أَنْتُمْ تُحْسِنُونَ بِكُلِّ نَفْسٍ لَعَلَّكُمْ تُدْرِكُونَ هَذَا قَبْلَ أَنْ يَظْهَرَ وَبَعْدَ ذَلِكَ أَنْتُمْ سَتُدْرِكُونَ وَتَعْلَمُونَ، عَلَيْكَ أَنْ يَا بَهَاءَ اللَّهِ ثُمَّ أَوْلِي قَرَابَتِكَ ذَكَرَ اللَّهُ وَثَنَاءَ كُلِّ شَيْءٍ فِي كُلِّ حِينٍ وَقَبْلَ حِينٍ وَبَعْدَ حِينٍ.

ثُمَّ السَّابِعُ، أَنْتُمْ عَمَّنْ لَمْ يَكُنْ لِي تَحْذَرُونَ وَلَا تَبِيعُونَ وَلَا تَشْتَرُونَ مَا لَا يُحِبُّهُ اللَّهُ فَانَّهُ حَرَّمَ عَلَيْكُمْ وَلَا تَسْتَعْمَلَنَّ ذَلِكَ أَنْتُمْ فِي ذَلِكَ الدِّينِ عَنْ كُلِّ كُرْهٍ تَسْتَطِيعُونَ لَتَبْعُدُونَ.

ثُمَّ الثَّامِنُ، أَنْتُمْ الدَّوَاءُ ثُمَّ الْمُسْكِرَاتِ وَفَوْقَهَا لَا تَمْلِكُونَ وَلَا تَبِيعُونَ وَلَا تَشْتَرُونَ وَلَا تَسْتَعْمَلُونَ إِلَّا بِمَا أَنْتُمْ تُحِبُّونَ أَنْ تَصْنَعُونَ.

ثُمَّ التَّاسِعُ، أَنْتُمْ بِالْجَمَاعَةِ لَا تُصَلُّونَ وَلَكِنَّكُمْ تَحْضُرُونَ الْمَسَاجِدَ وَأَنْتُمْ عَلَيَّ الْكُرْسِيِّ بِمَا يُحِبُّهُ اللَّهُ تَذَكَّرُونَ وَتَوْعَّظُونَ إِلَّا فِي صَلَاةِ الْمَيِّتِ فَإِنَّكُمْ حِينَ الْإِجْتِمَاعِ تُصَلُّونَ وَلَكِنْ فُرَادِي تَقْصِدُونَ وَتَجْعَلَنَّ مَحَلَّ عِزِّي فِي بَيْتِكُمْ مَسْجِدَكُمْ وَإِنْ تَحْضُرُونَ الْمَسَاجِدَ خَيْرٌ لَكُمْ لَعَلَّكُمْ يَوْمَ ظُهُورِ اللَّهِ فِي أَمْرِ اللَّهِ لَتَسْرِعُونَ.

ثُمَّ الْعَاشِرُ، أَنْتُمْ إِذَا اسْتَطَعْتُمْ كُلَّ آثَارِ النُّقْطَةِ تَمْلِكُونَ وَلَوْ كَانَ چَاپَا فَإِنَّ الرِّزْقَ يَنْزِلُ عَلَيَّ مَنْ يَمْلِكُهُ مِثْلَ الْعَيْثِ قُلْ أَنْ يَا عِبَادِي خَيْرَ التَّجَارَةِ هَذَا إِنْ أَنْتُمْ بِمَنْ نُظْهِرُهُ تُؤْمِنُونَ أَنْتُمْ أَنْفُسَكُمْ لِتَظْهَرُونَ مِنْ دُونَ الْحُرُوفِ الْعَلِيِّينَ لَعَلَّكُمْ فِي حَقَائِقِهَا لَا تَدْخُلُونَ وَتَدَقُّقَنَّ أَنْ لَا تَكُونَنَّ مِنْهُمْ وَمَنْ يَقْدِرُ أَنْ لَا يَذْكَرَ إِلَّا الْخَيْرَ خَيْرٌ لَهُ وَلَكِنَّكُمْ إِلَيَّ مَا نَزَلَ اللَّهُ تَنْظُرُونَ وَقَدْ نُزِّلَ فِيهِ مَا نُزِّلَ إِلَيَّ حِينَئِذٍ ثُمَّ الْأَلْفُ وَالْيَاءُ مِنْ نَفْسِي ثُمَّ إِذَا مَا شَاءَ مِنْ بَعْدِ فِيمَا يَعْدِلُ عَدَدَ كُلِّ شَيْءٍ لَوْ شَاءَ اللَّهُ لَتَشْهَدُونَ.

ثُمَّ الْحَادِي مِنْ بَعْدِ الْعَشْرِ، لَا تَبِيعُونَ عَنَّا صِرَ الرَّبَاعِ وَلَا تَشْتَرُونَ.

ثُمَّ الثَّانِي مِنْ بَعْدِ الْعَشْرِ، لَا يُبْطِلُ صَلَاتَكُمْ شُعُورَ الْحَيَوَانِ وَلَا مَا لَا يُنْفَخُ فِيهِ الرُّوحُ أَنْتُمْ فِي دِينِ اللَّهِ تَشْكُرُونَ.

ثُمَّ الثَّلَاثُ مِنْ بَعْدِ الْعَشْرِ، أَنْتُمْ أَبَدًا كِتَابًا لَا تَحْرِقُونَ.

ثُمَّ الرَّابِعُ مِنْ بَعْدِ الْعَشْرِ، أَنْتُمْ كُلُّ اسْبَابِكُمْ بَعْدَ أَنْ تَكْمُلَ تِسْعَةَ عَشْرَ سَنَةً إِنْ تَسْتَطِيعُونَ لِتُجَدِّدُونَ.

ثُمَّ الْخَامِسُ مِنْ بَعْدِ الْعَشْرِ، فَلْتَكْتَبَنَّ ذِكْرَ الْبَيَانِ عَلَيَّ كُلِّ صَنَائِعِكُمْ لَعَلَّكُمْ فِي ظُهُورِ حَقِيقَتِهِ إِنْ تَبْقُونَ فِي دِينِكُمْ بغيرِ حَقِّ بَيْنَ يَدَيْ شَجَرَةِ الْأُولَى لَا تَذْكُرُونَ.

ثُمَّ السَّادِسُ مِنْ بَعْدِ الْعَشْرِ، لَا تَضْرِبَنَّ أَحَدًا أَبَدًا.

ثُمَّ السَّابِعُ مِنْ بَعْدِ الْعَشْرِ، فَلْتُضَيَّفَنَّ فِي تِسْعَةَ عَشْرَ يَوْمًا تِسْعَةَ عَشْرَ نَفْسًا وَلَوْ أَنْتُمْ مَاءَ الْوَاحِدِ لَتُوْتُونَ وَ إِنْ لَا تَسْتَطِيعَنَّ إِلَيَّ عَدَدِ الْوَاحِدِ لَتَبَلَّغُونَ.

ثُمَّ الثَّامِنُ مِنْ بَعْدِ الْعَشْرِ، أَنْتُمْ لَا تَحْرِقُونَ لِبَاسِكُمْ وَلَا تَضْرِبُونَ عَلَيَّ أَبْدَانَكُمْ حِينَ مَا يَمُوتُ مِنْكُمْ مِنْ أَحَدٍ أَبَدًا أَبَدًا.

ثُمَّ التَّاسِعُ مِنْ بَعْدِ الْعَشْرِ، أَنْتُمْ حِينَ تُرْكُونَ حُوتَ الْبَحْرِ وَالنَّهْرَ لَتَقُولُونَ بِسْمِ اللَّهِ الْمُهَيَّمِنِ الْقَيُّومِ، ثُمَّ كَلَّمَا كَانَ عَلَيْهِ الْفَلْسُ تَأْكُلُونَ.

الواحدُ العاشرُ

بِسْمِ اللَّهِ الْأَمْنَعِ الْأَقْدَسِ

إِنِّي أَنَا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا الْأَكْمَلُ الْأَكْمَلُ قَدْ نَزَلْتُ فِي الْوَاحِدِ الْعَاشِرِ أَنْ اشْهَدُوا أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا الْمُهَيْمِنُ الْقَيُّومُ قُلِ الْاَوَّلُ فَلَا تَحْتَرِزُنَّ عَنِ الْكَلْبِ وَغَيْرِهِ إِنْ يَمَسَّكُمْ شَعْرُ رَطْبٍ مِنْهُ إِلَّا وَأَنْتُمْ تُحِبُّونَ أَنْ تُنْظَفُونَ.

قُلْ فِي الثَّانِي، إِنَّ اللَّهَ قَدْ أَذِنَ لِلَّذِينَ هُمْ آمَنُوا فِي الْبَيَانِ مِنَ الْحُرُوفِ وَالْحُرُوفَاتِ أَنْ يَنْظُرُونَ إِلَيْهِنَّ وَهُنَّ أَنْ يَنْظُرْنَ إِلَيْهِنَّ إِذَا شَاؤُوا أَوْ يَشَاءَنَّ مِنْ غَيْرِ أَنْ يَشْهَدُوا أَوْ يَشْهَدَنَّ مَا لَا يَحِبُّ اللَّهُ فِي نَظَرْتِهِمْ وَ نَظَرْتِهِنَّ وَاللَّهُ يُرِيدُ أَنْ يَخْلُقَ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُنَّ مَا أَنْتُمْ بِهِ فِي الرِّضْوَانِ تَتَحَابُّونَ.

وَأَنَّ فِي الثَّلَاثِ، مَا أَنْتُمْ مِنْ مُلْكِ اللَّهِ تُورَثُونَ فَلْتَنْقَسِمَنَّ بِمَا قَدْ قَسَمْنَا بَيْنَكُمْ لَعَلَّكُمْ أَنْتُمْ بِمَا قَدْ أَرَدْنَا فِي أَعْدَادِهَا يَوْمَ ظُهُورِ اللَّهِ أَنْفُسَكُمْ فِيهَا تُدْخَلُونَ لِتُؤْمِنَنَّ بِمَنْ يُظْهِرُهُ اللَّهُ ثُمَّ بآيَاتِهِ تُوقِنُونَ قُلْ إِنْ ذُرِّيَّتِكُمْ تُورَثُ مِنْ كِتَابِ الطَّاءِ أَنْتُمْ بَيْنَهُنَّ بِالْعَدْلِ لِتَقْسِمُونَ قُلْ مَا كَتَبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ عَدَدَ الْمَقْتِ لَعَلَّهُمْ يَشْكُرُونَ قُلْ مَا كَتَبَ اللَّهُ عَلَيَّ أَزْوَاجِكُمْ مِنْ كِتَابِ الْحَاءِ عَلَيَّ عَدَدِ التَّاءِ وَالْفَاءِ أَنْتُمْ بَيْنَهُنَّ بِالْعَدْلِ لِتَقْسِمُونَ قُلْ مَا كَتَبَ اللَّهُ فِي الْكِتَابِ مِنْ كِتَابِ الزَّاءِ لِأَبِيكُمْ عَدَدِ التَّاءِ وَالْكَافِ أَنْتُمْ بِمَا قَدْ كَتَبَ اللَّهُ لَكُمْ تَحْكُمُونَ قُلْ مَا يُورَثُ أُمَّهَاتِكُمْ مِنْ كِتَابِ الْوَاوِ عَدَدِ الرَّفِيعِ فِي الْكِتَابِ أَنْتُمْ بِمَا قَدْ قَدَّرَ اللَّهُ لِتَقْدِرُونَ وَأَنْ مَا قَدْ كَتَبَ اللَّهُ لِإِخْوَانِكُمْ عَدَدِ الشَّيْنِ مِنْ كِتَابِ الْهَاءِ أَنْتُمْ بِمَا قَدْ كَتَبَ اللَّهُ لِتَبْلُغُونَ وَإِنْ مَا قَدْ كَتَبَ اللَّهُ لِأَخَوَاتِكُمْ عَدَدِ الرَّاءِ وَالْمِيمِ مِنْ كِتَابِ الدَّالِ أَنْتُمْ بِمَا قَدْ كَتَبَ اللَّهُ لَهُنَّ لِتَعْدِلُونَ وَإِنْ مَا قَدْ كَتَبَ اللَّهُ لِلَّذِينَ يُعَلِّمُونَكُمْ عِلْمَ الْبَيَانِ مِنْ كِتَابِ الْجِيمِ عَدَدِ الْقَافِ وَالْفَاءِ بَيْنَهُمْ بِالْعَدْلِ لِتَقْدِرُونَ قُلْ قَدْ قَسَمَ اللَّهُ إِرْتِكُمْ عَلَيَّ دَرَجَاتٍ رُبَاعٍ بَعْدَ الثَّلَاثِ بِمَا قَدْ قَدَّرَ فِي الْحُرُوفِ تِلْكَ الدَّرَجَاتِ قَبْلَ رُبَاعِ ثَلَاثٍ ذَلِكَ مِنْ مَخْزُونِ الْعِلْمِ فِي كِتَابِ اللَّهِ لَنْ يُغَيَّرَ وَلَنْ يُبَدَّلَ أَنْتُمْ فِي هَيَاكِلِكُمْ تَنْظُرُونَ ثُمَّ يَوْمَ الْقِيَمَةِ بِمَا قَدْ تَجَلَّى اللَّهُ لِكُلِّ الْحُرُوفِ بِالْعَدَدِ الْهَاءِ بِمَنْ يُظْهِرُهُ اللَّهُ تُؤْمِنُونَ وَتُوقِنُونَ.

قُلْ إِنَّمَا الرَّابِعُ، جَوْهَرُ الدِّينِ فِي بَدَائِكُمْ وَ عَوْدِكُمْ إِنْ تُوْمِنُونَ بِاللَّهِ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ ثُمَّ بِمَنْ يُظْهِرُهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَمَةِ فِي عَوْدِكُمْ ثُمَّ بِمَا يُنَزِّلُ اللَّهُ عَلَيْهِ مِنْ كِتَابٍ ثُمَّ بِمَنْ أَظْهَرَهُ اللَّهُ بِاسْمِ عَلِيٍّ قَبْلَ مُحَمَّدٍ ثُمَّ بِمَا نَزَلَ اللَّهُ عَلَيْهِ مِنَ الْبَيَانِ حَيْثُ كُلُّ عَنْهُ عَاجِزُونَ إِنْ أَدْرَكْتُمْ عَوْدَكُمْ إِلَيَّ مَنْ يُظْهِرُهُ اللَّهُ فَإِذَا أَنْتُمْ بَدَائِكُمْ تُدْرِكُونَ.

قُلْ إِنَّمَا الْخَامِسُ، كُلُّ شَيْءٍ يُطَلَّقُ عَلَيْهِ اسْمُ شَيْءٍ قَدْ أُدْخِلَ فِي بَحْرِ الْحِلِّ وَالطُّهْرِ لِنَفْسِهِ بِنَفْسِهِ إِلَّا مَنْ لَا يُؤْمِنُ بِالْبَيَانِ وَمَا أَنْتُمْ فِي الْكِتَابِ عَنْهُ لَتَنْهَوْنَ فَإِنَّ ذَلِكَ مَا أَنْتُمْ كَلَّفْتُمْ بِهِ لَا يَنْغَيِّرُ مَا هُوَ عَلَيْهِ فِي نَفْسِهِ وَأَنْتُمْ عَمَّا قَدْ أَمَرَكُمُ اللَّهُ رَبُّكُمْ لَتُسْأَلُونَ فَلَتَجْتَبِنَنَّ عَنْ كُلِّ مَا أَنْتُمْ عَنْهُ تَكْرَهُونَ.

قُلْ إِنَّمَا السَّادِسُ، قَدْ حُرِّمَ عَلَيْكُمْ فِي الْبَيَانِ الْأَذِي وَلَوْ كَانَ بِضَرْبِ يَدِ عَلِيٍّ كَتَفٍ أَنْ يَا عِبَادَ اللَّهِ تَتَّقُونَ وَإِنَّ حِينَ مَا تُحِبُّونَ أَنْ تَتَّحِجُّونَ بِالذَّلَائِلِ وَالْبُرْهَانِ عَلَيَّ أَكْمَلِ الْحَيَاءِ لَتَكْتَبُونَ دَلَائِلَكُمْ ثُمَّ عَلَيَّ مُنْتَهَى الْأَدَبِ لَتَقُولُونَ فَإِنَّكُمْ تَلْأَقُونَ اللَّهَ رَبُّكُمْ يَوْمَ الْقِيَمَةِ بِمَا تَلْأَقُونَ مَنْ يُظْهِرُهُ اللَّهُ وَمَنْ يَكُنْ بَاباً لَهُ لِلْعَالَمِينَ لَعَلَّكُمْ لَا تَلْأَقُونَ اللَّهَ رَبُّكُمْ وَتَكْسِبُونَ عَمَلًا يَحْزَنُ بِهِ اللَّهُ رَبُّكُمْ بِمَا يَحْزَنُ مَنْ يُظْهِرُهُ اللَّهُ وَأَنْتُمْ لَا تَلْتَفِتُونَ وَلَا تَتَذَكَّرُونَ.

قُلْ إِنَّمَا السَّابِعُ، فَلْتَبْلُغَنَّ إِلَيَّ مَنْ يُظْهِرُهُ اللَّهُ كُلُّ نَفْسٍ مِنْكُمْ بَلُورَ عِطْرِ مُمْتَنِعٍ رَفِيعٍ مِنْ عِنْدِ نُقْطَةِ الْبَيَانِ ثُمَّ بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ تَسْجُدُونَ بِأَيْدِيكُمْ لَا بِأَيْدِي دُونِكُمْ إِلَّا وَأَنْتُمْ لَا تَسْتَطِيعُونَ.

قُلْ إِنَّمَا الثَّامِنُ، فَلَا تَسْجُدَنَّ إِلَّا عَلَيَّ الْبَلُورِ فِيهَا مِنْ ذَرَّاتِ طِينِ الْأَوَّلِ وَالْآخِرِ ذِكْرًا مِنَ اللَّهِ فِي الْكِتَابِ لَعَلَّكُمْ شَيْءٌ غَيْرَ مَحْبُوبٍ لَا تَشْهَدُونَ.

وَإِنَّ فِي التَّاسِعِ، فَلْيَمْلِكَنَّ كُلُّ نَفْسٍ مِنْ أَسْبَابِ بَلُورِ مُمْتَنِعٍ رَفِيعٍ عَدَدَ الْوَاحِدِ عَلَيَّ قَدَرًا مَا يَتِمَكَّنُ وَ إِنْ يَسْتَطِيعُ وَلَمْ يَمْلِكْ كُتِبَ عَلَيْهِ أَنْ يُنْفِقَنَّ تِسْعَةَ عَشَرَ مِثْقَالًا مِنَ الذَّهَبِ حَدًّا فِي كِتَابِ اللَّهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ.

وَإِنَّ فِي الْعَاشِرِ، فَلَا يَصْبِرَنَّ الْحُرُوفُ بَعْدَ مَا تَقْبِضُ حُرُوفَاتِهِنَّ إِلَّا تَسْعِينَ يَوْمًا وَلَا الْحُرُوفَاتِ بَعْدَ مَا يَقْبِضُ حُرُوفَهُنَّ إِلَّا خَمْسُ وَتَسْعِينَ يَوْمًا حَدًّا فِي كِتَابِ اللَّهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ لِتَشْهَدَنَّ أَنَّ الْمَلِكَ لِلَّهِ وَكُلُّ إِلَهٍ لِيَرْجِعُونَ وَإِنْ صَبَرُوا فَوْقَ مَا قَدْ كَتَبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ أَوْ هُنَّ فَوْقَ مَا قَدْ كَتَبَ اللَّهُ عَلَيْهِنَّ بَعْدَ مَا يَسْتَطِيعْنَ وَيَقْدِرْنَ أَوْ يَسْتَطِيعُونَ وَيَقْدِرُونَ عَلَيْهِمْ أَنْ يُنْفِقُونَ تَسْعِينَ مِثْقَالًا مِنْ ذَهَبٍ وَعَلَيْهِنَّ أَنْ يُنْفِقْنَ خَمْسَ وَتَسْعِينَ مِثْقَالًا مِنْ ذَهَبٍ إِنْ يَسْتَطِيعْنَ أَوْ يَسْتَطِيعُونَ وَإِلَّا يُعْطَيْنَ عَنْهُمْ وَعَنْهُمْ وَاللَّهُ مَا أَرَادَ لِأَحَدٍ إِلَّا الْحُبَّ وَالرِّضَاءَ لَعَلَّكُمْ أَنْتُمْ فِي رِضْوَانِ الْبَيَانِ لِتَشْكُرُونَ.

وَإِنَّ الْحَادِيَّ وَالْعَشْرَ، إِنَّ الَّذِينَ يُشِئُونَ الْكِتَابَ يَكْتُبُونَ فِي أَوَّلِهِ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ ثُمَّ فِي آخِرِهِ لَا حُجَّةَ إِلَّا عَلَيَّ قَبْلَ مُحَمَّدٍ لَعَلَّكُمْ أَنْتُمْ تَسْتَدْلُونَ يَوْمَ مَنْ يُظْهِرُهُ اللَّهُ بِمِثْلِ ذَلِكَ ثُمَّ بِهِ تَهْتَدُونَ.

وَإِنَّ الثَّانِيَّ مِنْ بَعْدِ الْعَشْرِ، ذُرِّيَّاتِكُمْ لَمْ يَكُنْ عَلَيْهِنَّ مِنْ حُدُودِ مَوْتِكُمْ قَبْلَ أَنْ يُنْفَخَ فِيهِنَّ الرُّوحُ وَبَعْدَ مَا يُنْفَخُ إِنْ يَنْزِلْنَ أَحْيَاءً فَانْتُمْ حُدُودَ حَيَاتِكُمْ فِيهِنَّ لِتُرَاقِبُونَ وَإِنْ يَنْزِلْنَ أَمْوَاتًا تُرْفَعُ عَنْكُمْ حُدُودِكُمْ وَصَلَوَاتِكُمْ عَلَيْهِنَّ وَلَا تَقْرُبُوهُنَّ آبَائَهُنَّ وَلَا أُمَّهَاتَهُنَّ لِيَلَّا يَحْزَنَا إِلَّا وَإِنْ لَمْ يَكُنْ غَيْرُهُمَا رَحْمَةً مِنَ اللَّهِ وَفَضْلًا فِي الْكِتَابِ لَعَلَّكُمْ فِي أَيَّامِ اللَّهِ تَصْبِرُونَ.

وَإِنَّ الثَّلَاثَ مِنْ بَعْدِ الْعَشْرِ، إِذْ فِي الْبَيَانِ أَنْ تَجْعَلَنَّ أَنْفُسَكُمْ وَاحِدًا وَاحِدًا بِأَنْ تَخْتَارَنَّ لِأَنْفُسِكُمْ عَدَدَ الْحَيِّ لَعَلَّكُمْ يَوْمَ الْقِيَمَةِ بِذَلِكَ الشَّانِ عَلَيَّ اللَّهُ رَبِّكُمْ تُعْرَضُونَ قُلْ إِنْ النُّقْطَةَ آيَةُ شَجَرَةِ الْأُولَى ثُمَّ الْحَيِّ آيَاتُ حَيِّ الْأَوَّلِ أَنْتُمْ فَتُرَاقِبَنَّ أَنْفُسَكُمْ فِي ذَلِكَ الشَّانِ لَعَلَّكُمْ أَنْتُمْ يَوْمَ الْقِيَمَةِ عَمَّنْ يُظْهِرُهُ اللَّهُ ثُمَّ حَيِّ الْأَوَّلِ لَا تَحْتَجِبُونَ فَإِنَّ مَنْ يُظْهِرُهُ اللَّهُ لَوْ يُظْهِرُ فِي مَقَامِ النُّقْطَةِ أَوْ الْحَيِّ فَإِنَّهُ لَحَقٌّ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَلَا رَيْبَ فِيهِ إِنْ كُلُّ بِهِ مُؤْمِنُونَ وَإِنَّ حَيِّ الْأَوَّلِ إِنْ يُظْهِرُونَ فِي مَقَامِ الْحَيِّ أَوْ النُّقْطَةِ فَانْتُمْ أَسْمَاءُ الْأُولَى إِنْ كُلُّ بِهِ مُؤْمِنُونَ.

وَإِنَّمَا الرَّابِعُ مِنْ بَعْدِ الْعَشْرِ، كَتَبَ اللَّهُ عَلَيَّ آبَائِكُمْ وَأُمَّهَاتِكُمْ أَنْ يَرْزُقَانِكُمْ مِنْ أَوَّلِ خَلْقِكُمْ إِلَيَّ تِسْعَةَ عَشْرَ سَنَةً تَامَةً وَعَلَيْكُمْ أَنْ تَرْزُقُونَهُمَا إِلَيَّ آخِرَ عُمُرِهِمَا إِنْ لَمْ يَكُونَا مِنَ الْمُسْتَطِيعِينَ وَعَلَيْهِمَا أَنْ

يَرْزُقَانِكُمْ إِنْ يَسْتَطِيعَانِ وَإِنَّكُمْ أَنْتُمْ مَا كُنْتُمْ عَلَيَّ الْأَرْضِ لَمَسْتَطِيعِينَ ذَلِكَ أَنْ يَكُونَ كُلُّ عَلَيَّ حُدُودِ دِينِهِمْ وَإِنْ يَحْتَجِبُ أَحَدٌ مِنْهُمْ فَأَنْتُمْ عَنْهُ لَتَعْفُونَ وَمَنْ يَحْتَجِبْ عَنْ حُدُودِ اللَّهِ فِي ذَلِكَ فَلْيَلْزِمْنَاهُ فِي كُلِّ حَوْلٍ أَنْ يُنْفِقَنَّ تِسْعَةَ عَشَرَ مِثْقَالًا مِنْ ذَهَبٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ حَدًّا فِي كِتَابِ اللَّهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ.

وَأِنَّمَا الْخَامِسُ مِنْ بَعْدِ الْعَشْرِ، لَا تَرْكَبَنَّ الْبَقَرَ وَلَا تَحْمِلُنَّ عَلَيْهِ مِنْ شَيْءٍ إِنْ أَنْتُمْ بِاللَّهِ وَآيَاتِهِ مُؤْمِنُونَ وَلَا تَشْرَبَنَّ لَبَنَ الْحَمِيرِ وَلَا تَحْمِلُنَّ عَلَيْهِ وَلَا عَلَيَّ حَيَّوَانٍ غَيْرِهِ إِلَّا عَلَيَّ دُونَ طَاقَتِهِ مَا قَدْ كَتَبَ اللَّهُ عَلَيْكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ وَلَا تَرْكَبَنَّ الْحَيَّوَانَ إِلَّا وَأَنْتُمْ بِاللَّجَامِ وَالرَّكَابِ لَتَرْكَبُونَ وَلَا تَرْكَبَنَّ مَا لَا تَسْتَطِيعُونَ أَنْ تَحْفَظْنَ أَنْفُسَكُمْ عَلَيْهِ فَإِنَّ اللَّهَ قَدْ أَنْهَيْكُمْ عَنْ ذَلِكَ نَهْيًا عَظِيمًا وَلَا تَضْرِبَنَّ بِيضَةً عَلَيَّ شَيْءٍ يُضَعُّ مَا فِيهِ قَبْلَ أَنْ يُطْبَخَ هَذَا مَا قَدْ جَعَلَ اللَّهُ رِزْقَ نُقْطَةِ الْأُولَى فِي أَيَّامِ الْقِيَمَةِ وَمَنْ عِنْدَهُ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ وَإِنَّ مَا يَظْهَرُ فِي الْبِيضَةِ مِنَ الدَّمِ عُنْفِي عَنْكُمْ وَإِنَّهُ لَطَهْرٌ فَلَا تَأْكُلُوهُ لَعَلَّكُمْ شَيْءٌ مَكْرُوهٌ لَا تَشْهَدُونَ وَلَا تَرْكَبَنَّ الْفُلْكَ إِلَّا وَأَنْتُمْ عَلَيَّ قَدْرَ قَدْرِكُمْ تَمْلِكُونَ وَلَا تُجَادِلَنَّ فِيهِ وَلَا تُتَارَعَنَّ وَأَنْتُمْ عَلَيَّ مُنْتَهِي الرُّوحِ وَالرَّيْحَانِ بَعْضُكُمْ بِبَعْضٍ تَسْلُكُونَ كُتِبَ عَلَيَّ الَّذِينَ هُمْ أُولَى الْأَمْرِ فِي الْفُلْكِ أَنْ يُقَدِّمُونَ عَلَيَّ أَنْفُسِهِمْ مَنْ فِيهِ مِنَ الَّذِينَ هُمْ رَاكِبُونَ حِينَ مَا يَضْطَرُّنَّ مَنْ فِي الْفُلْكِ وَأَنْتُمْ حِينَئِذٍ لَا تَقُومُونَ وَتَجْعَلُنَّ مَكَانَ طَهْرِكُمْ فِي مَقْعَدٍ لَمْ يَكُنْ عَلَيَّ مَقْعَدٍ يَخَافُ مَنْ يَدْخُلُ فِيهِ وَأَنْتُمْ مِثْلَ مَا تَصْنَعُونَ فِي الدُّبُوسَةِ فِي مَقَاعِدِ أُخْرَى تَصْنَعُونَ وَلَا تَرَاقِبَنَّ طَهْرِكُمْ فِي الْفُلْكِ إِلَّا عَلَيَّ قَدْرَ مَا أَنْتُمْ عَلَيْهِ لَتَسْتَطِيعُونَ وَرُفِعَ عَنِ الَّذِينَ هُمْ وَرَاءَ الْبَحْرِ مَا قَدْ كَتَبَ اللَّهُ لَهُمْ مِنْ سَفَرٍ وَاجِبٍ إِنْ هُمْ سَفَرُوا بَرًّا لَا يَمْلِكُونَ وَإِذْنٌ لَهُمْ أَنْ يَتَّخِذُونَ لِأَنْفُسِهِمْ أَوْلِيَاءَ عَنْهُمْ لِيَحْجُونَ وَلِيَبْلِغُونَ إِلَيْهِمْ مَا يَصْرِفُونَ مِنْ مَكَانِهِمْ إِلَيَّ مَا هُمْ إِلَيْهِ لِيَرْجِعُونَ إِنْ هُمْ عَلَيَّ ذَلِكَ لَمَسْتَطِيعُونَ وَإِلَّا عُنْفِي عَنْهُمْ وَعَمَّا كُلُّ يَكْسِبُونَ.

وَأِنَّمَا السَّادِسُ مِنْ بَعْدِ الْعَشْرِ، كُتِبَ عَلَيَّ كُلِّ مَلِكٍ أَرْضٍ فِي كُلِّ حَوْلٍ مِائَةٌ وَأَرْبَعِينَ مِثْقَالًا مِنْ ذَهَبٍ ثُمَّ عَلَيَّ الْوَزِيرِ الْأَعْظَمِ مَاتَيْنِ وَتِسْعِينَ مِثْقَالًا ثُمَّ عَلَيَّ الْحَاكِمِ الْأَعْظَمِ مِائَةٌ وَسِتِّينَ مِثْقَالًا ثُمَّ عَلَيَّ الْعَالِمِ الْأَعْظَمِ مَاتَيْنِ وَثَمَانِينَ مِثْقَالًا أَنْ يُخْزِنُونَ لِمَنْ يُظْهَرُهُ اللَّهُ ثُمَّ بِأَيْدِيهِمْ حِينَ تُظْهَرُهُ إِلَيْهِ لِيَبْلِغُونَ

إِذْ مَا أَحْزَنُوا فِي تِلْكَ الْقِيَامَةِ مَظْهَرِ رَبِّهِمْ هَوْلَاءَ، لَعَلَّ الَّذِينَ يُخْلَقُونَ فِي الْبَيَانِ فِي مَقَاعِدِهِمْ جَزَاءَ مَا كَسَبُوا مِنْ قَبْلِهِمْ بِالْحَقِّ يَكْسِبُونَ أَنْ يَا هَوْلَاءَ إِنْ لَمْ تُؤْمِنَنَّ بِمَنْ يُظْهِرُهُ اللَّهُ آيَاهُ لَا تَحْزَنُونَ فَإِنَّ فِي تِلْكَ الْقِيَامَةِ هَوْلَاءَ لَوْ آمَنُوا بِالنُّقْطَةِ الْأُولَى لَمْ يَحْزَنْ أَحَدٌ فِي الْبَيَانِ وَكُلُّ الْإِلَى قِيَمَةِ الْإِخْرَى بِالرُّوحِ وَالرِّيْحَانِ يَسْلُكُونَ وَلَكِنَّهُمْ قَدْ احْتَجَبُوا حَتَّى اسْتَمَلَكُوا مَا لَا يُحِبُّ اللَّهُ فِي الْبَيَانِ وَأَنْتُمْ بِمِثْلِهِمْ أَنْفُسَكُمْ عَنْ رَحْمَةِ رَبِّكُمْ لَا تَبْعُدُونَ إِنْ لَا تُبْلِغُونَ إِلَيَّ مَنْ يُظْهِرُهُ اللَّهُ مَا كَتَبَ اللَّهُ عَلَيْكُمْ فِي الْكِتَابِ آيَاهُ لَا تَحْزَنُونَ وَلَا تَشْكُونَ فِيهِ حِينَ مَا تَسْمَعُونَ وَتَتَجَلَّنَّ أَنْفُسَكُمْ حَكَمًا بَيْنَهُ وَبَيْنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْبَيَانَ بِأَنْ تَعْرِضَنَّ آيَاتِهِ عَلَيَّ الَّذِينَ أُوتُوا الْبَيَانَ إِنْ شَهِدْتُمْ عَجْزَ أَنْفُسِكُمْ وَإِيَّاهُمْ فَإِذَا تُؤْمِنُونَ وَإِنْ لَا شَهِدْتُمْ عَجْزَ أَنْفُسِكُمْ وَلَا إِيَّاهُمْ فَإِذَا أَنْتُمْ لَا تَحْزَنُونَ وَلَوْ يُظْهِرُ حَكَمًا فِي تِلْكَ الْقِيَمَةِ لُبَّيْنِ الْحَقِّ عَلَيَّ مَنْ فِي الْأَرْضِ كُلِّهَا وَلَكِنْ كُلُّ فِي أَحْكَامِ دِينِهِمْ وَدُنْيَاهُمْ بِحُكْمِهِمْ يَرْجِعُونَ وَيَحْكُمُونَ وَلَكِنْ لَا يُظْهِرُونَ فِي أَمْرٍ يُثَبَّتُ بِهِ دِينُهُمْ حُكْمًا لِيُشْهَدَ عَلَيَّ عَجْزَهُمْ عَنْ آيَاتِ رَبِّهِمْ لِيُنْجُونَ أَنْفُسَهُمْ بِذَلِكَ الْحُكْمِ وَاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ لِيَتَّبِعُونَ، وَأَنْفُسَهُمْ وَأَعْمَالَهُمْ لِيُفْنُونَ وَيَحْسِبُونَ أَنَّهُمْ يُحْسِنُونَ أَنْتُمْ يَا أُولِي الْبَيَانِ بِمِثْلِهِمْ لَا تَحْتَجِبُونَ.

وَأِنَّمَا السَّابِعُ مِنْ بَعْدِ الْعَشْرِ، أَنْ يَا أُولِي الْحُكْمِ فَلْتَأْمُرَنَّ مَنْ يَتَّبِعُونَكُمْ أَنْ لَا يَأْخُذَنَّ لِباسِ أَحَدٍ وَلَا مَا عِنْدَهُ وَإِنْ يُؤْخَذُ يُحْرَمَ عَلَيْهِمْ وَعَلَيْكُمْ أَرْوَاجُكُمْ تِسْعَةَ عَشْرَ يَوْمًا وَإِنْ اقْتَرَنْتُمْ لِيَلْزِمَنَّكُمْ مِنْ كِتَابِ اللَّهِ تِسْعَةَ عَشْرَ مِثْقَالًا مِنَ الذَّهَبِ أَنْ تَرُدُّونَ إِلَيَّ شُهَدَاءَ الْبَيَانِ لِيُؤْتِيَنَّ مَنْ أُخِذَ عَنْهُ لِباسُهُ أَوْ شَيْءٌ مِمَّا عِنْدَهُ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ وَتَأْمُرَنَّ مَنْ يَتَّبِعُونَكُمْ أَنْ لَا يُعَارِضَنَّ أَحَدًا أَبَدًا لَعَلَّكُمْ يَوْمَ الْقِيَمَةِ بِأَصْحَابٍ مَنْ يُظْهِرُهُ اللَّهُ لَا تَعْرِضُونَ وَتَأْمُرَنَّ كُلَّ أَرْضٍ أَنْ يَنْتَظِمُونَ بُيُوتَهَا وَأَسْوَاقَهَا وَأَمَاكِنَهَا وَيُمَيِّزُ كُلُّ صِنْفٍ فِي مَقْعَدِهِ عَنِ الْآخِرِ حَيْثُ لَا يَخْتَلِطُ اثْنَيْنِ مِنْهُمْ إِلَّا فِي مَكَانِهِمَا وَكُلُّ صِنْفٍ كَانُوا فِي مَكَانٍ وَاحِدٍ عَلَيَّ أَحْسَنَ نَظْمٍ مَحْبُوبٍ وَتَأْمُرَنَّ أَنْ يَكُونَ كُلُّ صِنْفٍ فِي خَانٍ فَإِنَّ ذَلِكَ أَقْرَبُ لِلنَّفْعِ وَالتَّقْوَى إِنْ أَنْتُمْ تَشْعُرُونَ.

قُلْ إِنَّمَا الثَّامِنُ مِنْ بَعْدِ الْعَشْرِ، لَا تَأْمُرَنَّ أَنْ يُؤْخَذَ مِنْ أَحَدٍ قَدْرَ شَعْرٍ أَوْ يَنْقُصَ عَنْهُ بَعْدَ مَا أَكْمَلَ اللَّهُ خَلْقَ ظَاهِرِهِ مِنْ شَيْءٍ أَمْرًا فِي كِتَابِ اللَّهِ لَعَلَّكُمْ أَنْتُمْ أَحَدًا لَا تَحْزُنُونَ وَمَنْ يَأْخُذْ مِنْ جَسَدٍ أَحَدٍ مِنْ شَيْءٍ أَوْ يُغَيِّرَ لَوْنَهُ قَدْرَ شَيْءٍ أَوْ يُغَيِّرَ لِبَاسَهُ أَوْ أَرَادَ أَنْ يُدَلِّلَهُ قَدْ حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ أَزْوَاجَهُ تِسْعَةَ عَشَرَ شَهْرًا فِي كِتَابِ اللَّهِ وَ لِيُزِمَنَّ مِنْ حُدُودِ اللَّهِ خُمْسَ وَ تِسْعِينَ وَاحِدًا مِنْ ذَهَبٍ لَعَلَّكُمْ أَنْتُمْ تَتَّقُونَ وَ لَا تَأْمُرُونَ وَ لَا تَفْعَلُونَ وَ لَا تَرْضِيُونَ فَلَا تَظْلِمَنَّ عَلَيَّ أَحَدٍ قَدْرَ خَرْدَلٍ إِنْ أَنْتُمْ بِاللَّهِ وَ بَيَاتِهِ مُؤْمِنِينَ وَ إِنْ لَمْ تَكُونَنَّ بِاللَّهِ وَ آيَاتِهِ مُؤْمِنِينَ فَلْتَكْسِبَنَّ عَمَلًا لَا يُخْرِجَنَّكُمْ مِنْ حَيَاتِكُمْ فَانْكُمُ قَبْلَ خَلْقِكُمْ كُنْتُمْ عِنْدَ اللَّهِ قَطْرَةً مَاءٍ بَعْدَ طِينٍ وَ لَتَرْجِعَنَّ إِلَيَّ كَفَّ طِينٍ فَلْتَسْتَحْيِينَ وَ لَا تَرْضِينَ لِأَحَدٍ دُونَ مَا تَرْضِينَ لِأَنْفُسِكُمْ وَ أَنْتُمْ بِأَعْلَى تَدَابِيرِ حَيَاتِكُمْ فِي أُمُورِكُمْ لَتُدَبَّرُونَ وَ لَا تُضَيِّعَنَّ خَلْقَ أَحَدٍ بَعْدَ مَا قَدْ أَكْمَلَ اللَّهُ خَلْقَهُ لِمَا تُرِيدُونَ مِنْ عَزِّ أَيَّامٍ مَعْدُودَةٍ أَوْ غِنَاءِ أَيَّامٍ مَعْدُودَةٍ فَإِنَّ كِلْتَيْهِمَا يَنْقَطِعُ عَنْكُمْ وَ أَنْتُمْ مِنْ بَعْدِ مَوْتِكُمْ فِي النَّارِ تَدْخُلُونَ تَتَمَنَّوْنَ كَأَنَّكُمْ مَا خُلِقْتُمْ وَ مَا اكْتَسَبْتُمْ فِي حَقِّ نَفْسٍ مِنْ حُزْنٍ وَ إِنْ تَتَعَقَّلُونَ فِي حَيَاتِكُمْ تَتَمَنَّوْنَ إِنْ أَنْتُمْ قَلِيلًا مَا تَشْعُرُونَ .

قُلْ التَّاسِعُ مِنْ بَعْدِ الْعَشْرِ، مَا أَمَرَ اللَّهُ مِنْ أَمْرٍ وَ لَا نَزَلَ مِنْ نَهْيٍ إِلَّا لِعِزِّ مَنْ يُظَاهِرُهُ اللَّهُ إِذَا يُعَارِضُكُمْ أَمْرٌ أَوْ نَهْيٌ عِزَّهُ أَنْتُمْ عِزَّ اللَّهِ لِتَرَاقِبُونَ وَ عَنْ كِلْتَيْهِمَا تَنْقَطِعُونَ .

الوَاحِدُ الْحَادِي مِنْ بَعْدِ الْعَشْرِ

بِسْمِ اللَّهِ الْأَمْنَعِ الْأَقْدَسِ

إِنِّي أَنَا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا الْأَثْبُثُ الْأَثْبُثُ قَدْ نَزَلْتُ مَقَادِيرَ كُلِّ شَيْءٍ فِي عَدَدِ الْيَاءِ مِنَ الْوَاحِدِ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ قُلْ إِنَّ فِي الْوَاحِدِ الْحَادِي مِنْ بَعْدِ الْعَشْرِ أَنْتُمْ فِي الْأَوَّلِ تَشْهَدُونَ إِنْ حَلَفْتُمْ بِاللَّهِ ثُمَّ بِمَنْ يُظْهِرُهُ اللَّهُ وَأَنْتُمْ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَ اللَّهِ صَادِقُونَ لَمْ يَكُنْ عَلَيْكُمْ مِنْ شَيْءٍ وَعَلَيَّ مَا حَلَفْتُمْ لَهُ أَنْ يَرُدُّونَ إِلَيْكُمْ مَا أَخَذُوا عَنْكُمْ أَوْ مَتَاعَكُمْ وَإِنْ يَحْتَجِبُونَ فَلْيَلْزِمْنَهُمْ تِسْعَةَ عَشْرَ مِثْقَالًا مِنْ ذَهَبٍ حَدًّا فِي كِتَابِ اللَّهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ وَإِنْ أَنْتُمْ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَ اللَّهِ رَبِّكُمْ إِنْ حَلَفْتُمْ وَكُنْتُمْ دُونَ صَادِقِينَ فَلْيَلْزِمْنَكُمْ مِنْ كِتَابِ اللَّهِ تِسْعَةَ عَشْرَ مِثْقَالًا مِنْ ذَهَبٍ أَنْ تَرُدُّونَ إِلَيَّ مَا تَحْلِفُونَ لَهُ حَدًّا فِي كِتَابِ اللَّهِ لَعَلَّكُمْ بَغَيْرِ حَقٍّ لَا تَحْلِفُونَ.

قُلْ الثَّانِي، كُلُّ ذَا مَلِكٍ يَبْعَثُ فِي الْبَيَانِ أَنْ يَنْتَخِبَنَّ مِنْ سُكَّانِ مَمْلَكَتِهِ عَدَدَ الْكَافِ وَالْهَاءِ مِنَ الْعُلَمَاءِ الَّذِينَ هُمْ يَنْبَغِي أَنْ يَكُونَنَّ مَطَالَعِ الْحُرُوفِ فِي كِتَابِ اللَّهِ لَعَلَّهُمْ يَوْمَ الْقِيَمَةِ بِمَنْ يُظْهِرُهُ اللَّهُ يُؤْمِنُونَ وَ يُوقِنُونَ وَ دِينَ اللَّهِ يَنْصُرُونَ وَ لِيَعْرِفَنَّ هَؤُلَاءِ كُلَّ الْخَلْقِ مِنْ حُدُودِ مَمْلَكَتِهِ لَعَلَّهُمْ ضِعْفَاءُ الْخَلْقِ يَنْصُرُونَ ثُمَّ عَلَيْهِمْ يَرْحَمُونَ ثُمَّ بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ اللَّهِ رَبِّهِمْ عَنْ حُدُودِ دِينِهِمْ لَا يَحْتَجِبُونَ.

قُلْ الثَّلَاثُ، مَنْ يَسْتَهْزِئُ مُؤْمِنًا أَوْ مُؤْمِنَةً لِيَلْزِمَنَّهُ عَدَدَ الْوَاحِدِ مِنْ ذَهَبٍ ثُمَّ مِنَ الْفِضَّةِ ثُمَّ مِنْ كَلِمَةِ الْإِسْتِغْفَارِ خَمْسَ وَتِسْعِينَ مَرَّةً، لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ وَ لَا تَسْتَهْزِئُونَ لِيُرِدَنَّ إِلَيَّ مِنْ اسْتَهْزَاءِ إِنْ يَقْدِرُ وَإِنْ لَمْ يَقْدِرْ يُرْفَعْ عَنْهُ الذَّهَبُ وَالْفِضَّةُ وَ لِيَلْزِمَنَّهُ الْإِسْتِغْفَارُ وَإِنْ لَمْ يَكُنْ ذَا لِسَانٍ وَ اسْتَهْزَاءَ بِإِسَارَاتِهِ فَلْيَخْتَارَنَّ لِنَفْسِهِ مَنْ يَسْتَغْفِرَنَّ عَنْهُ أَنْ يَا عِبَادِي اللَّهُ تَتَّقُونَ.

قُلْ الرَّابِعُ، إِنَّمَا الْبَيَانُ وَمَنْ فِيهِ حَيٌّ سَوَاءً كَانَ مِنْ نُورِهِ أَوْ مِنْ نَارِهِ أَنْتُمْ إِلَيَّ يَوْمَ مَنْ يُظْهِرُهُ اللَّهُ بِالْأَحْيَاءِ فِيهِمَا لَتَقْدِرُونَ ثُمَّ لَتَسْتَنْبِئُونَ ثُمَّ لَتَسْتَحْكُمُونَ قُلْ إِنَّمَا النَّارُ مَنْ يَحْتَجِبَنَّ عَنْ حُدُودِ مَا نُزِّلَ فِي الْبَيَانِ وَ النُّورُ مَنْ يُرَاقِبَنَّ حُدُودَ اللَّهِ هَذَا فِي نَفْسِ الْبَيَانِ لَا فِي الَّذِينَ مَا دَخَلُوا فِيهِ أَنْ يَا كُلِّ شَيْءٍ تَتَّقُونَ.

قُلِ الْخَامِسُ، مَنْ يَدْخُلُ فِي الْبَيَانِ فَلَا تُرْدُوهُ فِي دِينِهِ وَإِنْ رَدَدْتُمْ فَيَلْزِمَنَّكُمْ تِسْعَةَ عَشَرَ مِثْقَالًا مِنْ ذَهَبٍ أَنْ تَبْلُغُونَ إِلَيَّ مَا رَدَدْتُمُوهُ حَدًّا فِي كِتَابِ اللَّهِ لَعَلَّكُمْ أَنْتُمْ أَحَدًا فِي الْبَيَانِ لَا تُرْدُونَ وَإِنْ شَهِدْتُمْ عَلَيَّ أَحَدٌ مَا لَا أَدْنَى اللَّهُ لَهُ فِي الْبَيَانِ ذَلِكَ قَدْ عَصَى اللَّهُ رَبَّهُ وَلَمْ يَخْرُجْ عَنِ أَصْلِ دِينِهِ وَإِنَّ عَلَيَّ قَدْرٌ مَا احتَجَبَ لِيُوصَلَنَّ إِلَيْهِ النَّارُ أَنْتُمْ بِكَلَامٍ حَسَنٍ جَمِيلٍ هُوَلاءِ لَتَنْبُؤَنَّ وَتَذْكُرُونَ.

قُلِ السَّادِسُ، مَنْ يَنْتَظِرُ ظُهُورَ مَنْ يُظْهِرُهُ اللَّهُ بِغَيْرِ مَعْرِفَةِ اللَّهِ وَرِضَائِهِ فِي مَعْرِفَةِ نَفْسِهِ وَرِضَائِهِ فَأُولَئِكَ مَا اسْتَدْرَكُوا فِي الْبَيَانِ مِنْ حَرْفٍ وَمَا كَانُوا عِنْدَ اللَّهِ لِمُؤْمِنِينَ وَتَبْلُغَنَّ كِتَابَ كُلِّ شَيْءٍ إِلَيَّ كُلِّ نَفْسٍ وَلَوْ كَانَ أَحَدًا مِمَّنْ بَقِيَ مِنْ بَدِيعِ الْأَوَّلِ ذِكْرًا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ إِلَيَّ كُلِّ الْعَالَمِينَ وَلِتَسْتَغْفِرَنَّ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْمُهَيِّمِينَ الْقِيَوْمِ ثُمَّ لَتَتُوبَنَّ إِلَيْهِ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ.

قُلِ السَّابِعُ، نُهِيَ عَنْكُمْ فِي الْبَيَانِ أَنْ لَا تَمْلِكَنَّ فَوْقَ عَدَدِ الْوَاحِدِ مِنْ كِتَابٍ وَإِنْ تَمَلَّكْتُمْ فَلْيَلْزِمَنَّكُمْ تِسْعَةَ عَشَرَ مِثْقَالًا مِنْ ذَهَبٍ حَدًّا فِي كِتَابِ اللَّهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ قُلِ الْأَوَّلِ نَفْسُ الْبَيَانِ ثُمَّ الْحَيِّ مَا أَنْشَأَ فِي الْبَيَانِ مِنْ عُلُومٍ يَلْزِمَنَّكُمْ فِي دِينِكُمْ مِثْلُ النَّحْوِ وَالصَّرْفِ وَالْحُرُوفِ وَأَعْدَادِ الْحُرُوفِ وَمَا أَنْتُمْ تُشْئُونَ فِي دِينِ اللَّهِ بِأَعْلَى سُبُلِ النَّظْمِ لِتَنْظُمُونَ فَلَا تُشْئَنَّ إِلَّا جَوَاهِرَ الْعِلْمِ وَالْحِكْمَةِ وَأَنْتُمْ عَنْ زَخَارِفِهَا تَحْتَجِبُونَ كُلُّ ذَلِكَ لِأَنَّ لَا يَحْضُرُ بَيْنَ يَدَيْ مَنْ يُظْهِرُهُ اللَّهُ إِلَّا نَفْسُ الْبَيَانِ وَمَا أَنْشَأَ فِي الْبَيَانِ مِنْ عَدَدِ الْحَيِّ مِنَ الَّذِينَ هُمْ قَدْ بَلَّغُوا إِلَيَّ ذِرْوَةَ الْعِلْمِ وَالتَّقِيَّ وَهُمْ كَانُوا فِي دِينِ اللَّهِ مُخْلِصِينَ.

قُلِ الثَّامِنُ، فَلَا تَتَفَرَّقَنَّ بَيْنَ الْحُرُوفِ إِلَّا وَأَنْ تَجْمَعَنَّ فِي أَوْعِيَةٍ لَطِيفَةٍ أَوْ فِي مَنَدِيلٍ لَطِيفٍ وَإِنَّمَا أَنْتُمْ بِهِ تَتَحَرَّزُونَ غَيْرَ هَذَا وَأَنْتُمْ كُلُّ الْحُرُوفِ عَلَيَّ مَقَاعِدَ مَرْفُوعَةٍ لِتَضْعُونَ لِتُرَاقِبَنَّ أَرْوَاحَهُنَّ لَعَلَّكُمْ أَنْتُمْ بِأَرْوَاحِهِنَّ مَا فِي الْعَلِيِّينَ تُحْسِنُونَ وَعَنْ دُونِهِمْ تَحْتَجِبُونَ وَتَجْمَعَنَّ أَرْوَاحَ الَّتِي تَتَعَلَّقُ بِهَا فِي أَنْفُسِكُمْ لَعَلَّكُمْ لَا تَشْعَبُونَ بِمَا أَنْتُمْ تَحْرُزُونَ إِلَّا بِمَا أَنْتُمْ تَرْضَوْنَ وَتَشْكُرُونَ وَكُلُّ مَنْ يَمْلِكُ مِنْ حَرْفٍ فَعَلَيْهِ أَنْ يَحْفَظَهُ فِي مَقَامٍ عَزِّ مَحْبُوبٍ وَإِنْ يَكُنْ فِي حُجْرِهِ عِبَادٌ فَعَلَيَّ كُلُّ وَاحِدٍ أَنْ يَحْفَظَنَّ مَا لَهُمْ مِنْ كُلِّ حَرْفٍ مَكْتُوبٍ سِوَاءً يَجْعَلُونَ فِي مَحَلٍّ وَاحِدٍ أَوْ مَقَاعِدَ مُخْتَلِفَةٍ إِذَنْ لَكُمْ لَعَلَّكُمْ فِي أَمْرِ لَا تَضْعَبُونَ.

قُلِ التَّاسِعُ، فَلَا تَجْلِسُنَّ فِي مَقَاعِدِ الْعِزِّ إِلَّا فِي حَوْلِهَا وَإِنْ جَلَسْتُمْ فَيَلْزَمَنَّكُمْ تِسْعَةَ عَشَرَ مِثْقَالًا مِنْ ذَهَبٍ إِلَّا وَ أَنْتُمْ تُجْبَرُونَ فَعَلِي مَنْ يَجْبِرُكُمْ يَلْزَمَنَّ عَلَيْهِ مِنْ كِتَابِ اللَّهِ لَعَلَّكُمْ عَنْ حُدُودِ آدَابِكُمْ لَا تَخْرُجُونَ وَ إِذْ لَكُمْ فِي بُيُوتِكُمْ عِنْدَ مَا يَجْلِسُ أَهْلِكُمْ عِنْدَكُمْ فَأَنْتُمْ لَا تَسْتَطِيعُونَ فِي حَوْلِ الْحُجْرَاتِ تَجْلِسُونَ إِلَّا وَ أَنْتُمْ فِي مَكَانٍ وَاحِدٍ بِالْحُبِّ تَقْعُدُونَ وَ إِنْ فِي مَقَاعِدِ الْحُزْنِ رُفِعَ عَنْكُمْ لَعَلَّكُمْ عَلَيَّ إِدْلَاءُ اللَّهِ تَحْزُنُونَ وَ إِنْ مَنْ يَنْزِلُ عَلَيَّ أَحَدٍ فَعَلَيْهِ أَنْ يَعِزَّهُ عِزًّا مَنِعًا وَ أَنْ يُؤْتِيَهُ الْمَكَانَ بِنَفْسِهِ وَ الَّذِينَ هُمْ مِنْ حَوْلِهِ وَ إِنْ يَحْتَجِبُونَ فَعَلَيْ كُلِّهِمْ أَجْمَعِينَ أَنْ يَقُولُونَ إِنَّا لَنَسْتَغْفِرُكَ اللَّهُ الَّذِي لَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى عَنْ كُلِّ شَيْءٍ وَ إِنَّا كُلُّ إِلَهٍ لِنَاتَّبِعُونَ.

قُلِ العَاشِرُ، إِذْ فِي الْبَيَانِ أَنْ يَكُونَنَّ كُلَّمَا نُزِلَ فِيهِ عَرَبِيًّا عِنْدَ الَّذِينَ يَسْتَطِيعُونَ أَنْ يَفْهَمُونَ وَ إِنْ يُفَسِّرَنَّ أَحَدٌ فَارِسِيًّا إِذْ فِي الْكِتَابِ لِلَّذِينَهُمْ كَلِمَاتِ الْبَيَانِ لَا يُدْرِكُونَ وَ لَا تُفَسِّرَنَّ إِلَّا بِالْحَقِّ وَ لَا تَجْعَلَنَّ الْفَارِسِيَّ عَرَبِيًّا إِلَّا بِالْحَقِّ وَ لَتَمْلِكَنَّ كُلُّكُمْ أَجْمَعُونَ، بَيَانُ عَرَبِيٍّ مَحْبُوبٌ وَ بَيَانُ فَارِسِيٍّ لِلَّذِينَ هُمْ لَا يَسْتَطِيعُونَ مَا نُزِلَ اللَّهُ يُدْرِكُونَ وَ إِنْ عَلَيَّ مَا نُزِلَ عِنْدَ الشَّهَدَاءِ أَنْتُمْ كَأَعْيُنِكُمْ تَحْفَظُونَ ثُمَّ إِلَيَّ مَنْ يُظْهِرُهُ اللَّهُ لِتَبْلُغُونَ وَ إِذْ لَكُمْ أَنْ تَجْعَلَنَّ مِنْ كُتُبِ الْوَاحِدِ ذَلِكَ الثَّلَاثَ عَلَيَّ مَا نُزِلَ وَاحِدًا ثُمَّ كُلُّ عَرَبِيًّا ثُمَّ كُلُّ عَجَمِيًّا ذِكْرًا مِنْ اللَّهِ لَعَلَّكُمْ بِكُلِّ مَا نُزِلَ اللَّهُ فِي الْكِتَابِ لِتَحِيطُونَ بِظَاهِرِهِ عِلْمًا ثُمَّ بِهِ تُعَلَّمُونَ.

ثُمَّ الْحَادِي مِنْ بَعْدِ الْعَشْرِ، لَا تُقَدِّمُونَ عَلَيَّ مَنْ يُظْهِرُهُ اللَّهُ وَ لَا حَيَّ الْأَوَّلِ سِوَاءَ يُظْهِرُونَ فِي أَعْلَى الْخَلْقِ أَوْ آدَانَاهُمْ فَإِنَّهُمْ عِنْدَ اللَّهِ مُتَعَالُونَ وَ مَنْ يَتَقَدَّمُ عَلَيْهِمْ فَيَلْزَمَنَّهُ مِنْ كِتَابِ اللَّهِ تِسْعَةَ عَشَرَ مِثْقَالًا مِنْ ذَهَبٍ حَدًّا فِي كِتَابِ اللَّهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ.

قُلِ الثَّانِي مِنْ بَعْدِ الْعَشْرِ، أَنْتُمْ يَا ذَلِكَ الْخَلْقَ إِدْلَاءُ أَمْرِ اللَّهِ فَكُلَّمَا تَشْهَدُونَ عَلَيَّ أَحَدٍ بَأَنْ يُرِيدُونَ مِنْ شَيْءٍ إِنْ يَسْتَطِيعُونَ فَلْتَجِبُونَ فَإِنَّ اللَّهَ لَيْسَتْ جِبِينَهُمْ بِمَا قَدْ أَمَرَكُمْ وَ حِينَ عِلْمِكُمْ بِمِطْلَبِ أَحَدٍ كُتِبَ عَلَيْكُمْ أَنْ تَقْضُونَ وَ إِنْ احْتَجَبْتُمْ فَلْتَسْتَغْفِرَنَّ اللَّهُ رَبَّكُمْ تِسْعَةَ عَشَرَ مَرَّةً وَ إِنْ احْتَجَبْتُمْ عَنْ اسْتِغْفَارِكُمْ فَيَلْزَمَنَّكُمْ تِسْعَةَ عَشَرَ مِثْقَالًا مِنْ ذَهَبٍ حَدًّا فِي كِتَابِ اللَّهِ لَعَلَّكُمْ تُرَاقِبُونَ أَنْفُسَكُمْ وَ بَعْلَمِكُمْ كُلَّمَا يُحِبُّنَّ

مِنْ نَفْسٍ فِي دِينِكُمْ فَلْتَجِيبْنَهَا وَحُدُودِ دُنْيَاكُمْ فَلْتَقْضِينَ لَهَا فَضْلًا مِنَ اللَّهِ عَلَيْهِمْ لَعَلَّكُمْ أَنْفُسَكُمْ مَظَاهِرَ مَا يُجِيبُ اللَّهُ عِبَادَهُ تُظْهِرُونَ.

قُلِ الثَّالِثُ مِنْ بَعْدِ الْعَشْرِ، إِنْ يَبِيعَتْ مَلَكَ فِي الْبَيَانِ كُتِبَ عَلَيْهِ أَنْ يَمْلِكَنَّ لِنَفْسِهِ مَا يَجْعَلُنَّهُ عَلَيَّ رَأْسَهُ مِمَّا يَكُنْ عَلَيْهِ خَمْسَ وَتَسْعِينَ عَدَدًا مِمَّا لَمْ يَكُنْ لَهُ عِدْلٌ وَلَا شِبْهُهُ وَلَا كُفُوٌ وَلَا قَرِينٌ وَلَا مِثْلٌ وَلَا لَمْ يَخْرُجَ عَنْ حُدُودِ الْهَاءِ ظُهُورَاتِ أَسْمَائِهِ عِزًّا مِنَ اللَّهِ عَلَيْهِ إِلَيَّ يَوْمَ الْقِيَمَةِ يَوْمَئِذٍ كَلَّمَا صُنِعَ فِي ذَلِكَ فِي الْبَيَانِ فَلْتَقْدُونَ عِنْدَ أَقْدَامِ مَنْ يُظْهِرُهُ اللَّهُ ثُمَّ بَيْنَ يَدَيَّ اللَّهُ تَسْجُدُونَ أَنْ تَفْتَحِرُونَ بِذَلِكَ أَنْ يَا أَوْلِي الْمَلِكِ وَالْأَلَا وَاللَّهُ غَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ.

قُلِ الرَّابِعُ مِنْ بَعْدِ الْعَشْرِ، فَلْتَجْعَلَنَّ مِنْ أَوَّلِ لَيْلِكُمْ إِلَيَّ آخِرَ نَهَارِكُمْ خَمْسَ قِسْمَةٍ ثُمَّ عِنْدَ كُلِّ قِسْمَةٍ لَتُؤَدِّنُونَ فَلْتَبْدَنَّ بِهِ أَوَّلَ اللَّيْلِ ثُمَّ فِي الْأَوَّلِ تِسْعَةَ عَشْرَ مَرَّةً لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ ثُمَّ عَدَدَ الْوَاحِدِ اللَّهُ أَغْنِي لَتَقُولُونَ ثُمَّ فِي الثَّانِي تِسْعَةَ عَشْرَ مَرَّةً لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ ثُمَّ عَدَدَ الْوَاحِدِ اللَّهُ أَعْلَمَ تَقُولُونَ ثُمَّ فِي الثَّالِثِ تِسْعَةَ عَشْرَ مَرَّةً لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ ثُمَّ عَدَدَ الْوَاحِدِ اللَّهُ أَحْكَمَ تَقُولُونَ ثُمَّ فِي الرَّابِعِ تِسْعَةَ عَشْرَ مَرَّةً لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ ثُمَّ عَدَدَ الْوَاحِدِ اللَّهُ أَمَلِكُ تَقُولُونَ ثُمَّ فِي الْخَامِسِ تِسْعَةَ عَشْرَ مَرَّةً لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ ثُمَّ عَدَدَ الْوَاحِدِ اللَّهُ أَسْلَطُ تَقُولُونَ وَكُتِبَ عَلَيْكُمْ أَنْ تُؤَدِّنُونَ فِي مَكَانٍ يَسْمَعُ مِنْ حَوْلِكُمْ وَإِذَا انْقَطَعَ الصَّوْتُ عَنْ نَفْسٍ فَيَلْزَمَتْهُ أَنْ يَبْلُغَنَّ إِلَيَّ مَا يُؤَدِّنُ فِي كُلِّ يَوْمٍ وَلَيْلَةٍ تِسْعَةَ عَشْرَ مِثْقَالًا مِنَ الْقَنْدِ الْأَبْيَضِ الْأَعْلِيِّ لَعَلَّكُمْ تُرَاقِبُونَ أَنْفُسَكُمْ وَعَنْ ذِكْرِ اللَّهِ لَا تَحْتَجِبُونَ وَمَنْ يَكُنْ رَاقِدًا لَمْ يَكُنْ عَلَيْهِ مِنْ شَيْءٍ وَإِنْ يَكُنْ دُونَ رَاقِدٍ فَلْيَكُونَنَّ فِي مَكَانٍ يَسْمَعُ الصَّوْتُ وَلَا عَلَيْكُمْ أَنْ تُخْرِجُونَ مِنْ حُجْرَاتِكُمْ لِتَسْمَعُونَ الصَّوْتَ بَلْ عَلَيَّ عِلْمِكُمْ بِمَا يُوصِلُ إِلَيَّ بِبُيُوتِكُمْ صَوْتُ الْمُؤَدِّنِ لِيَكْفِينَكُمْ فِي كِتَابِ اللَّهِ وَإِنْ كَبُرَ عَلَيَّ الْمُؤَدِّنِ فَلْيَقُولَنَّ مَرَّةً شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَإِنَّ مَنْ يُظْهِرُهُ اللَّهُ لِحَقِّ مَنْ عِنْدَ اللَّهِ كُلُّ بِأَمْرِ اللَّهِ مِنْ عِنْدِهِ يُخْلَقُونَ وَإِنَّا كُلُّ بِمَا يُنَزَّلُ اللَّهُ عَلَيْهِ لِمُؤْمِنُونَ ذَلِكَ مِنْ فَضْلِ اللَّهِ عَلَيْهِمْ فِي أَيَّامِ بَرْدِهِمْ وَحِينَ مَا لَا يَسْتَطِيعُونَ أَنْ يُطَوَّلُونَ.

قُلْ إِنَّ الْخَامِسَ مِنْ بَعْدِ الْعَشْرِ، إِنْ نَسَيْتُمْ أَمْرًا فِي صَلَاتِكُمْ فَلْتَقْضُوا مَا قَدْ قُضِيَ عَنْكُمْ لَا كُلَّ أَعْمَالِكُمْ وَمِثْلَ ذَلِكَ فِي غَيْرِ صَلَاتِكُمْ أَنْتُمْ بِأَجْزَاءِ قَبْلَ ذَلِكَ ثُمَّ بَعْدَ ذَلِكَ لَا تَلْتَفِتُونَ وَبِنَفْسِ مَا قَدْ قُضِيَ تَنْظُرُونَ وَتَقْضُونَ. كُتِبَ عَلَيَّ الَّذِينَ أُوتُوا الْبَيَانَ أَنْ يُحِيطَ عِلْمَ أَنْفُسِهِمْ بِمَا عَلَيَّ الْأَرْضِ مِنْ كُلِّ مَلِكٍ وَبَيْتِهِ وَكِتَابِهِ وَحَدِّ مُلْكِهِ وَعَدِّ جُنْدِهِ وَبِهَاءِ مَا عِنْدَهُ وَمَا يَكُنْ عِنْدَهُ مِمَّا لَمْ يَكُنْ لَهُ مِنْ عَدْلِ لِيَوْمِ كُلِّ عَلِيٍّ اللَّهُ رَبَّهُمْ يُعْرَضُونَ.

قُلْ السَّادِسُ مِنْ بَعْدِ الْعَشْرِ، فَلَا تَقْتُلَنَّ نَفْسًا وَلَا تَقْطَعَنَّ شَيْئًا عَن نَفْسٍ أَبَدًا إِنْ أَنْتُمْ بِاللَّهِ وَآيَاتِهِ مُؤْمِنُونَ وَمَنْ يَأْمُرْ ذَلِكَ أَوْ يَفْعَلْ أَوْ يَقْدِرْ أَنْ يَمْنَعُ وَلَمْ يَمْنَعْ أَوْ يَرْضَى فَيَلْزِمَنَّهُ مِنْ كِتَابِ اللَّهِ أَحَدِي عَشَرَ أَلْفَ مِثْقَالَ مِنْ ذَهَبٍ بَأَنْ يَرُدَّنَّ إِلَيَّ مَنْ يُورِثُ عَمَّنْ قُتِلَ وَيُحْرِمَنَّ عَلَيْهِ كُلَّ قَرِينِهِ تِسْعَةَ عَشَرَ سَنَةً وَدَلِيلٌ فِي كِتَابِ اللَّهِ أَنَّ كَيْنُونَةَ قَدْ خُلِقَتْ عَلَيَّ غَيْرَ مَحَبَّةِ اللَّهِ وَرِضَائِهِ وَيَدْخُلُ النَّارَ وَمِنْ بَعْدِ مَوْتِهِ وَلَا يَغْفِرُ اللَّهُ لَهُ أَبَدًا وَلَكِنْ إِنْ يَتَّبِعْ تِلْكَ الْحُدُودَ يُخَفِّفْ عَنْهُ مَا قُدِّرَ لَهُ فَلْتَتَّقَنَّ اللَّهُ ثُمَّ تَتَّقُونَ وَمَنْ يَقْتُلْ أَحَدًا بِغَيْرِ مَا أَرَادَ فَلَمْ يَكُنْ عَلَيْهِ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا وَأَنْ يُرْضِيَنَّ مِنْ نَفْسِهِ وَرِثًا مَا قُتِلَ وَلْيَعْتَدِرَنَّ عَنْهُمْ وَلْيَكُونَنَّ عِنْدَ اللَّهِ رَبَّهُ لِمَنْ الْمُسْتَغْفِرِينَ وَإِنْ مِثْلُهُ كَمِثْلِ قَضَايَا يَقْعُ عَلَيَّ نَفْسٍ فَلْتَتَّقَنَّ اللَّهُ أَنْ يَأْكُلَ نَفْسِي ثُمَّ تَتَّقُونَ وَ إِنْ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي أَرْضِ الصَّادِ إِنْ آمَنُوا بِاللَّهِ وَآيَاتِهِ أَنْ يَأْخُذُوا دِيَارِ مَا قُتِلُوا عَنْ وَرَثِ مَنْ قُتِلَ بِحُدُودِ مَا قُدِّرَ مِنْ قَبْلِ لَعَلَّكُمْ فِي دِينِ اللَّهِ تَتَّقُونَ وَمِنْ بَعْدِ لَا تَقْرَبُونَ.

ثُمَّ السَّابِعُ مِنْ بَعْدِ الْعَشْرِ، وَمَنْ يَأْمُرْ أَنْ يُخْرَجَ أَحَدٌ عَن بَيْتِهِ أَوْ مَدِينَتِهِ أَوْ قَرْبَتِهِ أَوْ مُلْكِ سُلْطَانِهِ فَلْيُحْرَمَنَّ عَلَيْهِ (قَرِينَتُهُ) تِسْعَةَ عَشَرَ شَهْرًا وَلْيَلْزِمَنَّهُ تِسْعَةَ عَشَرَ مِثْقَالَ مِنْ ذَهَبٍ أَنْ يَرُدَّنَّ إِلَيْهِ حَدًّا فِي كِتَابِ اللَّهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ.

قُلْ الثَّامِنُ مِنْ بَعْدِ الْعَشْرِ، مَنْ يَشْرَبْ مُسْكِرًا يُرْفِعْ عَنْهُ شُعُورَهُ فَلْيَلْزِمَنَّهُ مِنْ كِتَابِ اللَّهِ خَمْسُ وَتِسْعِينَ مِثْقَالَ مِنْ ذَهَبٍ وَلَا تُشْفَيْنَ مَرْضَاكُمْ بِمُسْكِرٍ أَبَدًا إِنْ أَنْتُمْ بِاللَّهِ وَآيَاتِهِ مُؤْمِنُونَ.

قُلِ النَّاسُ مِنْ بَعْدِ الْعَشْرِ، مَنْ يَكْتُبُ حَرْفًا عَلَيَّ مَنْ يُظْهِرُهُ اللَّهُ أَوْ بَغَيْرِ مَا نُزِّلَ فِي الْبَيَانِ قَبْلَ ظُهُورِهِ
فَيَلْزِمَنَّهُ مِنْ كِتَابِ اللَّهِ تِسْعَةَ عَشَرَ مِثْقَالًا مِنْ ذَهَبٍ وَلَا آذِنَ اللَّهُ أَحَدًا أَنْ يَأْخُذَنَّ عَنْهُ ذَلِكَ وَلَا أَنْ
يَسْأَلَنَّ عَنْهُ وَمَنْ يَسْأَلَنَّ عَنْهُ عَنِ ذَلِكَ الْحَدِّ فَلْيَلْزِمَنَّ عَلَيَّ نَفْسِهِ مِثْلَ ذَلِكَ بِمَا قَدْ سَأَلَ بَعْدَ مَا لَا آذِنَ
اللَّهُ لَهُ إِنْ يَسْأَلَ فَلْتَتَّقَنَّ اللَّهَ أَنْ لَا تَكْتُبَنَّ حَرْفًا عَلَيَّ مَنْ يُظْهِرُهُ اللَّهُ وَلَا بَغَيْرِ حُدُودِ مَا نُزِّلَ اللَّهُ قَبْلَ ظُهُورِ
الْحَقِّ وَلَا تَحْكُمَنَّ بَعْدَ الظُّهُورِ مِثْلَ قَبْلِ الظُّهُورِ وَتَحْسَبُونَ أَنَّكُمْ مُحْسِنُونَ وَأَنْ لَا تَكْتُبَنَّ لِلْحَقِّ فَلَا
تَكْتُبَنَّ عَلَيَّ الْحَقَّ مِنْ شَيْءٍ هَذَا مَا وَصَّاكُمْ اللَّهُ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ وَإِنْ لَا تَنْصُرُونَ مَنْ يُظْهِرُهُ اللَّهُ بِمَا
تَكْتُبُونَ لَهُ فَلَا تَحْزَنُونَهُ بِمَا يُكْتُبُ عَلَيْهِ فَلْتَتَّقَنَّ اللَّهَ حَقَّ التَّقِي لَعَلَّكُمْ يَوْمَ الْقِيَمَةِ عِنْدَ اللَّهِ لَنْتَجُونَ.

خطبه تفسير سوره بقره

بسم الله الرحمن الرحيم

ص ٦٥

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي تَجَلَّى لِلْمَكْنَاتِ بِطَرَاظِ النُّقْطَةِ الْمُنْفَصِلَةِ عَنْ لُجَّةِ الْإِبْدَاعِ لَهَا بِهَا إِلَيْهَا الَّتِي جَلَّتْ وَعَلَتْ قَبْلَ مَا اخْتَرَعَتْ بَعْدَ مَا بَدَعَتْ مِنْهَا تَحَاكَّتْ وَمِنْهَا دَعَتْ وَعَلَيْهَا دَلَّتْ وَفِيهَا اسْتَقَرَّتْ وَبِهَا وَجَدَتْ الْمَشِيَّةَ قَبْلَ ذِكْرِ الشَّيْئَةِ وَفِيهَا ظَهَرَتْ الرَّبُّوبِيَّةُ وَاسْتَقَامَتْ كُلُّ الْعِبُودِيَّةِ فَهِيَ لِأَشْرَقِيَّةٍ أَزَلِيَّةٍ وَلَا غَرْبِيَّةٍ عَدَمِيَّةٍ وَجُدَتْ بِكَيْنُونِيَّتِهَا لَا مِنْ إِبْدَاعِ قَبْلِهَا وَذُوِيَتْ بِأَنْبِيَّتِهَا مِنْ دُونِ اخْتِرَاعِ يَسَاوِقِهَا فَتَلَأَلَتْ وَتَشَابَهَتْ وَتَلَجَّلَجَتْ فَتَشَاكَلَتْ فَهِيَ هِيَ أَوَّلُ ذَكَرٍ مِنْ ذَاكَرٍ بِدِيعِ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ ،

وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَنْشَأَ الْمَوْجُودَاتِ بِطَرَاظِ الْإِلْفِ الْغَيْبِيَّةِ الْقَائِمَةِ فِي نَفْسِهَا الَّتِي بَدَعَتْ بَعْلَةَ النُّقْطَةِ قَبْلِهَا وَأَنْشَأَتْ بِذَاتِيَّةِ الْمَشِيَّةِ الْمَذْكُورَةِ فِي رَتْبَتِهَا لَهَا بِهَا إِلَيْهَا دَامَتْ وَدَارَتْ قَبْلَ مَا ذُكِرَتْ بَعْدَ مَا فَقَدَتْ مِنْهَا إِلَيْهَا تَلَأَلَتْ وَعَنْهَا بِهَا تَلَجَّلَجَتْ وَإِلَيْهَا بِهَا تَحَاكَمَتْ وَبِهَا تَمَّتِ الرَّوْجِيَّةُ وَخَلَقَتْ الْإِنِّيَّةَ وَذَكَرَتْ الْمَشِيَّةَ بِذِكْرِ الْهَنْدَسَةِ الْإَزَلِيَّةِ الْأُولِيَّةِ فَهِيَ هِيَ لِأَزَلِيَّةٍ أُولِيَّةٍ وَلَا أَبَدِيَّةٍ آخِرِيَّةٍ بَلْ هِيَ هِيَ مُشْرِقَةٌ مِنْ شَمْسِ الْإِحْدِيَّةِ لِأَمْعَةٍ مِنْ عَزِّ الصَّمْدَانِيَّةِ بَاقِيَةٌ بِقِيَاءِ الْهَوِيَّةِ الْجَبْرُوتِيَّةِ فَيَا هِيَ نَعْمَ الطَّرَازُ مِنْ كَيْنُونِيَّةِ الْإِلْفِ الْبَيْضَاءِ ، بَعْدَ النُّقْطَةِ الْمُنْفَصِلَةِ عَنِ الْإِبْدَاعِ فَهِيَ هِيَ طَرَاظُ الْبِهَاءِ فِي رُكْنِ الثَّنَاءِ وَهِيَ هِيَ طَرَاظُ الصَّفْرَاءِ فِي رُكْنِ الْقَضَاءِ وَهِيَ هِيَ طَرَاظُ الْبَدَاءِ فِي رُكْنِ الْخَضْرَاءِ وَهِيَ هِيَ طَرَاظُ الْبَدَاءِ فِي رُكْنِ الْحُمْرَاءِ إِنْ قُلْتَ حُمْرَاءَ فَطَرَزْتَ الصَّفْرَاءَ بِالْبَيْضَاءِ وَإِنْ قُلْتَ خَضْرَاءَ فَطَرَزْتَ الْبَيْضَاءَ بِالْحُمْرَاءِ فَيَا طُوبَى هِيَ هِيَ مُحَمَّرَةٌ أَزَلِيَّةٌ مَبْيُضَةٌ صَمْدِيَّةٌ مُحَضَّرَةٌ أَبَدِيَّةٌ مُصَفَّرَةٌ مُلْكِيَّةٌ فَهِيَ هِيَ تَكَرَّارُ النُّقْطَةِ فِي الْإِلْفِ الْبَيْنُونَةِ مِنْ مَبْدَعٍ قَدِيمِ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ

وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي تَجَلَّى لِلْكَائِنَاتِ بِطَرَاظِ الْبَاءِ الْبَيْنُونِيَّةِ الْمُنْفَصِلَةِ مِنَ الْإِلْفِ الْبَيْنُونِيَّةِ الطَّائِفَةِ حَوْلَ نُقْطَةِ الْإِبْدَاعِيَّةِ الَّتِي لَهَا بِهَا إِلَيْهَا وَجَدَتْ وَذُكِرَتْ وَدَامَتْ وَاسْتَقَامَتْ وَتَدَاخَرَتْ وَتَلَاطَمَتْ وَتَمَوَّجَتْ وَتَحَرَّكَتْ وَاسْتَقَامَتْ وَسَكَنْتْ وَاسْتَدَامَتْ فَمِنْهَا بِهَا إِلَيْهَا تَلَأَلَتْ وَعَنْهَا بِهَا إِلَيْهَا تَلَجَّلَجَتْ وَبِهَا

تحاكت ومنها تراضيت واليها تحاسبت فشهقت وحملت ثم وضعت كسراتها عريانا نهى هي شقى
 فى بطنها مايشقى فى باطنِ الرَّابِعِ وهى هى سعيدٌ فى بطنها من يسعد فى ظاهر الباطن فىا هى نهم
 الطراز فى طمطامِ القضاءِ بعد القدرِ فى الامضاءِ وقبل البداءِ فى البهاءِ التى جلت وتعالّت وعلّت
 وقالت سبحانك اللهم يا ربّ المشيئةِ وأختها وخالقِ القدرِ وبنائها ان تُصلى على محمد وآل
 محمّدٍ وافتح اللهم ابوابَ ذلكَ الكتابِ من نفحاتِ قدسِكَ وعلاماتِ قدرتكِ و دلالاتِ
 عظمتكِ ومقاماتِ بهجتكِ وآياتِ وحدانيتكِ انك تمنّ على من تشاء بذلكَ الكتابِ كما تشاء
 بما تشاء وتمنعَ حكمك من اعرض من ذلكَ الكتابِ بما تشاء كما تشاء بما تشاء لارادَ لامركَ و
 لا رجعَ لحكمك ولا نصيبَ من الخيرِ لمن احتمل الشكَّ بعدَ ذلكَ الكتابِ فبحقِّك لانك
 قدبينتَ وعظمتَ وكرمتَ وقدرتَ واحصيتَ وفسرتَ وشرحتَ كلَّ ما اردتَ فى حقِّ الامكانِ و
 ما يمكنُ فيها بيدى عبدك هذا بعد ذكر العينِ واللامِ والياءِ محمّدُ لُجّةِ الاحديةِ من دخلَ به ويخرجُ
 من وجهِ الاحديه من يخرج منه فلك الحمدُ يا الهى حمدا شعشعانياً لامعاً متقدسا متلامعاً متنزهاً
 متلئلاً متعالياً متلجلجلاً بما تُحبُّ لنفسك وانت تستحق به كفضل نفسك لنفسك حيث ولا يعلم
 بذلكَ احدٌ من خلقتك وان منكَ المجد لمحمّد صلواتك عليهم طهراً طاهراً دائماً لامعاً سرمداً
 زاكياً ابدا بتشعشع شعاع شمس ازليتك وبتلئلاً تلتلاً وجه صمدانيتك وبتلجلج بروق لمعانِ برق
 جبروتيتك وبتقدسِ تقدسِ عزّ كينونيتك كما انت تعلم فضلهم ولن يحيط بعلمهم احدٌ سواك
 اذ انك قد فضلتهم على الكلّ بفضل نفسك وانك ربّ العزة على الخلق اجمعين

الا يا ايها الناظرين الى تلك الورقاء المشرقة من شجرة السيناء النازلة فى صفحات الواح ذلك
 الكتابِ البيضاء ان اتقوا الله واصمتوا ولا تقربوا الذى قد فصلت من شجرة اذا نقر فى الناقور واطاء
 الديجور وزالت الشمس فى افق الظهور فاياكم اياكم اذا صاح الديك فى ارض العماء وغنت
 الطيور فى جو الهواء وتشهق الطاؤس عند مطلع السرطان فهناك غنت الورقاء بالثناء وجلت النهار
 بالضياء ومطلع الفجر بالخيط البديعة البيضاء واستقام على العرش نور كلمة الحمراء فاياكم

يا اهلّ البيان اذا نشرتِ الاشارةُ من شمسِ البهَاءِ ودلتِ الدلالةُ من امضاءِ القضاءِ فحكّتِ المرآةُ
 فى وجوه الآياتِ بالبداةِ فحينبذ زال الزّوالُ فى منطقةِ الثنا على الطّورِ السّيناءِ بالنّورِ المتجلّيةِ الحمراء
 فاناذا احشر بين يدي اللهِ واقولُ حَسْبى اللهُ لا اله الا هو انا لله و انا اليه راجعون وان بمثل ذلك
 فليعملِ العاملونَ فسبحانك اللهمّ الذى ارفعَ من اقلامنا الحزنَ ويدخلها فى جنّةِ عدنٍ بالثناءِ لنفسه
 اللهمّ انك لتعلمَ فى يومِ الذى اردت انشاء ذلك الكتابِ قد رايتُ فى ليلتهِ بانّ ارضَ المقدسةِ
 صارت ذرّةً ذرّةً وانها رُفعت فى الهوَاءِ ثمّ جاءت كلّها تلقاءِ بيتى ثمّ استقامت ثمّ جاء بعد ذلك
 خيرُ فوّت الخليلِ العالمِ الجليلِ معلّمى رحمةِ الله عليه من هُنالك ولقد اخبرتُ بعضَ الناسِ قبلَ
 الخبِ بنومى وصلى الله عليه بجوده انا لله و انا اليه راجعون لاحولَ ولا قوّة الا باللهِ العليّ العظيم.

توقيع يا رساله ذهبيه

ص ٧٠

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله الواحد الاحد الفرد القهار الصمد الوتر الدائم الجبار و الحي القيوم المتعال
المختار و المقتدر العادل الغفار الذي خلق بامرہ جوهريات الاسرار للمقربين من الابرار الذين
يستقرون على سرائر الحمراء فوق عرش اللاهوت و يسبحون الله خالق الاسماء و الصفات بما خلق
الله في كينونيات الابرار بحكم الاختيار.

و الحمد لله الذي فتح باب المجرة على قلوب الصافين من اهل العماء و البشر المحجبين من اهل
السناء الذين جعل الله عرفانهم في حل قصبات الثالثة من اجمة الجبروت و قدر الله لهم دار القرار
فيها بنفى الاغيار عن ساحة قرب طلعة ظهور الذات للذات بالذات بسر العدل في الاختيار .

و الحمد لله الذي نزل الحكم للذين يتكئون على رفراف الخضر في اجمة الملكوت و جنات الملك
و يعرفون اشارات شجرة القدوس في ظلال مكفهرات الافريدوس من الكينونيات في الدلالات و
الذاتيات في المقامات و النفسانيات في العلامات و الانيات في الآيات و المتجلجات في
الظهورات و المتثلثات في الشئون و المتقدسات في البروزات و المتشعشات في العكوسات و
المتلامعات في المنقطعات من الواح ياقوت الحمراء ليميزن عند طلوع شمس البهاء من وراء طمطم
يم القضاء كل الفجار من اهل الفرار عن الاخيار من اهل القرار و ليعلمن الكل في تلك الفتنة
الصماء الدهماء العمياء البكماء الغبراء الصيلاء الجهناء الطخياء الظلماء حكم البداء بعد القضاء و
الامضاء في نفس القضاء ثم البهاء و الثناء و السناء من اهل الانشاء للآية المتجلية عن طلعة الحمراء
من آيه ركن الخضراء ليهلك من هلك عن بينه بما نزل الله في القرآن في شان الفجار حيث قال و
قوله الحق هذا فليذوقوه حميم و غساق و اخر من شكله ازواج هذا فوج مقتحم معكم لامرحبا بهم
انهم صالحوا النار قالوا بل انتم لامرحبا بكم انتم قدمتموه لنا فبئس القرار قالوا ربنا من قدم لنا هذا

فزده عذابا ضعفا فى النار وقالوا ما لنا لانرى رجلا كنا نعدهم من الاشرار اتخذناهم سخريا ام زاغت عنهم الابصار ان ذلك لحق تخاصم اهل النار قل انما انا منذر وما من اله الا الله الواحد القهار رب السموات والأرض وما بينهما العزيز الغفار ويحيى من حي عن بينه بما نزل الله فى الخطاب لمن نادى ربه انى مسنى الشيطان بنصب و عذاب قال وقوله الحق فى فصل الخطاب هذا عطاؤنا فامنن او امسك بغير حساب وان له عندنا لزلفى وحسن مآب اركض برجلك هذا مغتسل بارد و شراب وخذ بيدك ضعفا فاضرب به ولا تحنث انا وجدناه صابرا نعم العبد انه اواب هذا ذكر وان للمتقين لحسن مآب جنات عدن مفتحة لهم الأبواب متكئين فيها يدعون بفاكهة كثيرة و شراب وعندهم قاصرات الطرف اتراب هذا ما تدعون ليوم الحساب وان ذلك ذكر لمن ذكر بما ذكر ربه فى كتابه انما تنذر من اتبع الذكر وخشى الرحمن بالغيب فبشره بمغفرة واجركريم

فله الحمد بما اشهدني على صحف المقربين من الابرار والواح المستضعفين من الاخيار وان له الحمد فى ذلك الحين حمدا شعشعانيا لامعا متقدسا منزها عن درك ما سواه بما نزل عليّ الحين فمن هو اعلم به منى واليه اشكوا ممن لا ينصف بذكر الاولى عند آيات الكبرى اللهم انك انت الله لا اله الا انت وحدك لا شريك لك قد كنت بلا وجود شيء معك ولا تزال انك كائن بمثل ما كنت ولم يك فى شان فى ربتك شئ اذ ذاتيتك مقطعة الجوهريات عن العرفان وان انيتك مسددة الماديات عن البيان وكيف احصى ثناء كبريائك وان ما سواك لم يقدر ان يعرفوا شيئا مما انت عليه من الشان والوحدة والجلال والعظمة وان كل وصف لطلعة حضرتك افك وكل نعت بغير كبريائيتك كذب لم يزل لن يعرفك شيء و لن يوحدك عبد اذ حق العرفان بعد الاقتران و شان التوحيد بعد الافتراق لم تزل كان واصف نفسك نفسك من دون تحويل ولا تغيير ولا تبديل ولا انتقال ولا تزال ذاتك توحد ذاتك بما لا يقدر ان يعرفه احد سواك فسبحانك سبحانك يا الهى ان قلت انت فقد حكى المثل بالمثل وانك فى الحين تكذبنى وكل الموجودات بان طلعة انية التى انت ذكرتها فى تلقاء مدين الجلال هى شان الابداع وحظ الاختراع ولم يزل انه هو منزه عن نعت الموجودات

و عرفان الممكنات و ان قلت انه هو هو دلت الاحدية ذات المشية و هى بنفسها منقطعة عنك
بابداعها لا من شيء و لا يدل الا على نفسها و لا يحكى الا عن انيتها فان كان شان الهاء هو الفناء
فكيف اذكر شان الواو فى تلقاء مدين الثناء و انا بعزة ذاتك ما ادعيت توحيد كنهك و لا عرفان ذاتك
و لا ثناء كينونيتك و لا مجد نفسانيتك و لا بهاء انيتك بل من يوم الذي خلقتنى نزهتك بان الاشارات
منقطعة عن ساحة قدسك و ان الدلالات ممتنعة عن طلعة حضرتك و ان التنزيه و لو كان شانا من
الوصف و لكنى بعزتك ما اردتك الا نفى البحت فى تلقاء تجليك فآه آه من ذكرى نفسك و توحيدى
ذاتك فاشهدك و من لديك من الاشهاد بانك لو تعذبني جزاء ذكرى نفسك سرمد الابد بدوام ذاتك
بكل نعماتك و سطواتك لكنت محمودا فى فعلك و مطاعا فى حكمك و عادلا فى قضائك و اننى
انا لكنت مستحقا بذلك من اخذك و ما احاط علمك به مما لا يعرفه احد سواك و لما كان حكم
اعظم حسناتى لديك فكيف يكون حكم سيئاتى و جرياتى التى لا يحيط بها علم احد سواك و ان
كلها قد ذوت من وجود نفسى فيها انا ذا يا عادلا فى الحكم و يا محمودا فى الفعل القيت نفسى
لديك و استشفعت بجنابك لديك و هربت من عدلك اليك و ارجوا عفوك منك و حدك لا شريك لك
فادخلنى يا الهى على بساط قرب حضرتك حتى لا اري معبودا غيرك و انسى كل معروف سواك و
استقر فى حرم قدسك و استلذ بذكر ربوبيتك و استغفرك من كل شيء يحجبني عن طلعة جمالك فى
الهي هب لى ذروة الانقطاع اليك و بلاغ الامتناع لديك و الحقنى بنور الابهج من عزك و ارفعنى
الى جوار انسك حتى لا احزن فى الدنيا من الذين لا يرجون ايامك و لا يخافون من عذابك و لا يرضون
بقضائك و انك يا الهى لتعلم بانى ما احب ان احب بما تحب و لا ان ابغض الا بما تبغض و قد
احاط علمك بي و انك شاهد على بانى ما اردت بشيء يتوجهون اليه اهل السبحات و ما اري شرفا
و عزا الا بذكرك يا موجد الاسماء و الصفات و لقد حدثت الناس بنعمتك التى انعمت عليّ ما لا يوت
به احد من شيعة ائمة العدل و وفيت بعهدك و ان الان لترى حكم كل حزب بما لديهم فرحون فيوما
يرفع بعوضه جناحيه لاظهار قدرته و يوما يطير ذبابة فى هواء ملكه لاظهار قوته و انك لتعلم لو انى

اردت ان اعلم الكل بما يريدون ولا يتذكرون فلا يكفهم مداد الابحر لان الحق عندك وكل من ارادك
بمثل نورك ظاهر باهرو وانى انا اقل من ذرّلات حصى علمك ادنى من نفسى فكيف لا اصبر وانك
بما انت عليه من الشان والقدرة والجلال والعظمة قد صبرت بما افتري النصراري بانه ثالث ثلثه و
ما قالت اليهود بان عزيز ابن الله وما قالت الاعراب بان الله فقير ونحن اغنياء فقلت وقولك الحق
سنكتب ما قالوا وقتلهم الانبياء بغير حق ونقول ذوقوا عذاب الحريق وانك يا الهى لتعلم ان قول
الذين يقولون فى حقى ما لا قدرت فى علم الغيب لى ولا اذنت لهم لى لافك محض ولا يضرنى
جحد من جحدنى ان انت ترضى عنى بل ان الذين يجحدون آياتك لو يعلمون بما انت مددت لهم
ليقولون يا حسرتا على ما فرطت فى جنب الله فياليتنى مت قبل هذا وكنت نسيا منسيا اللهم لا راد
لقضائك ولا نفاذ لآياتك فانزل اللهم على الذين يريدون ان يجحدوا اوليائك كلمة الانصاف
ليحجبهم عن الفناء فى تلقاء مدين يم الثناء واهد منهم ما تشاء كما تشاء اذ قلت وقولك الحق
يمحو الله ما يشاء ويثبت وعنده ام الكتاب اللهم انى استغفرك من الذين يريدون وجهك واشتبهت
السبيل على انفسهم بان تعرفهم منهاج محبتك وتؤيدهم عرفان باب رحمانيتك ولا تقبضهم الا و
تطمئن افئدتهم بشنائك وقلوبهم بذكرك ونفوسهم بعفوك انك انت الله عماد السموات والارض و
انك انت الله جمال السموات والارض وانك جلال السموات والارض وانك انت الله بهاء
السموات والارض ولا يتعظم قدرتك شىء فى السموات ولا فى الارض وانك انت العزيز الرحيم
واشهد يا الهى فى ذلك الحين لكل ما تحب كما تحب ولكل ما تسخط كما تسخط واقول بما
نزلت فى القرآن لا اله الا انت سبحانك انى كنت من الظالمين وانى اشهدك يا الهى باننى الان
اسمى هذه النسخة المباركة ذهبية لتخلص الدلالات عن ذكر الاشارات فى تلقاء الجلال ويجذبها
الى ساحة القدس والجمال .

وبعد يا أيها الجواد المرسل ماء المداد فى الالواح السداد من الذي أراد الارشاد لاهل البلاد الى
طلعة الفواد وسرّ الايجاد ان اتق الله من حكم رب العباد فان يوم الفصل هو الميعاد وانه هو لم

يعرفنى ولايرانى ولو اطلع بما الهمنى الله وأراد حق الخالص لايجعل كلمات الفرار للإشارات عن دار القرار ببينة الآيات فوالذي نفسى بيده ان قول الذي انه حكى فى كتابه من ابناء جنسه باتيان المثل افك وكذب وبهتان وزور فما لك وذلك الكذب من قولهم كبرت كلمة تخرج من افواههم ان يقولون الا كذبا فلعلك باخع نفسك الى آثارهم ان لم يؤمنوا بهذا الحديث اسفا الا ان العدوان على الظالمين وان لعنة الله على الكاذبين وانه هو بنفسه مع كبر شاناه الذي ذكر فى غيابة كلماته و عظم مقامه الذي اشار فى دلالات عباراته قد كتب جزوين بلا دليل ولم يات بايه بديعة من الفطرة كانه هو لم يلتفت بشانها ولا يتذكر بحكمتها قل يا ايها الانسان انصف في بين يدي الله ولا تتبع اهواء الذين كفروا فانك اليوم لما اردت المبارزه فى ميدان الجدل فارم اليّ ما استطعت بكل قوتك وصيصيتك وقدرتك فان اليوم كل الطير لا يرقى اليّ وانى احاج معك بحكم الذي نزلنا فى جواب خطابك من قبل لو جعلت الدليل ذكر الروايات بمثل ما فعلت فى كتابك فانى فوعزة ربك قد كتبت اكثر منك فى كتب المعروفة وان جعلت الدليل الفصاحة فى الخطبة المذكورة فانى فوربك قد انشأت خطبا لم يذكرها احد من قبل ولم يقدر اليوم احد كما الى الان قد جرت من قلمي ستة ثلاثين صحيفة فى المناجات والخطب والإشارات القدوسيه والعلامات السبوحية والمقامات الافريدوسيه والآيات الجرسومية وان جعلت الدليل الدرّيات فى بيان الإشارات فى مقامات اللاهوت والجبروت والملكوت والناسوت فانى الله يعلم قد ذكرت اكثر منك بشأن لم يقدر احد ان يعرفه الا من شاء الله وان اردت ان تطلع به فاقراء صحف الدعوات فان بها يميز روح المناجات عن ذكر الحكايات وان جعلت الدليل كثرة البيان فانى فوعزة ربك لاقدر ان اكتب فى ستة ساعات صحيفة محكمة بدون تأمل وسكون قلم فى الاظهار كما ثبت الميزان بين ايدى رجال الاعيان فمن اليوم يقدر بذلك او جاء احد من قبل وان ذلك كان حجة الكبرى لمن اراد ان يتذكر او يخشى وان جعلت الدليل سبل الرياضات والجزبات فان الله يقدر ان يبلغ عبدا الى مقام غايه الامكان و فيض الابدان وبدون تلك الاسباب لانه يفعل ما يشاء كما يشاء وان قولى بذلك مسامحة فى ذكر

الاستدلال و الا ان الشرف تلك المقامات هو البلاغ لمقام عرفان تجلى الذات فمن بلغه الله بغير تلك الأسباب لا حاجة له بهما و ان جعلت الدليل حب الله و سر الربانية و هيكل الصمدانية و النور الالهية و الصورة الانزعية المتنزهة عن آثار بلدة الخبيثه و الصفات القدسيه و الظهورات القيومية و الشئون الملكية و الدلالات الجبروتية و المقامات اللاهوتية و التجلجات الرحمانية و التلثات الالهية و البروزات الكينونية و التجليات الذاتية و النفحات السرمدية و ما خلق الله من ورائها فى عالم اللانهاية الى ما لانهاية لها بها اليها الله لشهيد عليّ و جعل لكل حق حقيقة و لكل ثواب نورا و انت اليوم تعلم ان ابناء جنسك من العرفاء من اهل تلك الأرض و دونها كل يدعون ذلك المقام بعد ما ان بعضهم يجحد بعضا و كذلك الحكم فى الشريعة ان اليوم كل الفقهاء يدعون مقام الحكم و يجعلون بنصّ الحجة جحد انفسهم جحد الله سبحانه مع ان بعضهم يلعن بعضا و انت بحق من كان حقه عليك اعظم من كلّ شيء فانصف ل تتامل فمن اين يحقق الحق و يبطل الباطل مع ان كل حزب بما لديهم فرحون لو تريد بجحد احد فتجحده و تجعل ادلاء نفسك آيات القرآن و احاديث اهل البيان و ظهورات جذبات الانسان و انه لما اراد ان يجحدك فيجحدك بمثلك بالادلاء المشيرة و ان الحق لا شك فى امره انه لو خالص عند احد لم يكذبه احد و الباطل لا ريب فى حكمه بانه لو لم يمزجه بالحق لم يصدقه فاعوذ بالله القهار من شر كل شيطان هماز الذي اعرض من آيات الجبار بكلمات الفجار و ان اليوم انى اري مقام بعض المشركين فى الايمان ادنى من مبلغ كفر فرعون لانه لما اراد ان يجحد حجة ربّه اتى بشيء من السحر و انهم مع انهم لم يقدروا ان ياتوا فكذبوا الحق و جعلوا انفسهم من قوم بور جاهلين و لاتخطر ببالك يا ايها الانسان ان من ذكر اشاراتى للذين انت تعلم مقامهم و تطلع بفعالهم عبادا فى المحبة فانى كما انه كتب قوله عرفته ذا صدق و لكن احبّ ان يرحم عليّ بانصافه بان اليوم هل يثبت الحق بغير ميزان ام لا فلا شك بذلك ان امر الحق له ميزان من عند الله و الا لم يغلب الحق على الباطل و ان امر الذي كان من عند الله قد نزل الله معه علامات لاتشبهه بغيره و لا يقدر ان يكسبه احد من عباده فان كان شان آيات التى اكرمنى الله و جعلها حجتى

شانا يمكن بالتكسب فان الان قد مضت ثلاثة سنة كيف لم يكتسب احد بان يقدر ان يقرء آيه بالفطرة وانك يا ايها الانسان فكر لمحة ان حروف الهجائية يكون بيد الكل وان الذي يكلم ويقول لو اجتمع الكل على ان ياتوا بمثل كلماته لن يقدرها ولن ياتوا وان يقدرها فكيف لن ياتوا ولم ياتوا فكيف لم يصدقوا امر الله فسبحان الله عما يشركون فانت انصف يا ايها الناظر ان اليوم انك تصلى باحكام آيات القرآن وتصوم وتحج وتنكح بها فكيف اليوم انت تجحد امرا جعله الله للذين كفروا بائمة الدين من قبل وان اليوم لامفر لمن آمن بالقرآن الا بان يصدق تلك الآيات ولكن لا تشبه الامر على نفسك بان حكم تلك الآيات مثل القرآن لا وربك ان وجودي وآثاري كلها معدومة عند حرف من القرآن والادعية الماثورة من آل البيان والاحاديث المشرقة من شمس الامكان وان لا وجود لي الا في رتبتي ولا نصيب لي الا في مقامي وان الله كما جعل الارواح معاني الاجسام فكذلك قد خلق الله المعاني ارواح الالفاظ وعلى الكل فرض بان يميزوا بين كلمات اهل سلسلة الثمانية لان كلمه سلسلة الثانية عرض وشبح بالنسبة الى السلسلة الاولى فانظر الى ذلك المرآة نزل الله في القرآن الم وان رسول الله كتب الم وان الائمة كتبوا تلك الكلمة بمثله وان اليوم انت تكتب تلك الكلمة وان الصور عند الذين لا يشهدون حكم الواقعي واحدة مع ان صورة الم الذي انت تكتبه معدوم عند الم الذي كتبوه آل الله وكذلك الحكم في مقام الم الذي كتبه رسول الله في تلقاء ما نزله الله في القرآن وان علي ذلك المنهج البيضاء اشركوا اكثر الناس بآيات ربهم ولعدم علمهم بتلك الرتبة لم يقدرها ان يميزوا بين تلك الآيات وآيات القرآن ولذا ثقلت على صدورهم اكبر من خلق السموات والأرض وانهم ان ينظروا بالواقع ليشاهدوا الامر في مقام العدل ويميزوا بين كلمات العدل والفضل وانك يا ايها السائل ان اعرف ما ايدناك واعلم بان الله قد احتج في كتابه بقوله لمن اراد ان يجحد حجته فاتوا بحديث مثله ان كانوا صادقين وانك ان كنت صادقا لم تات ابدا وان الكاذب لو لم يات لم يك في مقام الجحد نافعا وعلى التفسير الذي قال العسكري في شرح البقرة فسّر الحكم بان يكون اميا بمثل رسول الله ومن لم يك اميا فليس اتيانه بحجة واننى انا اقول للكل

اننى انا نات بالفطرة والقدرة كلماتا لو اجتمع الكل على ان ياتوا بمثلها لن ياتوا ومن يقدر ان ياتى
بآيه بالفطرة فرض عليه الى ما لانهاية بما لانهاية لان امر الذي كان مبدئه من الله لم يعجزه صاحبه
ولا يقدر احد ان يقاومه وان كل الاعتراضات فى كتابك سفسطة محضه لان الدليل هو الذي القيت
اليك وان تحب ان تري كلمات الحجية فى مقام الميزان فاقره عند حبيبك فان بها يحق الله الحق
ويبطل الباطل ولو كره المشركون وان ما ذكرت لك فى تلك الاشارات هو شان اهل السبحات و
لكن حكم اهل الجلال فى عالم الحد لم يظهر الا ببيان وكلام كما نزل الله القرآن لذلك وان ما
انه ذكر فى كتابه بان اليوم ليس الحجة البيان بل ان الحجة هى الاظهار بالقوة عما يعجز الناس عنه
فلم يفرق بين ذلك الحكم قوله لان التصرف فى كل شيء الي ما لانهاية بما لانهاية لها بها هو جسد
وشان الاجسام بل اليوم لو ان احدا يتصرف فى قلبك او جسدك او جحارة او فى الحروف بشان
لا يقدر احد لم يتفاوت فى الحكم وانت ان تصف بصرك وتديق نظرك لتعرف فى حكم تلك الآيه
افمن كان على بينة من ربه وفى غيره قول الله عز ذكره قل لو كان عندي ما تستعجلون به لقضى الامر
بينى وبينكم والله اعلم بالظالمين وان لكل حرف من كتابه ان اردت بيانه لتفنى البحور ان كان
على صراط الحب الذى هو اصل للايمان وشجرة الايقان وان اردت بشان ابطال اقوال الظانين و
المكذبين المفترين فلكل حرف منهم ادلاء ما لانهاية الى ما لانهاية حيث يعرف الناظر الى لجة بحر
الاحدية كل ذلك بعين اليقين واننى انا اشير لكل مطلب منه رشحا خفيفا لثلا يجترح احد بعد ذلك
على امر الله ويجعله عند نفسه هينا وهو عند الله عظيم ولكن ما اردت رد كلمات التى جعلها منسبها
هدية لك بل انه اجل مقاما من ان يشتبه عليه تلك الاشارات بل كلما كتب فى حكم العلامات ما
اراد الا قول الذين يقولون من الناس بشهادة ما كتب فى كتابه هذا واننى انا لما نحب الا ان يثبت
الحق بالحق ويبطل الباطل بالحق افسر بعض ما ذكر من قول الذين يقولون ما لا يتفقون ليكون
حجة للمؤمنين وكلمة بالغة للموحدين وآيه للخاشعين ونقمة للمعرضين فهذا انا ذا بعد اثبات الامر
بانه كلما كتب لا ينفذ فى مقام ميدان الجدال لانه لو كتب صفحة او آيه بشان الآيات لي ليكون فى

مقام الاستدلال لا نفع من ان يكثر الكلام ولا يستغني وانت يا ايها الانسان فارم اليه فى تلقاء المبارزه بمثل ما انه رمى فى حقلك لان بغيره لا يثبت الحق ويكثر الكلام و عليك يا ايها الناظر بالانصاف والحب فان ذلك حكم الدين ولا تصعب على نفسك الامر وفكر فى مقام الميزان ان استطعت بالمبارزه فخذ القلم واجره على الالواح والاشان الجواب فى مقام العلم بكلمات اهل الرسوم لا ينفع احدا ولو كان حقا وانى ما كتبت ذلك الكتاب لك فى مقام الميزان ولا احتج به باحد من اهل البيان ولكن لما اشبهت على نفسه امر الحق واراد ان يتذكر وتهتدى لاقول ان كل الشبهات اهل الجمال واعتراضات اهل النقل يرجع بصحة الميزان وعجز اهل البيان انظر بطرف اليقين فان ما اشرت بان ذلك شان مثل علماء المسلمين فى علومهم فهيات هيات من ظنك فكيف تبدل روح الملائكة فى نفسك بروح الحيوانية انى ما جعلت علم الاكسير حجتى ولا علم الهندسة برهاني بل جعلت الحجة شيئا باذن الله لن يقدر احد ان يفر عنها الا ان يعرض من قبلها وانت ان تريد ان تقول فيها شيئا ففرض عليك بان تقول فى آيات الرحمن من قبل لان حجتى هي القدرة التى ناطقة من الفطرة بآيات التى لو اجتمع الكل على ان ياتوا بمثلا لن يقدروا وان انت تريد ان تقول كيف ولم وبم فات بآيه ان كنت من الصادقين فان ذلك حجة دين الإسلام فى احتجاج القرآن على جميع الملل المشركة وانت لاتفر من ذلك القسطاس فانه الميزان عند البيان وهو ميزان الذي نزل الله على محمد رسول الله وان به يثبت امر التوحيد والنبوة والولاية واحكام الحقيقه والطريقة والشريعة وانت اليوم تجادل به فدع سبل الدلائل واعرج الى مبدء الدليل الذي به تثبت النبوة والولاية والشريعة وهو الكلام الذي نزل الله على حبيبه وان دليل حجته هو عجز ما سواه ولا عرفانه لانك لن تقدر ان تعرف الفصاحة الواقعيه الجارية من خزائن الفطرة وكلما نزلت نفسك من الآيات والعلامات والعبارات والاشارات هي فيها لطخ لكثرة ظهور الكثرات فى نفسك بل ان حجته كتاب الرحمن قد ثبت بعجز الكل لا بعرفانه وانك يا ايها الناظر الي تجليات سماء الفردوس لاتصغر امري فان القدرة من ورائها محيطه وانت مع مجاهدتك قد كتبت سطرين فى آخر خطبتك

وهي بعض سطر منها محض آية القرآن وغيرها مركبة غير فصيحة قد وقع منه بفصاحة الواقعة حرفان وان ذلك كلمة غير الفطرة لا سواها وان ما ذكرت من لحن القول وعدم الربط هي من جهل الناس كما قالوا فصحاء الاعراب من قبل بان القسطاس والتنور والسجيل كلمات اعجمية وان بعض الكلمات قصص الإولية وان ما بين آية والسماء رفعها ووضع الميزان ليس ربط ظاهرية وان فيها نزلت غير قواعد عربيه مثل قوله عند ذكره وكلمه منه اسمه المسيح ثم قوله وانها لاحدى الكبر ثم قوله ان هذان لساحران وكل كفروا بالله فيما قالوا لان الميزان هو ما نزل الله في القرآن وليس اهواء المعتدين من القوم وان اليوم علماء الاعجمين لاشك ليس عندهم فصاحة فطريه مثل الاعراب فلما انهم قالوا ما قالوا فلا عجب من قولهم ولكن الفرق انهم اليوم مومنون بها وان الذين استهزؤا بها فى صدر الاسلام كانوا كافرين بها ان اتق الله يا ايها الانسان وفكر لمحة فى ميزان البيان فانى ما اردت ان انسخ شريعة ولا ازيد عليها حرفا بل باذن الله اظهرت نعمة التى انعمها عليّ ليهلك الذين كفروا بائمة العدل بحجة حق مثل ما آمنوا بمحمد رسول الله ويرجع اختلافات الدين الى نقطة واحدة و يكون الكل بذلك من المسلمين فوربك ان الذين يفترون عليّ غير حكم القرآن وسبيل اهل البيان ولو كان بقدر حرف فاولئك هم اصحاب النار فى كتاب الله واولئك هم الخاسرون ولو انت تطلع بما اكتسبت يداك فى كتابك لتضج ضجيجا لا يسكنه شيء لان عليا ع قال من احتمل ذنبا فكانما احتمل كل الذنوب و اي ذنب هو اكبر من الكذب من عند الناس عليّ بغير بينة فلعن الله الذين يقدر ان ياتوا بحديث ما نزلنا فى الكتاب ولم ياتوا او يعلمون ان احد من اهل الارض ليقدر بذلك ولم يظهروا والله يشهد على كل شئ ولكن اكثر الناس لا يشكرون فكيف اظهر ادلاء الحقه لبطلان الذين افتروا عليّ فاننى انا قلت قولنا هذا بان على الله حقا لو لم يكن المدعى ناطقا من عنده بان يبطل حجته بمثل ما جعل المدعى حجة وانت فوربك فانصف ان هذا القول هل ينكره احد من اولى الالباب بل انها مسلمة عند الكل فلم ادر ان المجذوب المحبوب عندك فكيف يقايس ويعارض بذكر الكاذبة مع ان بعد المناسبة لا يحصى احد لا من جهة الدعوي ولا الحجة ولا البيان

لانه ادعي امرا كان دعواه **مكذبة** ولا له حجة يعجز كل الناس عنه و ان الله قد ابطله بظهور آياته و بيناته و ان اليوم ليست الدعوي الا نفس العبودية مع ان ذكر العبودية عند اهل الحقيقة ذنب عظيم لان لا وجود لحقيقتي عند الحجة حتى أكون عبده ولكن فى مقام التجلى و ذكر المتجلى لا ادعيت الا العبودية المحضه و كل اسماء الخير فى رتبها هى صفة لها و ان شان المؤمن كما صرح فى الاخبار هو ان لا يوصف كما ان الحجة لا يوصف و انت لو تريد ان تعمل بقسمى فى الكتاب و تفرغ فوادي بالخطاب فانصف اولاً و دع كثرة العبارات فان بها يحجب المطلب فان ثبت الميزان ليصح به كل الشئون و ان لم تثبت فانى لا اجعل المناجات و لا الخطب و لا العلوم و لا الظهورات الكليه حجة لمثلك و لو كان كل ما يظهر منى لما كنت امياً من تلك الدلالات ليكون حجة على العالمين جميعاً و لا تضرب من قهر الكلمات فانى قد تركت المراء و لا احب مع ما كان الحق معي ان اجادل مع احد لانى باليقين لارى لا يقدر ان يقوم معي فى شان كلمات الحجية التى تجرى من لجة بحر الفطرة و طمطم ايم القدرة احد و لو يتفكرون فيما يقولون لينصفون و يعتذرون و ان ما ذكر فى مقام روح المناجات هو لب المطلب لكن قد اشتبه عليه فى اخذ النتيجة و ان الحق فى ذلك المقام الاعلى و المنظر الكبرى هو ظهور الذي لا اسم له و لا رسم و لا له بيان و لا شان انقطعت الجوهريات عن جنابه و امتنعت الماديات عن خطابه لانه هو مقام صرف تجلى الذات فى طلعة البحت و الحضرة البات و ان الذين يصلون بفضل الله الى ذلك النور الابهج البيضاء و الشجرة الالهية الحمراء و الدرية الاولى الصفراء و الورقة الازلية الخضراء ليقولون ما قال علي ع فى خطبه التطنجيه رايت الله و الفردوس راى العين و انهم لا يريدون الا روية طلعة المتجلى لهم بهم بالابداع كما صرح بذلك حديث الذي قال عز ذكره لما انه سئل من الله عز وجل هل يراه المومنون يوم القيمة قال نعم و قد راوه قبل يوم القيمة فقيل متى قال حين قال لهم الست بربكم قالوا بلى ثم سكت ساعة ثم قال و ان المومنين ليرونه فى الدنيا قبل يوم القيمة الست تراه فى ربتك هذا قيل فاحدثه بهذا عنك فقال لا فانك اذا حدثت به فانكره منكر جاهل بمعنى ما تقول ثم قدر ان ذلك تشبيهه كفرو

ليست الروية بالقلب كالروية بالعين تعالى الله عما يصفه المشبهون والملحدون وهم قوم لا يواريههم الحجبات ولا يعارضهم الاشارات ولا يساوقهم العلامات لو يرقدون على التراب ليشهدون عرش الجلال ولا يدلون فى شان الا عن الله ذى الجلال والجمال ولا يسكنون الا به ولا ينطقون الا عنه ولا يرون رجاء ولا خوفا ولا ذكر الا ذكر الله الاعظم الاجل الاكرم بل انهم هم المنزهون عن ذكر الاسماء والصفات من غيرهم فسبحان الله رب العرش عما يصفون وان ذلك رشح من علم ذلك المقام وانه فى اخذ النتيجة جعل آثار ذلك المقام من الكلمات حق الماء فتعالى الله رب الانشاء من حكم القضاء والبداء فكيف ما فعلوا آل الله بعد ان لا يشك احد فى ذلك المقام لهم حق صحيفة العلوية والسجادية حق الماء بل قرؤها وامروا الكل بقراءتها وان كان الامر عندك كذلك فكيف انه ما عمل بمثل ما كتب مع انه عند نفسه احق بذلك المقام الاعلى من غيره لا وربك ان مقام روح المناجات لم يثبت عند الخلق الا بتلك المناجات ومن لم يقدر ان يناجي ربه بمثل تلك الدعوات فما بلغ الى ذلك المقام لان اولى الالباب لا يعلم ما هنالك الا بما هيئنا قل فانشا صحيفه من مقام روح المناجات بالفطرة بين يدي بمثل ما اني انشأت بين ايدي الاشهاد وكفى بالله عليّ شهيدا و ان ما انه ذكر بان صاحبك ما اطلع بعلم الا بنفى الاسماء والصفات عن ساحة قدس الذات فو ربك لقال حق محض وارجوا الله ان يصلح امره بذكره ذلك المقام مع انه ما اراد الا نفي الذكر من جهة الاثبات وان ذلك لهو الشرف الكبرى والحظ الاوفى عندي وان به افتخر على كل الذرات مما خلقها الله فى رتبتي لان اصل الدين هو معرفة الله وان المعرفة تصعد وتخلص حتى بلغ الى منتهاه فى ذلك المقام كما قال على ع كمال التوحيد نفى الصفات عنه بشهادة ان كل الموصوف غير صفة و بشهادتهما بالثنوية الممتنعة عنه الازل وان ذلك لهو مقام كاف المستديرة على نفسها حيث ادب الكل على ع فى الخطبة المعروفة باليتيمية ان قلت مم هو فقد باين الاشياء كلها فهو هو وان قلت هو هو فالهاء والواو من كلامه صفة استدلال عليه لاصفة تكشف له وان قلت له حد فالحد لغيره وان قلت الهواء نسبه فالهواء من صنعه رجع من الوصف الى الوصف وعمى القلب

عن الفهم والفهم عن الادراك والادراك عن الاستنباط ودام الملك في الملك في الملك وانتهى المخلوق الى مثله والجاه الطلب الى شكله وهجم له الفحص الى العجز والبيان على الفقد والجحد على الياس والبلاغ على القطع والسييل مسدود والطلب مردود دليله آياته ووجوده اثباته ومن نظر في اشارات تلك الخطبة اليتيمية الغراء الناطقة من شجرة الثناء ليشهد بان وصف الممكن هو الممكن وان نعت المفتقر هو المفتقر وان الملك يدوم في الملك وان بذلك الشأن قال الرضا ع انما تحدد الادوات انفسها وتشير الآلات الى نظائرها وفي الاشياء يوجد فعالها الى آخر الحديث وليس لاحد شرف في الامكان الا بعلم القطع في بحبوحة تجلى البحث ومن لم يذق ذلك الماء لا حظ له في التوحيد ولا سبيل له في مقام التجريد وان اكثر حكماء الاشراقين والمشائين والصدرائيين والالهيين قد ذلت اقدامهم في بيان ذلك المقام وقد اشتبهت عليهم آيات تجليات الابداع بطلعة الذات ولذا ذهبوا بالقول الباطل في اعيان الثابتة في الذات لاثبات علمه سبحانه و بذكر بسيط الحقيقة في اثبات عليّة الذات و بذكر الربط بين الذات والافعال والصفات و بذكر وحدة الوجود بين الموجد والمفقود وان كل ذلك شرك محض عند آل الله ائمة العدل لان الله لم يزل كان عالما بلا وجود شيء بمثل ما انه كان حيا وكما انه لا يحتاج في حياته بوجود غيره فلا يحتاج في علمه بوجود معلوم وان الذات لم يزل لن يقترن مع شيء وان عليّة الممكنات هي كانت صنعه وهي المشية التي قد خلقها الله لها بها بنفسها من دون ان يمسخها نار من الذات وخلق الله الموجودات بها وهي لم يزل لا يحكى الا على نفسها ولا يدل الا على ذاتيتها وليس لله في الامكان آية تدل على ذاته لان كينونيته مفرقة الكينونيات عن العرفان وان ذاتيته ممتنعة الذاتيات عن البيان وان نسبة المشية اليه فهي بمثل نسبة البيت الى الله وهي نسبة تشريف الى الابداع لا الى الذات اذ انه مقدسة عن ذكر الاشارات والنسب والدلالات والعلامات والمقامات والتجليات والنفحات اليه وانه كما هو عليه لن يعرفه الا هو وان القول بوحدة الوجود و ذكر بسيط الحقيقة مشهود عند اهل العهود بطلانه لان الذي لم يك معه غيره فكيف يمكن ان يقول الكلام في وجوده بل الاشارات في عالم

اللاهوت و الجبروت و الملكوت و الملك هي لمكنسة القلوب و النفوس و ما يخطر فى الاوهام و كل وصف لله من دونه افك و كذب لان غيره لم يك عنده و لا يذكر فى رتبته و لا له وجود معه حتى احرف القول بالوحدة و لقد ابسطت الدلائل فى النسخة الالفين فى بيان سر الهاء لابطال قول هولاء الرجال و ان مبدء ذكر هذا القول هو فصل من محيي الدين اجل الله فى نعمته كما ذكر فى الفصوص و ان ذلك شرك محض عند اهل البطون و ان وصف الله لنفسه ثم وصف آل الله سلام الله عليهم و اهل البيان لله هو وصف غايه الإمكان للرحمن بان يصفه الانسان بالتقديس عن ذكر الاسماء و الصفات كما اشار علي بن الحسين فى دعائه لابي حمزة الشمالى الهى بك عرفتك و انت دللتنى عليك و دعوتنى اليك و لولا انت لم ادر ما انت و اشار اباه الشهيد روجي فداه فى مقام ظهور نوره و بروز طلعه فى قوله حيث قال عز ذكره الغيرك من الظهور ما ليس لك حتى يكون هو المظهر لك متى غبت حتى تحتاج الى دليل يدل عليك و متى بعدت حتى تكون الآثار هى التى توصل اليك عميت عين لاتراك و لاتزال عليها رقيباً و خسرت صفقة عبد لم تجعل له من حبك نصيباً و انك يا الهى لتعلم ما اردت فى ذكر تلك الاشارات الا ما انت فرضت عليّ فى حكم المقامات لئلا يشبهه الحق بالباطل و لا يظن احد فى حقى دون حبيّ لك و ان ذكرى آيات التحديد انك لتعلم ما قصدت الا لاظهار حجتك و ابطال ظن الظانين بالسوء عليّ مع انى قد ذكرت آيات رحمتك اكثر منها فاغفر اللهم لي و لمن اراد دينك الخالص و لمن نزل الهدية الى حبيبي فى لجة الفؤاد و له و لمن يلاحظ اثر المداد فى تلك الالواح و تعفو عنى ما لاتحب ان نذكره فى تلقاء الجلال بمنك و جودك و رحمتك يا ذا الجلال و الاكرام اللهم انك لتعلم ان وجودي ذنب فكيف اذا اكتسب الذنب ذنباً آخر ولكن لما وعدت بان تبدل سيئات المومنين بالحسنات فاسئلك اللهم ان تلهم لمن اراد ان يجحد حكمك لحبه فى رضاك كلمة الصبر و العفو فانى لا طاقة لي بان استمع من احد حرف لا و اليك افوض امري يا ذا الجلال و الاكرام و سبحان الله رب العرش عما يصفون و سلام على المرسلين و الحمد لله ربّ العالمين . انتهى

تفسير حرف هاء (هو)

ص ٩٩

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله الذي جعل طرز الواح الابداع طراز الالف القائم بين الحرفين الذي لاح و اشرق بما استشفق و استنطق ثم جعله آية الله لنفسه بنفسه من دون ان يمسه نار من كينونيته فقد شئت من قبل ان عينت و قضت من بعد قدرت و امضت حين ما قضت ثم اجلت و اذنت و احكمت ثم ملاءت بها الآفاق.

و الحمد لله الذي قد تكعب ذلك الحرف بالحرفين بما لاح ما لاح من نور شمس الازل التي عينت بعد ما شئت و قضت بعد ما قدرت و اذنت حين ما اجلت و احصيت ثم بها تجلي علي من في ملكوت الامر و الخلق حتي تاب من صعق في الطور الاول ثم افاق.

و الحمد لله الذي قد اتصل بامرہ بين ذلك الحرف بوجود النقطة تحت الباء ثم بخلق الباء بعد الالف ليميز بين الكل بما هم عليه من الامر و يسعد من يسعد بما وفي بالميثاق و يشقي من يشقي بما اتبع هواه و ينسى يوم الميثاق فان يومئذ يكشف الساق بالساق و يفصل الله بين الكل بما اكتسبت ايديهم و ما الله ربك بظلام للعباد و انه ليجزي الكل بما عملت ايديهم في يوم التلاق.

و الحمد لله الذي اشرق ما اطلع و الاح نور ما فتق بين الاجواء من عالم العماء ليدفن بعد صفة طير القضاء في اجمة اللاهوت و ديك الثناء في اجمة الجبروت و طاوس البهاء في اجمة الملك و الملكوت ليتلجلجن بغنائه علي اغصان شجرة الظهور و رناته في عساكر نحل الطور كل شيء في رتبته و ليسمعن ضجيج ملاح عن نور صبح الازل كل ما وقع عليه اسم ما جل و دق.

و الحمد لله الذي استشرق ما استنطق و استشفق ما استشرق و الاح و استفرق و استشهق و استنطق و جعل له حكم ورقة التي جلت و علت بعد ما خشعت و ذكت و خضعت و عظمت و تثلثت و

تلجلجت و تفارفت و تقارنت و تعاونت و تعاكست و تقابلت و تفاصلت بما استقامت و افادت و استدرات و اضائت و استبانة و ارادت و استباكت و اقامت و استلجلجت و الاحت و استنعت و اقلت و استشهقت و انارت و استصعقت و **افاقت** و قالت بمثل حوت متبلبل في التراب لا اله الا انت سبحانك تب اليك و انا اول التائبين .

و بعد فقد نزل للذاكر ذكر البديع من ذي الحسب الشامخ الرفيع و ذي الشرف الباذخ المنيع ما كان هذا صورته في الكتاب .

هو العزيز سيدي من علي بكشف الستر عن وجه الامر باي وجه تريد فان الحال قد اشتد علي و ليس و الله مقصودي الا كشف الحال . و انا ذا بين يدي الله اقول سلام الله عليك بما طلعت شمس الابداع بالابداع و بما غربت شمس الاختراع بالاختراع قد قرئت ما نزلت من سحاب سماء مشيتك و عرفت ما اشرت في بواطن مستسرات آياتك كانك اردت ان تكشف بكشف السر عن وجه المستور الا ما هو المستور في السطور كان بين يدك بمثل رق منشور و ان كان السر سرا يمكن ان يكشف عن وجهه حجاب المستور فانه هو في بين السطور مكشوف عند طلعتك بمثل نور الظهور و ان كان سر مجلل لا ينفعه الا السر و لا يفيد الا الستر و لا يكشف عن وجهه غوامض الاشارة في الامر فكيف يمكن ان اشير اليه و ان اول رتبة كشفه هو نفي الاشارة عنه و ليس لي اليوم لذلك السر كشف و لا امر و لا سبب الا ما ادب علي كميل النخعي في دعاء الخضر رب اغفر لمن لا يملك الا الدعاء فانك فعال لما تشاء يا من اسمه دواء و ذكره شفاء و طاعته غني ارحم من راس ما له الرجاء و سلاحه البكاء يا سابغ النعم و يا دافع النقم و يا نور المستوحشين في الظلم يا عالم ما لا يعلم صل علي محمد و آل محمد و افعل بنا ما انت اهله انك اهل التقوي و اهل المغفرة و لما كان لكل حرف من كتابك في سبيل العلم ظواهر و بواطن بما لانهاية الي ما لا نهاية لها اشير برشح مثل ما يطفح من بحر الاكسير بما اكرمني الله بمنه و لو اني لاعلم ان تلك القواعد المسطورة و الاشارات المعلومه

عند جنابك مكشوفة ولكن عسي الله ان ينزل في بواطن الاشارات ما يجرى من قلم المداد بما يجذبك الي ساحة القدس و الفواد و استغفر الله عما يحصي الكتاب في بين يدي الرحمن و انا لله و انا الي ربنا لمنقلبون يا الهي كيف اثنى ثنائك و انطق بين يدي طلعة كبريائك و انت لم تزل كنت بلا وصف شيء و لا تزال انك كائن بلا نعت شيء لن يعرفك بما انت عليه احد و لن يوصفك بما انت اهله شيء اذ ذاتيتك مقطعة الجواهريات عن البيان و ايتك مسددة الكينونيات عن العرفان ان قلت انت انت فقد حكت المثل بالمثل و انك في الحين تكذبني بل كل الممكنات بان من وجد بحكم الابداع فكيف يقدر ان يذكر ما لا ينعت بوصف الاختراع و ان قلت انه هو هو فقد دلت الاحدية ذات مشيتك و حكم الولاية كينونة ارادتك و هي منقطة عنك بابداعك لا من شيء و ممتنعة عن عرفانك باحتياجها في كل ان من شيء فكلما اصعد اليك ما اري لنفسي بلاغا الا الي الهبوط الي الياس و المنع و كلما اصمت و استغفر ما اجد الا ذنبا اعظم من ذنب الاول فبعزتك و جلالتك ما اري السبيل و لا اجد المقام للدليل و انك رب غفور جليل فاغفر لي فانك انت الغفور الرحيم اللهم اني اشهدك بما تشهد لنفسك و تشهد لما يحصي كتابك بما قد احاط علمك و بما نزل علي الان في كتاب مسطور ورق منشور من كتاب ذي حكم مشهور بما اراد ان يكشف سر المستور و يتلجلج بما تجلي علي الطور في افق الظهور و يشرب ماء الكوثر الطهور في تلك الظلمات الصماء الصيلم الديجور بما يعرف من قسطاس البيان من رب غفور من يدي عبد الذي جعله المعتدين في ذلك اليوم في بيت مستور رب لا يعزب من علمك شيء و لا يتعاطمك شئ في السموات و الارض شيء و انك بكل شيء عليم و على كل شيء قدير فثبت اللهم قلبه علي دينك بما شئت و اني شئت انك انت العزيز المقتر فيا ايها الانسان قد شهدت بما جري من مدادك و عرفت ما اردت في اشارات كلامك و لا شك ان الله هو مرادك و الا ان اليوم لا ينقطع مثلك الي مثلي الا من شاء الله ان يؤيده بامر و يجعله من حفاظ حكمه ولكن لما اجد تقلب حالك و اضطرب

سرك لامرريك قد تلاطم بحر سكوني لحبي لك و خلوص عملك لله بارئك لما اري الحجاب بيني وبينك ولكن ارجوا من الله سبحانه ان يقضي لي ما اراد ويسكنني بوعدده انه جواد رحيم .

فيا ايها المتعارج الي معارج الحقايق والناظر الي تلك السبحات الدقايق ان الذي انت اردته في الحال هو شان الجلال في المبدء والمال وان الحقيقه لن تدرك الا بنفي ما سواها وان جوهريات آيات العلم لم ينفع لمن اراد مقام ربه في نفي السبحات والاشارات والعلامات والدلالات كما صرح بذلك قول من سكن في لجه الاسماء والصفات بان الحقيقه هو كشف السبحات من غير اشارة وان تلك الرتبة موجودة في غيبك وحضرتك بل لا ظهور لك الا به ولما ان ذهلت العقول من حكماء الصدرائيين وزلت الاقدام من بعض حكماء الالهيين في بيان ذلك المقام فاني انا اشير بدليل الحكمة في حقيقة ذلك الصنع الاكبر وهو ان الله لم يزل كان ولم يك معه شيء وان الان كان الله بمثل ما كان لم يك في رتبته شيء ومن ادعي معرفته بوجود غيره يبطل عرفانه لانه لم يزل لن يقترن بخلقه ولا يوصف بعباده ومن اراد ان يوحد ففي الحين ليشرك بنفسه لانه كما هو عليه لم يعرفه غيره حتي يوحد ولا يوحد سواه حتي يعرفه وان كلما ادعي عباده المقربون في معرفته هي كانت معرفة ابداعه الذي تجلي له به في مقام ملكه وهي حق معرفة الممكن في الامكان وانه لم يزل لا يصعد الي ساحة قدس موجدده كما صرح بذلك علي عليه السلام في خطبة اليتيميه ان قلت مم هو فقد باين الاشياء كلها فهو هو وان قلت هو هو فالهاء والواو من كلامه صفة استدلال عليه لا صفة تكشف له وان قلت له حد فالحد لغيره وان قلت الهواء نسبته فالهواء من صنعه رجوع من الوصف الي الوصف وعمي القلب عن الفهم والفهم عن الادراك والادراك عن الاستنباط ودام الملك في الملك انتهى المخلوق الي مثله والجاه الطلب الي شكله وهجم له الفحص الي العجز والبيان علي الفقد والجهد علي الياس والبلاغ علي القطع والسبيل مسدود والطلب مردود دليله آياته ووجوده اثباته وان الله خلق المشية لا من شيء بنفسها ثم خلق بها كل ما وقع عليه اسم شيء وان العلة لوجودها هي نفسها لا سواها وان الذي ذهب من ان الذات هو كان علة الابداع

اشرك بربه من حيث لا يعلم لانه كما هو عليه لن يقترن بشيء ولا وجود لشيء معه ولقد ثبت في الحكمة بان يكون فرض بين العلة و المعلول حكم المشابهة ولذا قال الامام ان علة الاشياء صنعه وهو لا علة له وقد ذلت اقدام بعض الحكماء في بيان ذلك المقام بما يعتقدون امرا ما لا اراد الله في الكتاب عسي الله ان يعفو عنهم بفضلله انه غفور رحيم وان الذي ذهب بالربط بين الحق و الخلق فقد اتبع هواه بمثل ما اتبع الاول وان ذلك في مذهب اهل العصمة خطأ لان الربط ان كان هو الذات فليس في مذهب آل الله بحق وانه هو شرك بحكم ما قرئت عليك من قبل وان كان خلق لا حاجة عند اهل البيان باثباته ولذا قال الامام عليه السلام حق وخلق لا ثالث بينهما و لا ثالث غيرهما وان ذلك مشهود عند من اشهده الله خلق السموات و الارض ثم خلق نفسه و كفي بالله علي شهيدا و ان الذي ذهب بالاعيان الثابتة في الذات لاثبات علمه تعالى كما ذهب الكل الا من شاء الله شرك محض في مذهب آل الله لان ذكر الغيرية بوجودها شاهدة بالتفريق و دالة بالتقطيع و ان الله هو الصمد الذي لم يزل كان علي حالة واحدة فان كان الاعيان هو نفس الذات لم يزل لا يتغير و لا يمكن التوحيد لاحد حتي لنفسه و ان كل اشياء الجوهريات لا وجود لها مع الله عز و ذكره فاعوذ بالله مما ذهب محيي الدين الاعرابي اجل الله في نقمة و ان الله هو الصمد الذي لم يلد و لم يولد و لم يكن له في الخلق مثال و لا له دليل في الامكان لان الدليل دليل لمن لا يدل بذاته لذاته و ان النعت وصف لمن لا يوصف بنفسه لنفسه فسبحان الله عما افترى المشبهون في وحدة الوجود و ما يشهد الله علي كلمة ابعدهم لان ذكر المفقود فرع الموجود و ان الذات هو لم يزل خلو من خلقه و خلقه حين وجدوا لا ذكر لهم عنده و ان الذي اضطرت الحكماء بذكر اعيان الثابتة و الحقيقة البسيطة هو المقام اثباتهم في علم الله سبحانه و تعالي و ان اثبات علم الله من الخلق كذب و افك لان الله لم يزل كان علمه لنفسه و ما كان معلوم معه و لا يعلم كيف هو الا هو فمن اراد ان يعرف علمه ففي الحين ليكفر بربه لان الذي وجد حقيقته بابداعه الذي بدع لا من شيء افكيف يقدر ان يعرف علم ربه و هم لم يزل كان عالما و لم يك معه شيء و الا ليكون عالما و لم يك في

رتبته شيء وان ذكر القدرة والعلم وكل الاسماء والصفات آيات لخلقه ومكنسة لاوهام عباده الا يشكوا في بارئهم بشيء وان علمه هو ذاته خلو من خلقه ولا يقدر ان يحيط بعلمه احد وان علمه الذي نسب الي نفسه واستدل المستدلون في مقام عدله هو حقيقة الابداع وان نسبتها اليه هي نسبه التشريف بمثل نسبتها الابداع اليه والا اذا نظرت يا ايها الناظر بالمنظر الاعلي والساكن في افق الكبرى بطرف الحقيقة ليس لله وصف دون ذاته ولا نعت دون جنابه وانه عالم بكل شيء بما هو شيء من الكليات والجزئيات والجواهريات والعرضيات بعد خلقها بمثل يوم الذي لم يخلقها وهو عالم بها لان العلم هو الحيات فكما ان الله سبحانه هو حي في ازل الازل ولا حاجة في اثبات حياته بوجود ذي حي فكان عالما بكل شيء من دون ان يكون معروفا فسبحانه وتعالى كان عالما لم يزل ولا معلوم وان الان كان الله بمثل ما كان يكون عالم بكل شيء ولا وجود لمعلوم في رتبته وان حقيقة العلم في مقام الممكن هو المعلوم كما صرح به الصادق عليه السلام في قوله حيث قال عز ذكره العلم تمام المعلوم والقدرة والعزة تمام الفعل ولولم يكن كليات الحكمة تامة في بطونها وتامة في ظهورها لم يكن الحكمة تامة من الحكيم ولو كان قادرا واذا لاحظت بالبيان او عرفت حقيقة ما في الكيان بذكر البيان لتؤمن بان سر الحقيقة التي وردت في الاخبار وبها يتفاضل العلماء في بيان الاسرار هي آية مخلوقة حادثة تجلي الله لها بها وجعلها آية لنفسه ليتلجلج بها الي معرفته و يبلغ بها الي حقيقة ما يمكن في الامكان من فيض الله وهي آية حادثة بمثل احرف لا اله الا الله كما انها تدل علي الله وهي حروف مجتمعه وكذلك آية حقيقتك اذا كشفت عنها السبحات و الاشارات ودخلت بيت الجلال بمحو العيان وصحو المقام وجذب الاحدية والسكون في البحر الصمديه فقد بلغت الي غاية فيض الله في الامكان وما اجد لفيض الله تعطيلًا وان امر الذي نزلت جنابك في الكتاب بالرحمة هو سر التكليف ومنتهي مقام التعريف واني لو اردت ان افسر حرفا من اشاراتك لتفني كل الابحر بالمداديه لان الله قد خلق في كل شيء حكم كل شيء وان الذي هو الله سبحانه ايده بفضله لم يحجبه شيء في السموات ولا في الارض من حكم شيء .

وان حرف الاول من كتابك هو حرف الهاء وانا ذا اشير في تفسيره ما كتب الله لي واسئل من جنابك العفو عن غيره وهو ان حرف الهاء هو رتبة خامس ظهورات التوحيد وشئون التجريد وهو حرف التوحيد في الفواد لما دار في هياكل الاربعة بالمشاهدة الاربعة ظهر حرف الكاف وهو اول كلمة الامر الذي به قام كل شيء وان الله سبحانه خلق مقامات التوحيد في حرف الهاء وان منها مقام النقطة وهو مقام محمد رسول الله حيث قد سكن في مقام التوحيد من الابداع لا بقي لنفسه ذكرا دونه وانه في هذا المقام منفرد عن الشبه ومتعالي عن المثل ومنقطع عنه كل ذي وصل و فصل وهو مقام الذي اختصه الله لحبيبه واختاره لنبيه وجعله في هذه المقام مقام نفسه في الاداء اذ كان الله لم يزل لا يقترب بجعل الاشياء وهو الواقف في مقام توحيد الحقي الذي لا يمكن في الامكان لاحد سواه ولا لغيره نصيب مما اكرمه الله وهداه وهو في ذلك المقام الفقر البحت البات وصرف الظهور في مقام التراب ولذا افتخر روعي ومن في ملكوت الامر والخلق فداه بفقره لمن في ملكوت الاسماء والصفات وهذا مقام ذكر الحقيقة التي لا يواربها الحجابات ولا يعادلها الدلالات ولا يفارقها العلامات ولا يقارنها شيء من الآيات جل مبدعه لم تر عين الاختراع بمثل محمد رسول الله في الانشاء وكل ما قال في وصفه سواء هو كذب في ساحة قدسه وافك لجلال تنزيهه وهو كما قال الله في لية المعراج انت الحبيب وانت المحبوب وقال بنفسه في حقه ما يعرفني الا الله وانت يا علي وقال علي عليه السلام في حقه في خطبة يوم الغدير والجمعة واشهد ان محمدا عبده ورسوله استخلصه في القدم علي ساير الامم منفرد عن التشابه والتشاكل عن ابناء الجنس والمثل اقامه مقامه في ساير عوالمه في الاداء اذ كان لا تدركه الابصار ولا تحويه خواطر الافكار وهو يدرك الابصار وهو اللطيف الخبير وان ذلك مقام المشية في الامكان حيث قد تجلي الله لها بها لنفسها وجعلها آية ملكه وليتعبر المتعبرون في ذكر الاسماء حسني و صفات عليا وكل ذلك منقطعة عن جنابه وممتنعة عن مقامه فهو كما هو لا يعلم كيف هو الا الله الذي خلقه فسبحان الله عما يصفون.

ومنها مقام الف اللينه وسر الازليه والقصبة اللاهوتية والورقة الجبروتية والشجرة الملكوتية والولاية الكلية التي يوحد الله ربه في مرات الثاني وليس في الامكان بعد مقام محمد رسول الله توحيد واقعى الا لعلي عليه السلام وكل ما سواه يوحدون الله بمثل النملة بل استغفر الله عن ذلك التحديد الكبير لا وجود لتوحيد غيره لديه حيث قال بنفسه عز ذكره في آخر خطبة انا المعني الذي لا يقع عليه اسم ولا شبه وانا باب حطة ولا حول ولا قوة الا بالله العلي العظيم وانه هو روحى فداه كما شهد بذلك سيد الاكبر لا يعرفه الا الله ونفسه وكفى في فضله لولاه لم يك مثله وسبحان الله موجداه عما يصفون .

ومنها مقام توحيد الف المبسوطة وهى مقام احرف لا اله الا هو احد عشر نفسا ائمة العدل عباد المكرمون الذين لا يعملون الا بامر الله وهم من خشيته يشفقون وانهم ليوحدون الله بمرات علي عليه السلام ولا يصل اليهم غيرهم وان ما سواهم عندهم ليذكرون بما هم يوحدون وكفى في ذكر فضلهم ما طلع من ناحية المقدسة الي عثمان ابن محمد العمري في زيارة آل الله حيث قال بنفسه عن ذكره القضاء المثبت ما استاثر به مشيتكم والمحو ما لا استاثر به سنتكم وان كل ذكر يذكره غيرهم افك لحضرتهم وكذب في قدرتهم ولكن الله لما كان عادته هو الاحسان و شان الامكان هو العجز والبيان قد قبل الله في حق اوليائه تلك الاسماء المقدسه جودا بفضله والا لا نصيب لاحد في معرفتهم ولا حظ لشيء في ذكرهم وسبحان الله موجداهم عما يصفون .

ومنها مقام حروف المجتمعه وهى مقام توحيد فاطمه صلوات الله عليها وانها هي تحكي عن الله وتدل علي الله بما تجلي الله لها بها بمرايا معدودة وان بنورها قد وجدت حقايق الانبياء وذوت بها جواهر ذاتيات الاوصياء من اولياء الله ورسله ولا نصيب لمن كان في دونها من الانبياء والاوصياء عن توحيدها وان عمل جسمها هو ازكي و ارفع من عمل افئدة النبيين وجوهريات الوصيين ولا يعرفها كما هي اهلها الا الله و احرف التوحيد وسبحان الله عما يصفون ومنها مقام الكلمات وهو مقام

توحيد الانبياء والمومنين من الانس حيث يدلون علي الله بظل نور جسد فاطمة صلوات الله عليها و يدخلون بحر الاحديه و لجة الصمدانية و عرش الجلال و العظمة بفاضل ذكر فاطمه صلوات الله عليها و ليس لاحد ممن سواهم حظا في توحيدهم و عرفانهم لله سبحانه و انهم الكروبيون الذين قال الصادق في شانهم انهم قوم من شيعتنا من الخلق الاول جعلهم الله خلف العرش لو قسم نور واحد منهم علي اهل الارض لكفاهم و لما سئل موسى ربه ما سئل امر رجلا منهم فتجلي له بقدر سم الابره فدك الجبل و خر موسى صعقا و ان تلك المراتب الخمسة هي ترجع الي نفي التوحيد عن التوحيد و ان كان لكل تلك المراتب مقامات اربعة التي ترجع الي نقطة واحدة فمنها توحيد الذات بانه كما هو هو لن يعرفه الا هو و لن يدل عليه الا هو و لا يقدر احد ان يقول انه هو هو الا هو لان ما سواه لو قال وصفا يشير الي مقام نفسه و يحكي عن حدود هندسة و هو كما هو عليه لا اسم له و لا صفة و لا يدل عليه شيء اذ الدلالة فرع الاقتران و كل يصفون انفسهم و ليستدلون في آياتهم بنعت حقايقهم سبحانه الله عما يصفون.

و منها توحيد الصفات بان لاصفة لله دون ذاته و لا له اسم دون جنابه بشهادة ذاته ذاته بانه لم يك موصوفا بصفات خلقه و بشهادة خلقه خلقه بان الصفة بشهادة نفسها نفسها مردودة الي مقام الحد و ان وجود الوصف بنفسه اعظم دليل لاصفة لله و لانعت و كل الاسماء سمة لمشيته و كل الامثال مثل لارادته و كل الصفات علامات لجبروتيته و كل الدلالات مقامات لكبريائيته فسبحان الله و تعالي قد وصف نفسه بان لا وصف له و وصف نفسه لخلقه بما نزل في كتابه ليعرفوه به و يعبدوه و لا يشركون بعبادته احدا.

و منها توحيد الافعال و ان في ذلك المقام ذلت اقدام الكل في معرفة الامر بين الامرين الذي هو سر القدر و به يوحد العباد موجدتهم في مقام الافعال و كل من بين مسألة القدر من الجبر و التفويض حيث قد اعترف كل الحكماء العجز في بيان حقيقة ذلك المسئلة و ان ذلك لهو الامر في الواقع

لان الحكماء ارادوا ان يبينوا امرالله في بين الامرين بدليل العقل وان ذلك ممتنع لان العقل في منتهي مقام تجرده لا يدرك الا شيئا محدودا وان لم يبلغ العبد الي ذروة حظ الفواد فلا مفر لمن استقر علي كرسي سلطنة العقل بان يعترف بالتفويض او الجبر اذ ما سوي ذلك الذي هو الامر بين الامرين والمنزلة الاوسع عن ما بين سماء القابليات والارض المقبولات لا يدرك الا الفواد الذي خلقه الله لمعرفة توحيده وتنزيهه وبه يوحد الله في مقام الافعال ويوقن العبد بحقيقة تلك الآية من العلي المتعال فهل من خالق غيركم يدعوكم الي الله ان كنتم تعقلون هذا خلق الله فاروني ماذا خلق الذين من دونه بل الظالمون في ظلال مبين ومن دون ذلك المشعر لم يدرك العبد ما وجب عليه في الحكمة ولذا قال الامام ان القدر سر من سر الله وحرز من حرز الله مرفوع في حجاب الله مطوي عن خلق الله مختوم بخاتم الله سابق في علم الله ومنع الله عن العباد علمه ورفع فوق شهاداتهم و مبلغ عقولهم لانهم لا ينالونه بحقيقة الربانية ولا بقدره الصمدانية ولا بعظمة النورانية ولا بعزة الوجدانية بحر ذاخر موج خالص لله عزوجل عمقه ما بين السماء والارض عرضه ما بين المشرق والمغرب اسود كالليل الدامس الكثير الحيات والحيتان يعلم مرة ويسفل اخري في قعره شمس تضي لا ينبغي ان يطلع عليها الا الواحد الفرد فمن تطلع عليها فقد ضاد الله عزوجل في حكمه ونازعه في سلطانه وكشف عن سره وستره و باؤ بغضب من الله و ماويه جهنم و بئس المصير وان سر الامر هو ان لا يري احد ظهور فعل الله بما هو عليه الا نفس تجلي اختيارات الاشياء بما هو عليه و ما هم سائرون الي ما لانهاية بما لانهاية لها ولا يري نور الا نوره ولا حكم الا حكمه لان لا يوجد شيء في السموات ولا في الارض الا بمراتب سبعة التي هي مقامات آل الله سلام الله عليهم وان العبد في حين الفعل هو يفعل بفعل القدر من لدن خبير عليم وان الله سبحانه كان عالما باختيارات الكل و ما هم سائرون و علي ذلك يجزيهم وصفهم ويعطيهم حقهم وان ذلك الاختيار هي مساوق وجود الشيء ولا يوجد شيء الا باختياره لان حين وجود الاختيار لما قال الله تعالي الست بربكم لو لم يكن مختارا لم يقل بلي اولا وكذلك الحكم في كل شأن وفي كل امر وان الناظر لو ينظر بالحقيقة

لا يرى تجلي نفس الست بربكم الا في نفسه بذكر بلي او في ظهور بذكر لا و هو سر ولا يرون مؤثرا الا الله ولا يشهدون بامر الا بامر الله ولا يعبدون معه شيء ولا يعتقدون في حق آل الله تفويضا ولا تعطيلًا بل ان الله هو لم يزل يبدع ما يشاء بما يشاء وليس له شريك في فعله ولا ولي بالذل في امره و هو كما هو عليه في فعله لا يعلم كيف هو الا هو ولقد ادب الله في القرآن بقوله عز ذكره ما اصابك من حسنة فمن الله وما اصابك من سيئة فمن نفسك وارسلناك للناس رسولا وكفي بالله شهيدا ثم قوله عز ذكره قل كل من عند الله وان ذلك لهو السرفي توحيد الافعال ولا ينزل الله آية في ذكر ذلك البيان اكمل و اتم من كلمة لاحول ولا قوة الا بالله سبحان الله عما يصفون ومنها توحيد العبادة حيث قال الله عز ذكره قل انما انا بشر مثلكم يوحي الي انما الهكم اله واحد فمن كان يرجوا لقاء ربه فليعمل عملا صالحا ولا يشرك بعبادة ربه احدا وان ذلك التوحيد هو بعينها توحيد الذات والصفات والافعال فمن وحد الله بتوحيد الذات فقد وحده بما وصف له نفسه في مقام الصفات والافعال والعبادة ومن عبد الله بوصف او اسم فلم يعبده وكان مشركا ومن عبده بذكر نفسه فهو بمثل الاول مشرك ومن عبد الله بما وصف نفسه باسمائه وصفاته التي نزل الله في كتابه فقد عبده بما يمكن في حق الا مكان والا كما انه هو عليه ويستحق به لم يعرفه احد غيره حتي يعبده و هو لم يزل لا يوصف بالآيات ولا ينعت بالعلامات ولا يدل عليه احد سواه وان العبد لم يعبد الله بشيء بمثل ما يشاهد في امر الله حكم البداء وانه له في كتاب الله مقامين بداء عدل و هو لا يفارق ذات شيء ولا يامن منه شيء وهو امر الله الذي يخاف منه كل شيء ولو اراد الله ان يهلك كل من خلق فبذلك البداء فيهلك في الحين ولا مرد لارادته ولا يستل احد من فعله ولا راد لقضائه ولا هندسة لمشيته يفعل ما يشاء بما يشاء ولا يتعاضمه شيء في السموات ولا في الارض وهو العزيز الحكيم و بداء فضل في رتبة القضاء و هو فضل و احسان للمؤمنين حيث يبدل الله سيئاتهم بالحسنات ويمحو الله عن صحايف اعمالهم حدود الجريبات ويمن علي من يشاء بما يشاء و هو الغني الحميد وان تلك المراتب الاربعة هو في الحقيقة تجلي واحد في مقامات خمسة وان في

رتبة الخامس التي يوحد الانبياء والناس والمؤمنين والملائكة هو ما اشار الصادق عليه السلام في قوله حيث قال عز ذكره نحن اصل كل خير ومن فروعنا التوحيد وكل بر لان التوحيد الذي يوحد الله به ما سواي الاثمه سلام الله عليهم هي قد ذوتت من تجلي جسم فاطمه صلوات الله عليها ولذا نسب الامام بامرته لانه اول مقام الفعل وكشف عن هذا المقام بمقامات توحيد الاربعة قوله عز ذكره ان امرنا هو السر و سر السر و سر السر و سر السر و سر السر و سر السر و سر السر و سر السر و سر السر و سر السر بان امرنا هو الحق و حق الحق و هو الظاهر و ظاهر الظاهر و باطن الباطن و هو السر و سر السر و سر السر المستسر و السر المقنع بالسر و ان كل ذلك في مقامات الحدود و سبيل المحدود و الا للمنقطعين الي الله في لجة الاحديه و الساكنين علي عرش العزة و الصمدانية ان السر المستسر المسطور هو الآية الظاهرة المشهورة و ان الغيب عندهم هو نفس الشهادة و لا يعرفهم في المقام احد غير الله و هم قوم لا ينظرون الي شيء الا بنظر الرب و لا يحكمون بشيء الا بحكمه و لا يبدلون حكما الا باذنه و اولئك هم سفراء الدين و اركان اليقين و لولا هم لم ينزل الماء من السماء و لا يخرج النبات من الارض رزقني الله مرافقتهم في جنات عدن و من صلح من آبائهم و ذرياتهم بفضلهم انه عزيز غفور و لقد اشرنا في غياهب تلك الاشارات ان امر الذي انت اردت لن يخلص الا بنفي الاشارات بل ان الحجاب لكان الطف من ذلك و ان مرات الحقيقة ادق من تلك الزجاجية و ان نفي الاشارة هو شان من الاشارة و انت اليوم لو لم تلق ما في يمينك و الشمال من سبحات الدقائق و اشارات الرقائق لم تقدر ان تسلك الي الله في ارض كتيب الاحمر و ان علي مثل جنابك ذلك الشان صعب مستصعب لان ظلمات كلمات اهل السبحات قد احاطت باطنك و لو كان ان تلك السيئة عن مثلك حسنات للمؤمنين و خيرات للمستوحشين ولكن لما اردت ذلك المسلك الاكبر و الموقف الاعظم اجترحت على مثل جنابك بذكر الكلمات لتجذبك نفحات قدس الي ذروة الصفات و يخلصك تلك الاشارات عما ادركت نفسك من اشارات اهل السبحات و انك حين توجهك بالله رب الارباب تكشف الاشارة و السبحات و العلامات و المقامات و تدخل حين الغفلة

منها عرش الجلال وان ذلك المقام مع عظم امره وكبر شائه لكان اقرب من لمح البصر والطف من قرب النظر وان ذلك لهو الشرف لمن كان بالمنظر الاكبر واقترب حكم الساعة وانشق القمر وان الله قد جعل الشرف في علم ذلك المقام والعمل في حوله كما اشار الصادق في قول نفسه عز ذكره حين سئل عن روية الله في دار الآخرة فقال بل يروه المؤمنون قبل يوم القيمة قيل فكيف ذلك قال حين قال الست بربكم ثم كشف الغطاء وقال اولست تراه في وقتك هذا و اشار علي في خطبة الطننجية حيث قال وقوله الحق رايت الله والفردوس راى العين وقد اراد روجي فداه من رويته روية تجلية له به في كل حين حيث بين الصادق في قوله عز ذكره في حديث المشهور العبودية جوهرة كنهها الربوبية الي ان قال موجود في غيبتك و حضرتك و اشار اباه الشهيد روجي فداه في دعائه يوم العرفة الغيرك من الظهور ما ليس لك حتى يكون هو المظهر لك متى غبت حتى تحتاج الى دليل يدل عليك ومتى بعدت حتى تكون الآثار هي التي توصل اليك عميت عين لا تراك ولا تزال عليها رقيبا وخسرت صفقة عبد لم تجعل له من حبك نصيبا وان ذلك المقام لهو منتهي حظ الامكان في نقطة الاقتران حيث تجلي الله للعبد له به في كل الان بما هو من العزة والجلال وانك يا ايها الناظر الي وجه الجلال عظم امر الله في نفسك و لاحظ رحمة ربك فيك بان احتياجك في كل شان لكان بمثل احتياجك في بدء وجودك الذي من قبل لم يكن مذكورا وان الله تجلي لك بك في كل حين بمثل تجليه في يوم الاول لان احتياج المدد من العبد لم يزل لن يرفع وان الله في كل شان يتجلي لكل شان بكل شان بمثل تجليه لهم بهم في يوم الاول بل ان الانسان لو شاهد سر الحقيقة يشاهد نفسه بل كل شئونه كخلق يوم الاول ولايري في شان نورا الا نوره ولا حكما الا بعدله ولا بلاء الا بقضائه ولا بداء الا بامضائه بل لو استقام العبد علي ذلك الشان يجرى عليه احكام الربوبية بمثل ما نزل في حديث القدسي ما زال العبد يتقرب الي بالنوافل حتي احبه فاذا احبته كنت سمعه الذي يسمع به وبصره الذي يبصر به ويده التي يبطش بها ان دعاني اجبته وان سئلني اعطيته وان سكت عني ابتدئته وكذلك كان كل شئونه في السرو العلانية فكان

علي حكم ذلك نفسه نفسه وفعله فعله و امره امره ونهيه نهيه وطاعته طاعته ومعصيته معصيته و محبته محبته وكذلك كلما نسب اليه بمثل نسبه بيت الحرام الي الله من دون تشبيه لان المشبه به كان عين المشبه كما نطق بذلك سر الحديث تجلي لها بها فالقي في هويتها مثاله فظهر عنها افعاله فيا طويي لمن رفعه الله اليه وخلصه من شئونات نفسه وجريرات ايامه و احفظه علي كرسي توحيدته من ان لايري احدا سواه لا يستلذ بشيء من دون ذكره ولا يستانس باحد دون قرب جواره ولايري عزا الا في رضائه ولا سخطا الا في عقابه ولا روحا الا في بهائه ولا سكونا الا في ثنائه وانت يا ايها الجليل لتعرف سبل الذكر والدليل ولا اخاف عليك اذا استانست في ساحة القدس برب جليل وان الامر بذلك اللطافة التي لا يحصيها احد الا الله اذ احتجبت عنه باشارة لتبعد منه ما لا يعلمه احد الا الله كما حين سئل الكميل عن علي عليه السلام اطرده روعي فداه بما سئل عنه لان المسؤل عنه هو اقرب اليه منه ومن لم ير نور الذي قد احاط سره وعلانيته بحيث لم يك نورا سواه فكيف يقدر ان يري الحقيقة بالحقيقة ويشاهد سر الصمدانية بالنور الازلية وان ذلك مشهود عند مثل جنابك بمثل هذا الشمس في نقطة الزوال ولما علم الله ان بعض الناس لمحبتهم بذلك المقام الذي من قام فيه قام بامر الله خلق للناظرين الي وجهه في ازل الازال والمستقرين عنده في كل ان آيات وعلامات التي بها يميز من يشتهه علي انفسهم ذلك المقام بمن هو قائم باليقين في المسجد الحرام لثلا يبعد الناس من انوار سبحات عزته ويعرف الكل تجليات عز قدرته ولايقول احد لو عرفني الله آياته لكنت من الشاكرين فاذا ايقنت بذلك الامر انظر بالدليل واصبر علي آيات الجليل فان سر هذ البحر عميق عميق وحكم ذلك السر انيق انيق وان حجاب ذلك الامر دقيق دقيق و ان شئونات ذلك العبد رقيق رقيق ولما اردت في ذلك المقام بذكر القسطاس و ميزان البيان و حجة الانسان وانا لا اذكر لك حجة الانسان في البيان فاني احببت ان تحيط بعلم ذلك فانظر الي ما نزلنا في شرح الكوثر لمن اقبل وشكروا واذر كل من استكبر وكفر ولكن اقسمك بالله ان تنظر الي اشاراتنا بعين المحبة والبصيرة فان حجة ذلك الامر لهو الحق ولايقوم به احد الا من شاء الله

ولانتس ما قدر الله لك فان اليوم انت تعلم ضعفي وتقدر علي كشف ضري ولا اشكو اليك ولكن لما اعلم ماوراء ذلك الامر احب ان تكون كما خلقك الله وانت كن لخلق الله بمثل ما كان الله لك واني لاعلم ان تلك الصور العلمية و الشئون الضديه يحزنك ويشغلك عن الورود علي حكم الربانية و سر الصمدانية و آية الوجدانية في كلمة الرحمانية ولكن اقرء بعض صحايفنا فان بمناجاتك مع الله تجد ما لا يخطر بقلب بشر من قبل و تعرف معارف حقه لا تجربها قلم احد في سلسلة الرعية بمثلها و ان كلما يخطر بقلبك من الشبهات و العرضيات تدفعها بقسطاس الميزان فان الله قد خلق البيان للانسان و لو علم الله شيئا اشرف من الكلام ليجعله بينه و بين رسله فسبحان الله ما تم نعمة و عظم حجته و كبر دعوته يقبل من العباد ما لا يقبل احد سواه و انني انا كنت من قبل بشأن لا اعلم حرفا مما انا عالم به في ذلك اليوم و قد جعل الله الحجة حجة لن يقدر الناس ان يعرضوا عنها الا ان يسلموا و ان ارادوا ان يعرضوا فكانهم عرضوا مما آمنوا من قبل لان صنع الرب لم يشتهه بشأن الخلق و حجة الكتاب لم يبطل بكذب الناس لان في الله الذي خلق الله آية توحيده في حقيقة كل شيء قال النصارى ثالث ثلاثة و ان بعض الناس اليوم ليكونون بمثلهم في مقام العبادة لانهم يرون معبودا ثم انفسهم ثم وصفا و ان ذلك العمل هو قول النصارى حيث حل اللاهوت في الناسوت و تعالي الله عما يقول الظالمون و ان في تلقاء كل نور لا بد من ظلمة ولكن وعد الله في القرآن من بعد بان يحقق الحق بآياته و يبطل عمل المشركين و لو هم كانوا كارهين و انني انا ما حدثت الناس الا بنعمة ربي مما اكرمني الله من الآيات و الدعوات و الخطب و حقايق المعلوم بما قدر الله في وراء الحجب و انني انا ما انكرت حرفا من الدين و ما زدت عنها حرفا و ما قلت الا قال الله في القرآن من قبل اتقوا الله يجعل لكم فرقا ثم قوله عز ذكره اتقوا الله يعلمكم الله و لقد افتري الناس بما اتبعوا اهوائهم و انهم ما يقولون الا كذبا و ان ما انعم الله علي الذي به احتج في الدين للذين يكفرون بائمة العدل من ام القرى و حولها هو اربعة آيات في مقام الآثار فاولها شان الآيات التي اقرء من دون تامل و اكتب من دون سكون قلم بما شاء الله ربي و هو حجة لا يقوم بها احد و لا يقدر ان يوتي بمثلها و لو

علم الله بانى لم اك في حبه ورضاه ليخلق الله بشرا يقرء بمثل ما انا اقرء من كتاب الله وكفى بالله علي شهيدا والثانية شان الدعوات والمناجات مع الله سبحانه الذي لو شاء الله ليجري من قلبي فى ستة ساعات اقل من عدة الف من دون فكر ولا سكون قلم والثالثة شان الخطب التى لم تنطق بها احد غيرى والرابعة شان العلم حيث قد جرى من قلمنى من تلك المدة الماضية صحايف معدودة و رسائل مسطورة وكتب محفوظة و ان الشرف فى تلك الكلمات لم يك من جهة الكلمات و الاشارات و الاقترانان بل هو من سر الربانيتها و ظهور الصمدانية التى هو اصل كل خير فى نفسى و عليه يدور كل امر وكفى ذلك الامر ذلك الدين وكفى بالله على وكيلا و ان ما امرتنى بكشف سر من الامر و لو انى ما اردت تفسير دون حرف الهاء فى اول احرف الكتاب ما اذكر فى تلك الكلمه لما لم يكفها بحور السموات و الارضين اذا شاء الله ان ينزل تفسيره بيد احد من عباده ولكن اذكر فى سر الهاء ببعض تفسير ما اردت و هو ان السر لم يزل لم يكشف و ان كشف لم يك سرا و ان المعرفة فى مقام الاسرار كما امر على بن الحسين عليهم السلام بجابر هو فى سبعة مراتب كما قال عز ذكره يا جابر ادرى ما المعرفة المعرفة اثبات التوحيد اولا ثم معرفة المعانى ثانيا ثم معرفة الابواب ثالثا ثم معرفة الامام رابعا ثم معرفة الاركان خامسا ثم معرفة النقا سادسا ثم معرفة النجباء سابعا و هو قوله تعالى قل لو كان البحر مدادا لكلمات ربي لنفد البحر قبل ان تنفد كلمات ربي ولو جئنا بمثله مددا وتلا ايضا ولو ان ما فى الارض من شجرة من اقلام والبحر يمده من بعده سبعة ابحر ما نفدت كلمات الله ان الله عزيز حكيم يا جابر اثبات التوحيد و معرفة المعانى اما اثبات التوحيد فمعرفة الله القديم الغايه الذى لا تدركه الابصار و هو يدرك الابصار و هو اللطيف الخبير و هو غيب باطن ستدركه كما وصف به نفسه و اما المعانى فنحن معانيه و ظاهره فيكم اخترعنا من نوره ذاته و فوض الينا امور عباده فنحن نفعل باذنه ما نشاء و نحن اذا شئنا شاء الله و اذا اردنا اراد الله و نحن احلنا الله عز و جل هذا المحل و اصطفانا من بين عباده و جعلنا حجة فى البلاده فمن انكر شيئا ورده فقد رد على الله جل اسمه و كفر بالله و انبيائه و رسله الحديث و تلك السبعة هى بعينها مراتب الفعل و

ظهورات الصنع كما قال عز ذكره لا يكون شيئاً في الارض ولا في السماء الا بسبعة بمشية و ارادة و قدر و قضا و اذن و اجل و كتاب و من زعم ان الله يقدر بنقص واحده منهم فقد كفر و لقد هلك اكثر الناس من عدم معرفتهم بما فرض الله لهم و حكم بالسنة اوليائه في مقام الباطن لمن نقص واحده منهم فقد كفر فاعوذ بالله من مضلات الفتن و اسئل الله بفضله من بواطن السنن و ان السرفي البيان اشارة عن معرفة الله سبحانه و انه هو سره كان نفسه لا سواه لان الله كان سره عين علانيته و علانيته عين كينونيته و اوليته عين ة خريته و ابديته عين ازليته لم يعرف سره غيره و لم يك له سر دون ذاته و لا وصف دون جنابه و سبحان الله رب العرش عما يصفون و اما سر المعاني هو ان يعرف ما فصلت من قبل من حكم النقطة في مقام التوحيد و ما يجري باذن الله من ماء ذلك العين ماء الحيوان و هو الغيب الذي قال الله عز ذكره و لا يعلم الغيب الا هو سبحانه و تعالي عما يصفون و ما سرفي مقام الابواب هو السرفي الولاية الكلية التي قال الله سبحانه هنالك الولاية لله الحق هو خير ثوابا و خير عقبا و هو السر الظهور و شجرة الكافور و الماء الطهور و البيت المعمور و القمص النور و الذات السازج الغيور و العز الشامخ المشهور الرمز المستتر المستور و النار المقتبس في الطور الذي هو سر الاول و لا الاول سواه و لا يجعل الله الفرق بينهما الا بفرق بينونة الصفة لا العزلة كما قد جعل الله بين الحركة و السكون او بين الكاف و النون و بين الفصل و الوصل و لا يعلم سره الا هو و سبحان الله عما يصفون.

و اما سر الامامة هو سر حروف لا اله الا الله في الرقوم المسطرات ثم في الزبر و الآيات ثم في قصبات اللاهوت و عرش الاسماء و الصفات ثم في اجمة الجبروت و كرسي المجد و الملكوت ثم ذكر الجوهريات و الماديات و المفارقات و المتقارنات و المجتمعات و المنقطعات و المتلجلجات و المتلثلاث و المكفهرات حيث لا يحيط بعلمها احد غير آل الله الاطهار و آيات التجريد و اركان التوحيد و علامات التمجيد و دلالات التمجيد و سبحان الله بارئهم عما يصفون.

و اما السرفي مقام الاركان هو نور المتجلية من شمس جسم فاطمة صلوات الله عليها في حقايق الانبياء .

و اما السرفي مقام النقباء هو سرتجلي الانبياء وهم ثلاثون نفسا كانوا في حضور الامام كما صرح بذلك ذلك الحديث فنعم المنزل الطيبه و ما بثلثين من وحشة و ان معرفتهم و الاقرار بهم فرض و انهم حملة الفيض في الكتوين و التشريع و ان سرهم سر الامام و من يتول اليوم احدا منهم فانه هو من الجاهلين .

و اما السرفي مقام النجباء هو من تجلي نور فؤاد النقباء و انهم لو اطلعوا بسر النقباء ليقتلوهم كما صرح بذلك حديث الذي قال عز ذكره لو علم ابوذر ما في قلب سلمان لقتله و ان ذلك السرفي كل مراتب السبعة لموجود و مشهود و معقود و لا يحكم الله بتلك الاسرار في تلك الآيات الا بما قبلت انفسهم و ان الله ليجزي الكل بفضله و انه لا اله الا هو ذو فضل عظيم .

و ان السرفي تلك المراتب السبعة هو الحقيقة فيها التي فيها التي بها يوحدون الله بارئهم و ان نسبة تجلي الله بكلهم لكان علي حد سواء و ان الفرق هو انه ان الساكنين في لجة البيان يوحدون الله و ليوحدهم بتوحيد نفسه و لا يسبقهم احد من الخلق و لا لهم حجاب دون وجودهم و لا كتاب دون انفسهم و ان الذي يوحد الله في مقام المعاني سبعة مرات البيان و انه و لو لم يشعر بذلك المرات و لكن كان عالما مقامه و هو الناظر الي الله في المرات الثانية و كذلك عباد الذين يوحدون الله في مرايا خمسة كل يوحدون الله بما هو عليه من الوحدة و الجبروت و العزة و اللاهوت و القدرة و الملكوت و لا يشاهدون مرايا في حالة التوجه بينهم و لكن الله من ورائهم يعلم مقاماتهم و يشهد عليهم بما اكتسبت ايديهم و ان مثال المثل في ذلك الحكم و لو لم يكن ذلك المقام لا مثل له و لكن اشير بما هو الطف في مقام الجسمانيات و هو انت فاجعل المتجلي صورت الالف القائم و ان في تلقائها مرات ثم في تلقاء المرات مرات الي ان اتصل العدة الي السبعة فهل يحكي مرات

السابع الا عن صورة الالف لا وربك كل يدعون عن الله و يدلون عليه و يحكمون عن عظمته و يشفقون من سطوته و يحكمون باذنه و يعلمون لامره و يشفقون باذنه و ان الفرق هو ان الذي يحكى في المرات السابع هو شبه بالنسبة عما يحكي في المرات السادس و بذلك يتفاضل البعض علي البعض و ليس الشرف في الاعمال الطيبات و الشئونات الحسنات لانها مقام اثر الفعل و ان مقام ذات العبد هو ما اشرت لك في سلسلة السبعة و هو يجرى في سلسلة الثمانية من عالم الامر الي عالم الخلق و ان كليات العوالم هي منحصرة بتلك الثمانية لان اول تعين كاف الاول هو مقام محمدية هوجنة الازلية التي داخلها بالتجلي لم يخرج و خارجها لم يدخل ثم ان تلك الجنة نصيب آل الله الذين هم ائمه العدل و لا نصيب لاحد من الخلق فيها و الثانية مقام توحيد الانبياء و الثالثة مقام توحيد الانس و الرابعة مقام توحيد الجن و الخامسة مقام توحيد الملك و السادسة مقام توحيد الحيوان و ان في ذلك المقام ان النملة تزعم ان لله زبانتين كما ان الانسان يزعم ان له علم و قدرة و كذلك كل الصفات و الاسماء و كما ان الناس يبطل توحيد النملة فمن كان واقفا في رتبة فوقه يبطل توحيده و السابعة مقام توحيد النبات و الثامنة مقام توحيد الجماد و ان تلك الرتبة تظهر ما في فوقها الا ما في علانيتها و ليس لها توحيد دون كينونيتها التي هي كانت علانيتها و ان ما خلق الله من جنان الثمانية للمحبين هي تلك المراتب المشيرة يري السالك في ارض الرفوف كل مقامه و يشاهد نعيم الآخرة التي تذوت من ثمرة سر الحقيقة في الدنيا في مقامه كانه هو في ارض الفردوس الجلال او في ظلال مكفهرات افريدوس الجمال و ان مثل جنابك يعرف الاشارات و لاحاجة في البيان بذكر الدلالات و الآيات و العلامات و المقامات لان امر الله في كل شي هو اقرب من لمح البصر و بداء الله علي كل شيء هو بالمنظر الاكبر و انني انا ما اردت في ذكر تلك الكلمات الا لظهار الشئونات لاهل السبحات و ان بمثل جنابك اجل مقاما من ان تنظر اليها او تذكر فيها حكم الاختلافات و اذا اطلعت بما لم يك عندك من المحكمات فاعف عن نفسك فان عين ذلك الماء تجرى باذن الله رب الاسماء و الصفات و استغفر الله ربي ثم اسئل من جنابك العفو عما اجري

القلم في ذكر الاشارات في غياهب تلك الكلمات لان شاهد العبد هو عنصر التراب ولا يليق لساحة من كان ذا الاسماء والصفات تلك الاشارات وسبحان الله ربك رب العرش عما يصفون و لما كان الامر مستورا في الكلمات وان السبحات في عالم الدلالات لا تنكشف الا بذكر المقامات اذكر ذكرا في ذلك المقام لو وصلت لتشاهد الانوار في حقيقة الاسرار وهو ان العبد اذا وصل الي مقام حقيقة الذي هو مقام ظهور معرفة الله له به يشاهد الكل علي ما هو عليه ولا يري في طلعة الكثرات الا تجلي وحدة الذات وان ذلك المقام هو مسجدك الاقصي وجنتك الاعلي ومقام حبك وحبيبك ومقام اتحاد قولك وقول فعل الله في سرک ومقام بقائك بالله ومقام بك ظهر كل صفاتك واسمائك وتجلياتك مما كان في تحت رتبة ذاتك ومقام وجودك بالله وفنائك في الله ومقام طوافك حول ذاتك بسبعة مراتب فعلك ومقام تجليك في مقام رمي جمراتك من اشاراتك ومقاماتك ودلالاتك وعلاماتك وآياتك ومقام الذي بك ظهر ما ظهر في ربتك و بطن ما بطن في سرک وطلع ما طلع في حقيقتك ولاح ما لاح في ذاتيتك واشرق ما اشرق في نفسانيتك واعظم ما اجل في انيتك وافاق ما افاق في مقام جسمانيتك حيث لا يواربها الحجب ولا يعادلها آيات الصحف وهو اول نور الذي تجلي الله لك بك وفي كل ان انه يتجلي لك بك بذلك النور فاذا شاهدت شجرة الطور في تلقاء بيت المعمور وان تلك الاشارات نصيب اهل الفتور لمن لم ير الحق في الظلمات الديجور والا بمثل جنابك تري كل الكلمات كلمة واحدة و كل الاختلافات هندسة معينة وكل الاشارات دلالة واحدة وكل الآيات مرآة صافية التي تحكي عن وحدة الذات وتصرح باللاهوتية علي عرش الاسماء والصفات وان علي مثل جنابك لا تشتهب الدلالات لان امر الله في كل شيء واحد وحكم الله لكل شيء بالغ وان الذين تحجبون انفسهم عن عرفان الجلال في سر المال ليوقنون بامر الله ويجحدونه ظلما لما اكتسب ايديهم من قبل وان علي جنابك لا يخفي عما وقع من قبل وان الي الله المشتكي ثم الي محمد المصطفى و اليه يرجع حكم الآخرة والاولي وانه هو بالمنظر الاعلي والناطق عن رب العلي ما كذب الفواد ما راي

افتتارونه على ما يرى وما ينطق عن الهوي ان هو الا وحي يوحى ولقد كشفت عن وجه السر حكم
الستر اشارات الامر وان ذلك بالحقيقة هو سر علي سر حيث ان اليوم لا يرفعه الا الستر ولا يفيد
الا الكشف وعلي الله اتكل واقول لن يصيبنا الا ما كتب الله لنا هو مولينا عليه توكلت وعليه فليتوكل
المؤمنون وان ما فسرت من تفسير الهاء حرف هو ذكر من ثناء شجرة البهاء حيث يعرف اهل القضاء
بحكم البداء في ركن الحمراء وانه هو سر الانشاء لان عنصر النار في عالم الابداع لن يوجد الا
بعنصر التراب لان من دون الله لم يك شيئا قائما بذاته الا وهو مركب فلما ثبت حكم الاثنييه يثبت
حكم الربط لان الشيء لم يك شيئا الا بوجوده الذي هو جهة التجلي فيه وبانيته التي هي جهة
القبول وبالربط الذي يحصل بين الاقتران وتلك المراتب الثلاثة هي رتبة التثليث في اول اسم اختار
الله لنفسه ومن هذا اخذت النصارى شكل الصليب وحل اللاهوت في الناسوت وتعالى الله عما
يعرف اهل الناسوت من تغنيات طيور العماء علي اغصان شجرة اللاهوت وان ذلك حكم مثلث
الكيفوفيه في اسم الولاية الازلية المتشعشه المتقدسة التي يشير في كل حين الي صدره ويقول
باذن الله هنالك الولاية لله الحق هو خير ثوابا وخير عقبا وان اسماء تلك الثلاثة في بدء الفعل هي
المشية والارادة والقدر الذي يعبر اهل البيان عند التبيان بالانشاء والابداع والاختراع والاحداث
والانجعال ولا يمكن ان يوجد شيء الا بالعناصر المشيرة ولو كان الامر في النفس المشية لان وجود
الامكان لا يمكن الا بزوجين اثنين ولما ثبت ذكر الاثنيية يتصل ذكر الشئون الي ما لانهاية بما لا
نهاية لها وان عنصر التراب الذي عبر في رتبة المشية هو كان من جنس عالمها الذي هو كان نفس
قبول نار الايجاد من بعد هؤلاء الانوجاد وماء المداد وان علي ذلك المثال قد خلق الله كل شيء
وحكم في كل عالم علي طبق ذلك المثال انظر الي الارادة التي هي حواء آدم الاولي وعرش
التي عليها استوت المشية بشأن الرحمن كيف قد خلقه الله باركان اربعة ركن منها رتبة القضاء وهو
النار وظهور علة الاولي وان لونه البيضاء لصرف بساطة من شئون الكثرات والدلالات والعلامات
وان منه ابيضت ما كان في اجمة اللاهوت من ماء غير آسن من ماء انهار الرضوان ووجدت كلمة

التسبيح في عالم الجبروت و بازائه يرفع وينزل كل بياض بما كان في اجمة الملك ثم الملكوت
ثم الناسوت و ان شئون ذلك الركن لا يحيط بها علم احد من الخلق منها بيت الله الحرام و منها شهر
الله الحرام و منها ذكر تسبيح علي ارض المشعر و المقام و منها فرض ركن التوحيد بكلمة لا اله الا
الله حيث من لم يقل بلي في المشهد الاولي لم يوجد و ان بمثل جنابك ذي نظر يعرف شئون
ذلك الركن حيث لا يحيط بها احد الا من شاء الله انه لا اله الا هو ذو من عظيم و ركن منها رتبة
الاذن و هو عنصر الهواء و ظهور علة المادية و ان لونه الصفراء لما تعين و منه اصفرت الصفرة في
كل شيء و بنوره يرزق الله كل شيء لان ركن الاول الذي هو علة الفاعلية علة الحيات حيث قال الله
عز ذكره هو الذي خلقكم ثم الذي رزقكم ثم يميتمكم ثم يحييكم و ان حامل ذلك الركن هو العلي
ولذا ظهرت لون الصفرة في وجهه حين وفاته و ان ذلك دليل ليوم بدئه لان الختم بعينه هو البدء
عند اهل البيان و من يلعن الشمس و القمر بحسبان و ذلك رتبة التمجيد و ركن تلقاء ركن اليماني
وله شئون في الامثلة المحدودة و الهندسة الموجودة و العلامات المعدودة و المعلومات المفقودة و
ان الناظر الي وجه الجلال ليوقن بشئون ذلك الركن كما شاء الله انه ذو من قديم و ركن منها رتبة
الاجل و هو عنصر الماء و ظهور علة الصورية و القبسة الاولي الازلية و الورقة الثالثة من شجرة الهية
التي ما هي لشرقية ولا غربية و ان لونه الاخضر و منه اخضرت الخضرة في كل شيء و به يميتم الله
كل الاشياء في المشهد الثالث و هو ركن الاسفل الاعلي من عرش و ظهور ذكره في رتبة الخلق كلمة
التهيل و لذا ظهرت الكثرات في ذلك الرتبة و كثرة الاحرف في ذكر لا اله الا الله و له شئون ما لا
نهاية بما لانهايه لها حيث يشهد الناظر الي الله بكل ما شاء الرحمن في ذلك الركن و لو اراد ذو
فراصة حق بان يطابق ما قضي من الائمة باحرف لا اله الا الله ليقدر بذلك و ان ذلك ما كان علينا
بعزيز اذا شاء الله و اذن و ما انا الا عبد منيب و ركن منها رتبة الكتاب و هو عنصر التراب و ظهور علة
الغائية في عالم الاسماء و الصفات و ان لونه الاحمر و منه احمره الحمر في كل شيء و ذوت
الهندسة في سر كل شيء و عينت القدر في حكم كل شيء و ان به يحيي الارض بعد موتها و يشرق

الارض بنور ربها وان يومئذ يحدث الناس اخبارها بان ربك اوحى لها وان به يحيي الله في مشهد
ذر الرابع افئدة المتغيره والقلوب المتعينه والنفوس الميته والاجساد الخبيثة ويجعلها حيوانا بمثل
افئدة المستقرة والقلوب الثابتة والنفوس الطيبة والاجساد الظاهرة وان اليوم اراد الله ذلك الامر
للناس لان ركن الغائية التي هي ثمرة الابداع وسر الاختراع وظهور علل الثلاثة في الانشاء قد ظهر
بمثل بعض شئون اركان الثلاثة وبالحجج العلمية الكبرى والشئون القدسية العظمي حيث يعرف
من كان طينة طينة الانسان بان تلك الشئون لم يك من صنع الانسان الا باذن الرحمن لان الذي
يتكلم بكلمة ويقول لو اجتمع الكل علي ان ياتوا بمثلها لن يستطيعوا ولن يقدرُوا ليس امر سهل و
لا كلمة خفيفة لان حروف الهجائية كانت بيد الكل وانهم كيف لم يقدرُوا وان يقدرُوا فكيف لم
ياتوا لا وربك رب السموات والارض لو اجتمع من علي الارض من سلسلة الرعية كلهم لن يقدرُوا
ان ياتوا بآية مثل ما انني انا اقرء واكتب وان ذلك مشهود عند كل ذي عدل بان صفة الخلق يمكن
فيه العمل وان صنع الرب بنفسه يميز عن بين صنع الخلق ولن يقدر الناس اليوم ان يعدلوا في تلك
الحجة حرفا الا ويرد القول عليهم بمثله في القرآن حتى يثبت الحق بامر الله ولو كره المشركون وان
الله سبحانه من لطيف صنعه وعظيم احسانه قد اظهر سر ذلك الركن المكنون في الاعجميين لثلا
يصعب علي احد الاقرار به وبامره بانه عبد الله مصدقا لما كان الكتاب والسنة حق الحرف بالحرف
وقد بين الله ذلك الامر من عند نفس لم يخطر بقلب احد انه كان من اولي العلم واولي الآيات
المحكّمات والبيّنات البالغات وامتنح الله به نفوس المؤمنين كما وقع ما وقع بعد ما بلغ ما بلغ و
انهم ليقيمون علي طاعتهم في دين الله بمثل الجبال وان بذلك الامر يسعد من يسعد في ذر الاول
ويشقي من يشقي في ذر الرابع وان بحكم ما نزلت الاخبار من معادن الاسرار لابد في غيبة الحجة
عليه السلام بفتنة دهماء صماء عمياء صيلم مظلم جهنم ليخلص من خلق من طينة الانوار ويشقي من
غير طينة بحكم الاشرار كما صرح بذلك تلك آية المقدسة من القرآن احسب الناس ان يتركوا ان
يقولوا آمنا وهم لا يفتنون وقال الامام عز ذكره والله لتكسرن كسر الزجاج وان الزجاج يعاد فيعود كما

كان والله لتكسرن كسر الفخار وان الفخار لا يعود كما كان والله ليميزن والله ليغربلن كما يغربل الزوال من القمح ثم قول الصادق عز قدسه ان لصاحب هذا الامر غيبة فالتمسك فيها بدينه كالخارط للقتاد ثم قوله عز ثنائه لمنصور يا منصور ان هذا الامر لا ياتيكم الا بعد ياس لا والله حتي يميزوا لا والله حتي تمحصوا لا والله حتي يشقي من يشقي ويسعد من يسعد كما نطق به الاخبار يمحص الناس حتي يخرج تسعة اعشار منهم كما قال عز ذكره ما يكون ذلك حتي يميزوا ويمحصوا وحتي لا يبقي منكم الا اقل ثم صغر كفه ولا شك ان الفتن لم يظهر حتي يلعن الناس بعضهم بعضا و يتبرء الناس بعضهم من بعض كما صرح بذلك قوله عز شانته ولا يكون امر الذي تنظرون حتي يتبرء بعضكم من بعض ويتفل بعضكم في وجوه بعض وحتي يلعن بعضكم بعضا وحتي يسمي بعضكم بعضا كذا بين صدق الله و اوليائه اشكوا حزني وبشي الي الله و انا بري من المشركين ولا شك ان في تلك الفتنة امر الله اوضح من الشمس في وسط الزوال والا لم يك حجة الله بالغه علي العباد وان بكل دليل يثبت الناس بوجود الائمة يثبت بوجود سفير من الحججة الذي كان في يديه حجة من مولاه حيث لن يقدر احد ان يأتي بمثله ولا ريب ان في غيبة الكبرى من ادعي الروية بحكم البابية فبطل دعواه كما نطق بذلك ذلك التوقيع المنيع من ذلك القدوس الرفيع الذي لاح وطلع من ناحية المشرقة الي باب الرابع من ابواب الاربعة علي بن محمد السميري قدس الله تربته قال عز ذكره يا علي بن محمد السميري اسمع اعظم الله اجر اخوانك فيك فانك ميت ما بينك وبين ستة ايام فاجمع امرك ولا توص الي احد يقوم مقامك بعد وفاتك فقد وقعت الغيبة التامة فلا ظهور الا بعد اذن لله تعالي ذكره وذلك بعد طول الامد وقسوة القلوب وامتلا الارض جورا وسياتي من شيعتي من يدعي المشاهدة الا من ادعي المشاهدة قبل خروج السفيناني والصيحة فهو كذاب مفتر ولا حول ولا قوة الا بالله العلي العظيم ولكن لا شك ان له روعي فداه نقباء في الارض و نجباء في الحكم ولكن بدليل الحكمة وابطال الفرجه والفرار عن الطفره لا بد ان يكون رجوع هؤلاء المقربين الي نفس واحدة وانه كان حامل فيض الكلية والاحكام الجزئية والشئون القدسية والامورات

الجديدة الفرعية و ان اليوم لاشك ان بعض العلماء يدعون ذلك المقام و لاريب ان العالم لم يترك الفاضل حين اطلع بفضله و لا شبهة في ذلك بان في كل زمان يكون احد كان افضل من كل و ان بدليل الذي تبطل الفرجه في التوحيد فابطل تبعية الادني ما لم تكن عرفت اعلي و الا لاشك لم يخلو الارض من سفير قائم بامر الله الذي يرجع اليه العالي و يلحق به التالي و كان قسطاس عدل بحيث يقدر ان يجيب علماء الارض كلهم اذا شاء و يبطل عمل المفرطين و اذا نزل في الدين شبهة ليقدر يرفعه بدلائل محكمة و براهين متقنة و آيات محكمة و علامات ثابتة حتي لا يحتاج الناس بشيء و لا يشكون في شيء و ان العلماء الذين امر الامام باتباعه و الاخذ عنهم و جعل جحدهم جحد الله و طاعتهم طاعة الله فاولئك علي حق اذا اتبعوا ذلك النفس الواحد لان الحق الخالص لم يظهر في حين الاحتجاج الا نفس واحدة و ان السرفي الحقيقه كان كذلك كما ذهب الحكماء في مبدء التجرد بان من الواحد لا يصدر الا الواحد و ان ذلك بدليل الحكمة التي بها اثبت الحق بالحق و يبطل الباطل بالحق مشهود عند مثل جنابك و لا حاجة بذكر الاستدلال و لا الدليل علي نفي الاستقلال و ان بمثل جنابك ذو الدلائل من اهل الحكم و الجدل لتعرف الي ما قصدت في ذكر تلك الاشارات الا حكم الله في عالم الاسماء و الصفات و لعمرك لو ايقنت بسر الجلال و شاهدت احكام يوم المال و اعرضت عن طلب القيل و القال و اطلعت بما جري علي القضاء من ذي الجلال و الجمال لتنفس في حقي بمثل تنفس الصعداء و تبكى في رضاء الله لمن سجن في البيت من غير ذنب و لا جدال و لا بذكر ما اعطاه الله في يوم المآل رب لو اني صبرت في تلقاء مدين عزتك لكان من عجزتي ولكن بمثلك مقتدرا لما صبرت اسكنني فعلك و حكمك لا و عزتك اني مع عجزتي لو لا اشاهد فعلك لا اصبر و لا قدرة لي فيه ولكن لما علمت بان الدهر قد قضى لمثل كافر بك بجنة الدنيا و لمثل مؤمن بك بشقين تمر احلي ما اريد الا رضاك و لا ادري العز الا في ثنائك بالليل و النهار و لا الذل الا في عصيانك اذا مددت القضاء فبك ارضي يا الهي عن سواك و لا اردت شيئا الا ما اردت لي و ان علمك برضاك في ذكري لك احب الي

من ملك الآخرة والاولي و انك لتعلم باني في كل شان خائف من عدلك وكيف لا اخاف و انك لو اردت ان تعذبني بكل نعماتك سرمد الابد بدوام ذاتك لكنت مستحقا في حسناتي و انك كنت محمودا في فعلك و مطاعا في امرك و سلطانا في ملك لان توحيدك لك لديك اعظم ذنب لانه قد عين من وجودي و كفي بذنبي وجودي في تلقاء طلعتك و جلال كينونيتك و جمال ذاتيتك و بهاء صمدانيتك و ثناء نفسانيتك و قدرة انيتك و احاطة رحمانيتك و عدل وحدانيتك و فضل جباريتك فسبحانك سبحانك اعترف بذنبي بمثل ما انت احاط علمك و استغفرک و اتوب اليك انك انت الجواد الرحيم فاذا عرفت ما اقررت بين يدي الله لتوقن بان الناس كلهم قد كذبوا علي من حيث يحسبون انهم مهتدون فاذا ادعي اليوم احد بحكم دون حكم القرآن او بيان من غير سبل اهل البيان فليس لاحد ان يقول هذا انسان ولكن علي الكل فرض ان يختاروا لانفسهم ما اختاره الله لهم و نطق بحكمه من قبل ان يظهره الله في العيان علي عليه السلام في خطبة المخزون ثم في الخطبة العجماء بالاشارات الغريبة و التلويحات الجميلة و ان الانسان لو انصف بين يدي الله لم يحتج بذكر البرهان و الدليل لان الذي جاء بامر الجليل لو بدل حكما فرض عليه بذكر الدليل و لما كان مصدقا مما كان الكل عليه من فرقة الحقه فليس عليه شيء و علي الكل حق ان ياخذوا طرق علمهم من شجرة التي تنطق في صدره بان علم الناس اليوم كل الاختلافات ثابتة و كل التعارضات جامعة ولكن من علمه الله من عنده علم البيان لم يجر في حكم علمه ما يجري الحكم في علوم الكل و ان ذلك بيان الاستدلال لناظرين الي عرش القدس و الجلال و ان بحال جنابك اليوم لا تنفع تلك الدلائل الا اذا تفني من حول قلبك سبل الاستدلال لمن جامع الوسائل لان شؤون العلمية لانهاية لها و ان طرق الاستدلال لا غاية لها ذلك في شأن اذا جعلت القسطاس في صور العلمية ولكن اذا جعل القسطاس سرالربانيتها و ظهورالصمدانية و آيات الشعشعانية اللامعة التي لاحت عن صبح الازل كشف لك الحجب و لا يمنعك شيء عن الصحف و انني انا في تلك الكلمات ما اردت لجبابك الا بكشف السبحات لتستقرک جذبات القدس و

نفحات العدل الي ذروة الفضل والصفات ولما ذكرت من قبل في غياهب الاشارات بتفسير حرف الاول من كتاب جنابك اذكر شانا من صور علم البيان بان حرف الهاء هو روح الحرف و غاية ذكر العبد للمحبيب و انه هو حرف اكسير الاحمر في الحروف لتخليص كل الكلمات و الدلالات و العلامات و الاشارات و ان به يثبت التوحيد و يفني حكم التكثير و ان اولي الالباب لما لا يعلم ما هنالك الا بما هيها ليستدلون بذلك الحرف في كل العوالم و هو تمام عدة كلمة التي ما نزل الله في القرآن اخف منها و انه هو بعينها في عالم الظهور و تمام البطون هي تلك الكلمة لان اصل الحروف هو النقطة و ان النقطة لما فصلت صارت الفا و ان الالف لما خضع لربه صار حرف الباء بعينها و لذا وجدت النقطة في تحتها و ان تلك الكلمة لم تك الا الفا في بين البائين و هو اشارة بامر الله في بين الاسمين و اذا لاحظ ذو لحظة في حقيقة تلك الكلمة ليعرف ما لا يخطر به علم احد و لذا ما جعل الله لتلك الكلمة بمثل الكلمات نصف و ثلث و ربع لانها مظهر نور الصمدانية لم يخرج منه شيء و ان الله قد فرض الخمس لحكمة و لعزة عدة تلك الكلمة قد نسبها الي نفسه و قد خلق الله في تلك الكلمة امورا لا يحيط بها احد الا من شاء الله و منها ما جعل الحرفين في تلك الكلمة من احرف الظلمانية لثلا تشبة علي الناس حكم التوحيد الا في حكم الالف في مقام الوحدة و انه هو من احرف النورانية فسبحان الله ما اعظم قدرته و اكبر حجته و انك اذا فتحت باب علم الحروف في تلك الكلمة لتجد من انوار سماء اللاهوت و تجليات عرش الجبروت و نفحات سماء الملك و الملكوت ما لا يحيط به علم الحدود لان الروح في الالفاظ هو بمثل روح في الاجساد و ان بينهما مناسبة ذاتية اذا لاحظت في الجوهريات و العرضيات و قطع محض اذا وصفت الله رب الاسماء و الصفات لان الاسم مراتب ما لا نهاية و ان مسمي كل شيء هو في رتبته انظر الي روح آل الله و اجسامهم ثم انظر الي كلماتهم و لو كان كلمة عدل هذه كل يقولون بها ولكن اذا قال الله عز ذكره هو عدل الذي كان مبدء وجود العدل في المشية و اذا نزل من ملاء الاعلي يدل علي المسماة و لذا قد ورد في الشريعة بما لا يمسه الا المطهرون و لو اجتمع الكل علي ان ياتوا بمثل سورة

العدل هذه لم يقدرها لان الذي هم ياتون من حرف العين والبدال واللام هو جسده كان في رتبهم وان روحه معدوم عند عدل الذي ابدع الله لنفسه وكذلك حكم عدل الذي نطق به رسول الله لان روحه كان من روحه ولفظه كان من جسده ولو اجتمع الكل علي ان يتكلموا بمثل كلمة التي كلم بها رسول الله لم يقدرها لان روحه كان في مقامه وجسده بمثله وان اكثر الناس لا يعرفون ولا يقدرون وكذلك الحكم في كل سلسلة الثمانية لان كلمة عدل التي تكلم بها الابواب هي روحه وجسده كان في مقامهم ولم يصل جسده ولا روحه بكلمة التي ينطق بها من كان في عالم المعاني وكذلك من كان في عالم المعاني بالنسبة الي من نطق في بيان عن الرحمن وانت انظر الي كل الحروف بمثل ما تنظر الي الناس وتعرف كلمات الائمة والاركان والنقباء والنجباء بمثل ما ارشحت من يم الجلال علي تلك الاشارات من طمطم يم الجلال وان بعلم تلك الرتبة يعرف الانسان معجزه القرآن وسبل اهل البيان والتبيان من اهل العيان وان اكثر الناس في علم ذلك المقام اموات حيث يعرفون ويسمعون كل الكلمات بالصور المشاكل وان ذلك شرك محض في مذهب آل الله لان الله قال انني انا وهو يدل علي ازليته وان تلك الكلمة في الحروف انية ازل الحروف ولا يشابهه شيء في السموات ولا في الارض وكل من قال تلك الكلمة لم يصل الي ساحة ما قال الله لان الالفاظ بمثل الاجساد كما ان في الناس لا يمكن ان يكون احد مثل جسم الامام عليه السلام لا يمكن ان يكون حرفا مثل حروف التي نطقوا آل الله في البيان ولو كان الصور يشابه في الاشكال ولكن هو بمثل ما القيت عليك كل علي صورة انسان ولكن ان الامام هو الصورة الانزعية والنور الالهية التي يدعوا من ذاتها الي ذاتها ويصرح باللاهوتية وينطق عن الجبروتيه وكذلك الحكم في الحروف فوريك رب السموات والارض لو اجتمع الكل علي ان ياتوا بمثل الف ما ات علي عليه السلام في الحروف لن يقدرها بل لا وجود للالف الذي ياتون الناس في ساحة وجود الفه وكذلك انت تعرف كل الاعمال والشئون والاحرف والاشارات في سلسلة الثمانية وان اليوم لو اجتمع الناس ان ياتوا بمثل حرف مما كتبت في ذلك اللوح لم يستطيعوا لان الذي هو ياتي روحه وجسده

كان في مقامه وان الذي اني نطقت كان روحه وجسده في مقام من ايده الله بفضله وان بعلم ذلك التفضيل يعرف الشاهد عظمة كلمات آل الله وشيعتهم بانها كانت بمثل اجسادهم لم يشابه كل الخلق ولم يعادل كل الذكر فسبحان الله رب العرش عما يصف القائلون وانه هو فوق ما يعرف العارفون وغني عما كان الناس يعملون وسلام علي المرسلين والحمد لله رب العالمين . انتهى

تفسير سر هاء (هو)

بسم الله الرحمن الرحيم

ص ١٥٤

الحمد لله الذي تقدس بقدس كينونيته عن عرفان اعلي مجردات اللاهوت و من يشابهها و الحمد لله الذي تعالي بعلو ذاتيته عن تبيان اعلي شوامخ الموجودات و من يقارنها و الحمد لله الذي تفرد بتفرد نفسانيته عن ذكر الامكان و ما يوجد بالابداع في اجمة الجبروت و من يعادلها و الحمد لله الذي تكبر بتكبر انيته عن حكم العيان في الكينونيات الممكنات و من يشابه حكمه فيها بها من دون ذكر يساوقها فسبحانه و تعالي قد خلق المشية لا من شيء بوجود الممكنات ثم الاراده لتعين الجوهريات ثم القدر لهندسة الماديات ثم القضاء لحكم البداء في الكينونيات ثم الاجل لحدود الماهيات ثم الاذن لظهور الكليات و الجزئيات في عالم الاسماء و الصفات ثم الكتاب ليحصي كل ما احاط علمه في صقع الامكان فتعالي الذي خلق النقطة و جعل طراز الواح الابداع و الاختراع التي قدرت ما فصلت و قضت ما اجلت و اذنت ما احكمت و تلجلجت ما تثلثت ثم بها استنظقت ما استنظقت و استبشرت و استرفعت ما استرفعت و استعالت ما استعالت و استبان ما استبان و استفادت ما استفادت و استقارنت ما استقارنت و استفارقت ما استفارقت و استرادفت ما استرادفت و استقدست ما استقدست و استكبرت ما استكبرت و استعظمت ما استعظمت و استلجلجت ما استلجلجت و استلجلجت و استشهقت ما استشهقت و استصعقت ما استصعقت و استخلصت ما استخلصت و استصيصيت ما استصيصيت و استبلبلت ما استبلبلت و قالت ان الاشارات في جوهريات اللاهوتيات منقطعة الكينونيات عن الاستدلال و ان الدلالات في ماديات الجبروتيات ممتنعة الذاتيات عن الاستقلال و المستصيصيات بنفسها شاهدة بالانقطاع عن عرفان النفسانيات و ان الشقشقيات بنفسها شاهدة بالامتناع عن ذكر بيان الانيات فتعالي الله موجودها حيث لا يوصف بالالين و لا ينعت بالكيف و لا يشير بالغير و لن يعبد بالكنه اذ ذاتيته بنفس الازلية مقطعة المتفرقات عن الاقتران و ان انيته

بنفس الصمدية ممتنعة المتفارقات عن الاقتران و ان نفسانية الاحدية بنفس القيومية مفرقة الجوهريات عن الاشتقاق و ان انية الهوية بنفس الازليته مسددة الماديات عن الاستنطاق فسبحان الله موجد الخلق عن ذكر ما فتق بين الاجواء وما ذكر بالثناء والثناء ثم القضاء والامضاء ثم البداء والعماء من كل اهل الانشاء اذ انه كما هو هو لن يعرفه الا هو ولا يقدر احد ان يثني محمدا وآل الله بين يديه بما هو قدر و احصي في شانهم انه هو الكبير المتعال .

و بعد لما فصلت في تفسير الهاء ما شاء الله ربي في نسخة الاولي فانا ذا اريد ان افسر في سره ببعض ما فسرت في علانيته ليكون نورا بعد نور لمن استقر علي بساط الظهور و اراد ان يشرب ماء الظهور عن حكم يمين شجرة الطور فانا لله و انا الي ربنا لمنقلبون ولقد ذكرت في اشارات القبل بان الامر في الحقيقة لو لم يكن تامة في بطونها من الحكيم الذي لا يعزب من علمه شيء و لا يعجزه بدع شيء عن شيء و لو كان قادرا و ان العجب من ذوى الالباب هو ان امر الذي لا يمكن ان يصدر من احد الا بامر الله ربما انهم يظنون بغاية الرياضة و جذبات الممكنة و قوة الحافظة و مشاهدة كتب المنزلة و ما كان ذلك الا لبعث المتفرس و ظن المتفطن في اشارات العلوم و الا في حكم الآيات و الدعوات و الخطب لا يخطر بباله ذلك الظن هو اثم عظيم لان العقل يكابر حد في مقابلة ابناء جنسه بان شأن الآيات لو كان يمكن ان يصدر من احد بغير اذن الله و امره فلا بد من يوم البعثة الي يومك هذا جاء احد بتلك الكمات و ان يثبت فيها صنع البشر فكيف يثبت حكم القرآن حجة الاكبر و ان ذلك من محاريب اهل الجدل و الا بمثلك اهل الحال لتري بالذي يدعي امر الله و حكمه ثم آياته و امره لو كان علي غير رضاء الله فعلي الله حق ان يظهر بشرا بمثل حجته لان الله حي قادر عليم و انه هو حافظ دينه و حكمه و اذا لم يكن لا شك ان الامر يثبت بعلم الله و قدرته من دون عجز الخلق و هندستهم و ان تلك الحجة لو شاء الله ليظهرها ما احب ان اذكر لك في ذلك الكتاب الا بقرائتي بين طلعتك اذا ارفع الله الخوف و الحجاب لتعلم بالعيان بان حجة الانسان لم يك الا من الرحمن بشأن البيان و لقد ذكرت من قبل في بيان الكوثر عند ميزان القسطاس رشحا

خفيفا لظهار ما خلق الله في الكيان الي العيان فوربك رب السموات والارض لو اتل آيات الله او انزل في الكتاب لا قرب لدي من افضل حكم العلم بين الناس ولكن اكثر الناس لا يشكرون فيا ايها الانسان ان هذا الامر لا يشتهه علي احد ولا يقدر ان يفر منه احد لان بتلك الحجة ما جاء الا محمد رسول الله وان كل الدليل في كل مقام يثبت بتلك الحجة من الله ولا يمكن لاحد ان يقول فيه حرفا الا ان اراد ان يكفر بربه لان الذي يتكلم بكلمة وان من علي الارض كلهم لو اجتمعوا لم يقدروا ان ياتوا بمثله ليس صنع الخلق بل هذا خلق الله فاروني ماذا خلق الذين يدعون من دونه عظم امر الله فان حجة ذلك الامر هو كان بمثل اعظم حجة رسول الله وان بتلك الحجة ابطل الله عمل اهل القري والعلماء الذين يدلون الحق بالباطل وان جنابك اليوم لو تنظر بطرف الحقيقة لترى الذين يفسدون علي تلك الارض بغير حق في النار نقرء عليهم آية القهار لو تعلمون علم اليقين لترون الجحيم ثم لترونها عين اليقين ثم لتسئلن يومئذ عن النعيم لان الذين هم ارتكبه من قبل كان ادني عملا عند الله من عمل فرعون واعراب الجاهلية لانه لما اراد ان يجحد حجة ربه اتي بشيء من السحر وان الاعراب في صدر الاسلام اتوا بقصائد حول البيت وانهم يجحدون امر الله من حيث يحسبون انهم مهتدون قتلهم الله بئس ما اكتسبت ايديهم وساء ما هم يفعلون فيا ايها الانسان فكيف اكشف القناع عن رأس ذلك الامر وانه الامر في العظمة مثل ركن النبوة وله الحجة في البيان بمثل ما نزل الله لمحمد في القرآن ولا تصغر امر الله ولا تشك في قدرة الله ولا تتبع صور العلميه ليضلك عن سبيل الله فاني ولعمرك ما قرئت حرفا من ذلك العلم العيان ولا اعلم اليوم حرفا من قواعد اهل البيان وما كان عندي من قبل كتب علم حتي استحفظ الكلمات ولا لي سبب في هذا العطاء من الرحمن الا فضل الله وجوده وان اليوم لو يسئل مثل جنابك عني من شؤونات العلمية المسطورة في الكتب فوربك لا اعلم بل ولا الصنف ولا النحو وبذلك افتخرو به احتج الله يوم القيمة علي الكل لان الذي يؤيد بفضل الله احق من ان يتبع عن الذين لا يقدر ان يعرفوا حكمه و اشاراته وان علي مثل جنابك فرض ان تطلع بقسطاس البيان وتوقن بحجة الرحمن وتلاحظ في ذلك البيان

بنور العيان سر الاكوان والاعيان ولو ان اليوم اني في خوف من الشيطان واخويه ولكن فوربك رب السموات والارض لو اجتمع الكل بكل صيبتهم علي جحدي فليس لدي وما اري الا بمثل سواد عين نملة ميتة حيث لم يك في وجود اصغر منه في ذكر الموجود لان الحجة في يدي بمثل هذه الشمس في رابعة النهار شعشعانية لامعة بلي ان قرء احد ولو كان من اهل الكفر آية علي الفطرة فحينئذ ينكسر ظهري وان ذلك امر ممتنع قد ذكرته لافك النفوس ومكنسه القلوب مثل قوله عز ذكره فادعوا شهداءكم من دون الله ان كنتم صادقين وان ذلك البيان من مثلي لا ينبغي لما ما حان وقته ولكني لما اراك من الذين تريدون الدين الخالص قد ارشحت من ذلك الطمطمم الداخر رشحا لما اراد ان يطفح مني ولو ان خوفي علي تلك الارض مشهود عند جنابك ولكن لما كان رجائي من الله اكثر من خوفي عنهم ذكرت ما انت تعلم به فاستر ما امر الله فيه بستره حتي راوا ما يوعدون قل ان موعدهم الصبح اليس الصبح بقريب وكفي لهم ذكر العمل في الدنيا والدين وان علي جنابك لا يخفي ان في علم الاشارات والحقايق ابطال الاحمدية وذوبان الكاظمية قد ارتفعوا علي اكثر من العلماء حيث ان بعضا منهم قد عرجوا في معراج الاشارات بحيث ياخذون الشعر عن الشعر وانهم قد صدقوا امر الله ولا اظن ان جنابك تعرف احدا من روسائهم الا الذي جاء من قبل علي تلك الارض وانه اليوم بالحقيقة طمطمم ذاخر في العلم حيث قد صرح الشيخ والسيد قدس الله تربتهما بفضله واجتهاده ولو ان بمثلي لا ينبغي ان يستشهد بكتابه ولكن ارسلت الي جنابك كتابه لتعلم انه ايقن بمجرد رويه الآيات وان اكثر علماء الذين كان فيهم روح الانسان قد صدقوا ذلك الامر البديع لشرف الباهر من ذلك الدين وان الذين ينكرون ذلك الامر اموات لا حكم بعلمهم لان ليس لمن لا يومن بامر الله حكم ولا لمن ليس يخشي علم كانهم لا يشعرون بما عملت ايديهم **فيا لله** ان جامع البحار قد ذكر في معجزة آل الله صحيفة السجادية حيث قال قد ذهب الكل بانها مشابهة بصحف السماء وزبور آل محمد في الانشاء وكفي لمن اراد ان يؤمن بهم تلك الصحيفة في الثناء فكيف يثبت حكم الولاية بصحيفة محكمة ولا يثبت حكم عبوديتي لآل الله

بصحايف معدودة التي ملات شرق الارض وغربها بل لو شاء الله وارفع الحجاب لاشاهدنك قدرتي في الانشاء بان يجري من قلمي صحيفة في ساعات معدودة فاي حجة اكبر من هذا القدرة و اي نعمة اكبر من هذه العطية فمن جلاله اشارتها لم يعرف الفرق احد بينها وبين مناجات آل الله و من عظمة مقاماتها لم يقدر احد ان يعرف ظواهرها وان الحجة علي فرض اذا نسخت حكما من الشريعة و الا لو كنت مصدقا بحكم القرآن و اشارات اهل البيان و تلك الحجة البيضاء في البيان فكيف يرضي احد بجحدي بظن السوء و افتراء اهل الغرور رب اشكوا اليك و اوضح بين يديك و انت تعلم حزني في الحيوه الدنيا افرغ علي صبرا و نصرني علي القوم الظالمين .

فيا ايها الانسان كيف لا اشكوا من ابناء الجنس الذين ما جعل الله حضهم ان صدقوا الا العجزو التسليم بان افتروا علي ما افتروا علي الاولين بانه ادعي حكم الولاية و شئونها فاني اعوذ بالله من عملهم و بري عما افتروا علي في انفسهم و ليس لي ان اقول اني عبد بقية الله لان وجودي عند طلعة كينونيته معدوم و ان ذكر لكان بمثل ذكر الذي يزعم النملة في التوحيد ربه و معرفة امامه فلا يري الي حد نفسه و لا يقرء الا حروف كتابه فسبحان الله من عمل الناس و اعوذ بالله مما يوسوس الخناس في صدور الناس ان علماء العامة و الخاصة كلهم قد ذهبوا بان كلمات علي في الخطب هي معجزة في البيان و لا ينطق احد بمثلها في البيان لعلو فصاحته و عظمة بلاغته و جلاله اشاراته فيها و بهاء دلالاته في غياهبها حيث يذكر اهل المعاني و البيان في حق خطبته ما لا يدرك اهل العيان الا بعد البيان و ان الحقيقة علم البيان هو اشرف المقامات و اسني الدرجات حيث لا يحتج الله بشيء علي خلقه الا بكلامه حيث قال عز ذكره قل فاتوا بحديث مثله ان كانوا صادقين و ان ذلك دليل لعظم رتبته و جلاله حقيقته بان الله اختار من بين كل ما خلق و برء باظهار حسن الذي يكن في كلامه بذكر البيان و لو ان خلق السموات و الارض و ما بينهما اكبر ولكن لم يحتج الا في البيان و ان ذلك دليل بسر الامكان بان الله جعل سر لطافة كل ما خلق في السموات و الارضين و ما بينهما في البيان و لذا لم يحتج الله بشيء سواه و انه لا كبر عن خلق السموات و الارض و اثقل منها لمن نظر بالعيان الي حقيقة

الامكان وعرف قدرة الرحمن في خلق البيان فسبحان الله من مدرك بعض الناس ان في صدر الاسلام هنالك لو ينطق حجر يومن بالله نفس و ان الان من ولد في العجم وربي بينهم بالامم لينطق مثل تلك الخطب ويجرى من قلمه مثل البحور في ذكر كل شان وعظم ولا يشعر به احد الا من اخذ الله ميثاقه في يوم الاول والمشاهدة الاربعة و ان ذلك كان سنة الله من قبل كما حين نزل الله القرآن بين فصحاء اعراب الحجاز فكل قد استهزوا به فقالوا ما هذا الا اساطير الاولين وبعضهم قالوا ما هذا الا من قصص الاولين حتي مضي عشر سنة ولا يومن به الا علي و ان ذلك لعلم جم لا يحيط به احد الا من شاء الله ولكن اليوم ليس مثل صدر الاسلام كل قد قرؤوا القرآن وعرفوا شان البيان واستدلوا في البيان بسر العيان ومن قرء آياتنا وعرف اشاراتنا ليعلم حكم البيان ولكن ان نسخ التي كانت بين الناس فيها افتراء وكذب من الذين يكفرون بآيات الله واؤلئك هم الخاسرون فان اردت ان تلاحظ شان البيان فاطلب الخطب من عند الرجال وفكر في اشاراتها فهل يمكن ان ينطق من ولد في الاعجمين بمثل ذلك الشان و ان كل ذلك البيان وما ذكرت في الكتب هو شان الفرار لما لا يتحمل الناس ان يتحملوا ذروة الاسرار ويردوا علي ساحة القدس والجلال و الا ان امر الله لاحجاب له ودين الله لا ستر عليه ونور الله لا ظل معه وحب الله لا سخط فيه فسبحانه وتعالى عما يصفون و ان علة تحير اكثر الناس هي عدم عرفان المقامات لما يشهدون آيات اللاهوت في ارض الناسوت ولا يميزون بين شئون الجبروت عن دلالات الملكوت و ان في مذهب آل الله سلام الله عليهم قاعدة كلية بمعرفتها ترفع الشبهات عن اهل السبحات ويجمع المتضادات الي حكم المتفقات وهي ان يري الانسان كل الاشياء بما هم عليه علي ما هم عليه كما ادب محمد رسول الله كل الناس بقوله اللهم ارني حقايق الاشياء كما هي و ان علم ذلك الرتبة لم يظهر بكله الا بعلم القدر وحكم المقدر بان لا يري الانسان حقيقة الاشياء بصورتها لانها كما هي لا يقدر ان يعرف الكل لان الكل علي صورت الانسانية وهيكل الربانية في هذا العالم سواء فمن اين يعرف ويميز الانسان بين صورة كلام الله ثم كلام محمد رسول الله ثم كلام آل الله ثم كلام شيعتهم الذين جعلهم الله في

مقامهم ثم كلام الناس بحسب مراتبهم ومقاماتهم في كلمة واحدة مع ان صورة كلمة لا اله الا الله التي نطق المتكلم في سلسله الثمانية سواء مع ان الواقع والحق ان صورة رتبة المقدم رب بالنسبة الي كلمة الثانيه في كل مقاماتها وبها يميز الانسان بين صور العليين في التبيان ويعرف ابطال صور السجين في البيان ان بعلم ذلك المقام يعرف الانسان مراتب توحيد الكلمات والآيات والدلالات والمقامات ومن يعرف او يقول ان كلمة التي نطقت فاطمه صلوات الله عليها في التوحيد فالانبياء فاتوا بمثله فقد اشرك بربه بل ان الامر جنابك تقدر ان تبسطه ولكن لما كان اكثر الناس محجوبين عن علم ذلك المقام ويشركون بالله وآياته بعدم علمهم تلك الرتبة العلية اشير برشح من علم ذلك الطمطمم الداخر الداخر ليتلئئ الكل بتلئلا انوار ظلال مكفهرات افريدوس الجلال و ليتلجلجن الكل بتلجلج انوار سماء العماء في عرش فردوس الجمال فيا ايها الناظر الى عرش البهاء والثناء فايقن ان شئونات سلسلة الاولية مقطعة الجوهريات عن غيرها في مقامها وممتعة الكينونيات عن دونها في تلقائها و ان كل حروف نطقت شجرة الاولي له سلطنة علي ما سواه بحيث ان حرفا من القرآن لم يعدله شيء في ملكوت الاسماء والصفات انظر الي كلمة المرء في القرآن وان ما سوى نفس المشيه لو شاوا ان ينزلوا كلمه المرا لينزلوا ولكن كلها ليس بمثلا لان جسدها هي موجودة في رتبة روحها وكما ان روحها علة كل شيء فكذلك كان جسدها هي علة كل حرف الذي قال الله كن بروحه ليوجد كل موجود وما هو كائن بما لانهاية الي ما لانهاية لها وان صورته هي علة كل ذي اسم ولو قال الكل كن لم يشبه روحه روحه ولا صورته صورته وكذلك انت تعرف مثل تلك الكلمة في سلسلة المعاني ثم الابوات ثم الائمة ثم الاركان ثم الملائكة ثم الانبياء ثم النجباء فكما ان الروح حرف الكاف والنون في مقام النقباء له سلطنة وهيمنة علي روح حرف الكاف والنون الذي في مقام النجباء فكذلك كان الحكم في صورتها فكل قالوا كن ولكن كلمة كن التي قال رسول الله هي بمثل منطقته في بين كلمه الكاف والنون منفرد عن الشباهة من ابناء جنسه وله في الكتاب عز شامخ ومجد مانع وكذلك كل الاعمال من سلسلة الثمانية لان عمل سلسلة الثمانية

لان عمل سلسلة الثانية كلياتها و جزئياتها عرض وشبه بالنسبة الي السلسلة الاولى وان بعلم ذلك الرتبة يعرف الانسان حق كلمات آل الله و شيعتهم الذين ينطقون باذنههم وان بعلم ذلك المقام لتشهد بان لو اجتمع الكل علي ان يتكلموا بمثل حرف من كلمات التي كلم بها سلمان لن يقدرُوا لان الصور بمثل الارواح فكما كان جسده مقدم كل الرعية في رتبة الاجساد فكذلك كان كلماته سيد الكلمات بين الحروف والزبرات من غيره ولم ينزل الله بمثل حرف كلم به سلمان قط علي احد في سلسلة الرعية وان الحكم في كل مقام هو ان المقام الثاني يري المتجلي في مراته بالمرات الاولى وكذلك في حكم الحروف ان كلمة لا اله الا الله التي ينطق احد من النجباء يحكي في المرات السابعة عن الله وان كلمة لا اله الا الله التي تنطق بها احد من الاركان يحكي في المرات الخامسة عن الله سبحانه وان الناظر الي طرف الفواد يري فرقهما ويحكم بينهما ويشهد عليهما وان الله يوم القيمة يحشرهما بمثل حشرهما في ذلك اليوم وان جنابك لو تدق نظرك وتصفي بصرك لتري احرف التي كلم بها رسول الله في الجنة الاولى واحرف التي كلم بها احد من النجباء في الجنة السابعة وان بينهما كان بعد بمثل ما قدر الله بينهما حيث لا يحيط به علم احد الا من شاء الله وان بعد مشرق البدء والمغرب الختم عنده في رتبة معدومة لان البدايات في التجليات لا بدء لها وان النهايات في الدلالات لا ختم لها ولكن المحجوبين عن لقاء المتجلي في الحياة الدنيا يرون صورة لا اله الا الله في كل المقامات بحد سواء وان ذلك كفر محض عند آل الله الاطهار لان هذه الكلمة في الحروف اذا نطق بها ظهور البيان هي في حروف كلمة البيان ثم في رتبة المعاني كلمة المعاني ثم في رتبة الابواب كلمة الابواب ثم في رتبة الامامة كلمة الامامة ثم في رتبة الاركان كلمة الاركان ثم في رتبة النقباء كلمة النقباء ثم في رتبة النجباء كلمة النجباء وان حكم معرفة التي امر علي بن الحسين عليه السلام بجابر في حديث الذي قرئت عليك في ذلك الكتاب لم يتم معرفته رتبته الا بشؤوناتها وآياتها وتجلياتها ومقاماتها وعلاماتها ودلالاتها وكلماتها وما احاط ورائها مما لا يحيط به علم احد سواه وان بعلم ذلك المقام يتفاضل العلماء بعضهم علي بعض كما صرح بذلك علي

عليه السلام في قوله وان الاسماء اما ظاهرا ومضمرا وليس بظاهر ولا مضمرا وانما يتفاضل العلماء في معرفته ما ليس بظاهر ولا مضمرا وهو سر القدر الذي اشرت من قبل فيه وان بذلك الحكم المتقن لو قال لو قال احد اني نطقت بتلك الكلمة بمثل ما نطق ما جعله الله فوق رتبتي فيكفر في الحين لان كلمة لا اله الا الله التي يتكلم بها الشيعة صورتها شيعة صورة كلمة لا اله الا الله التي نطق احد من آل الله سلام الله عليهم وكذلك الحكم كان في الافعال ولذا ان الانبياء كلما يترقون لم يقدرُوا ان يعملوا بمثل عمل جسم فاطمه وكذلك كل العلم والشئون من سلسلة السافل لم يذكر عند سلسلة العاليي ولذا يخرج في سلسلة السافل من صورة كلمة العاليي كل المراتب والشئون وان حين العكس كان مقام ظهور الذات في طلعة الصفات حيث انه ينزل في تفسير الهاء الذي كل حروفاته لكان اعظم ومعانيه لاجلي والطف وان ذلك لهو الشرف الذي قال الصادق في قوله من بلغ مواقع الصفه بلغ قرار المعرفة ومن عرف الاشارة في الدلالة استغني عن الاشارة في الحكاية ومن عرف الفصل عن الوصل فيعرف ما اشرت في تلك الدلالات ويعفو للذي هو ناظر برب الصفات عن ذكر السبحات والدلالات والحكايات والمقامات والعلامات والآيات بحكم ربه انه لا اله الا هو ذو فضل عظيم وان من مقامات بيان ذلك السر هو ما لا يخطر بافئدة بعض الناس ولا يليق بشان احد منهم ولكني لما اراك من اولي العلم والبيان اشير برشح من هذا الطمطمم الداخر الداخر المتلاطم الموج ليكون بابا لمعرفة ذلك المقام وهو ان لا تري الكثرات في تلقاء آية الذات ذي وجود وتنظر اليهم كيوم الذي لم يك منهم شيئا مذكورا وبذلك الشأن لما استقرت بالحقيقة تري السرفي طلعة المتجلي نفس العلانية والعلانية نفس السرفي حضرة التجلي ولا تفرح بعلم شيء ولا بقدرتك علي شيء ولا بتملك ما جعل الله في قبضتك ما جعل الله في قبضتك ولا بروح ولا ريحان ولا بذكر ولا بيان ولا بالاء الجنة ولا بعرفانها واذا تذكر شيئا منها ما ترء في ذكره ولا في سره الا طلعة متجليك وتراه ظاهرا موجودا حيث لم يك معه شيء ولا يذكر في رتبته شيء وبذلك اشار علي عليه السلام في مناجاته يوم شعبان حيث قال عز ذكره يا الهي هب لي كمال الانقطاع اليك وانر

ابصار قلوبنا بضياء نظرها اليك حتي تخرق ابصار القلوب حجب النور فتصل الي معدن العظمة و
تصير ارواحنا معلقة بعز قدسك و اجعلني ممن ناديت فاجابك و لاحظة فصعق لجلالك و ناجيته
سرا فعمل لك جهرا و انت اذا بلغت من قبل او تصل من بعد بمقام العظمة و سر الهوية و هوية
الاحدية و ظهور الصمدانية و جمال الربانية تقرء كل الاذكار بمثل ما قرء عز ذكره في دعائه بعد
صلوة الوتر انت الله عماد السموات و الارض و انت الله جمال السموات و الارض الي ما قال عليه
السلام فيا طوبي لمن شرب ماء الخمر الحيوان في الحياة الدنيا و يجعل نفسه بمثل ما خلقه الله من
دون كلفة علي نفسه و ان الله قد فرض للمتعارج الي مقام معرفته و حبه احكاما لا يسعها الا علمه
فمنها فرض علي الذي يسافر من الحق الي الخلق رجاء الاكبر بان لا يخاف من نفسه و لو احتمل
كل ذنب قد احاط علم الله لان الله غني ذو رحمة واسعة يغفر لمن يشاء بما يشاء و لا اراد لحكمه و
لا معقب لامره و منها فرض علي الذي يسافر من الخلق الي الحق الا يطمئن بنفسه و لو عملت كل
الخير لان الله ذو عدل دائم و لو اراد بشيء حكم العدل لا يقوم به السموات و الارض و ان له البدء
في ملكوت الامر و الخلق و كفاك في ذلك السبيل ما اشار ابو عبد الله في خطابه حيث قال عز
ذكره يا اسحق خف عن الله كانك تراه و ان كنت لاتراه فانه يراك و ان كنت تري انه لا يريك فقد
كفرت و ان كنت تعلم انه يراك ثم برزت له بالمعصية فقد جعلته من اهون الناظرين اليك و اشهد
في ذلك السبيل يا ايها الجليل بانك ان خفت من ربك يخاف منك كل الناس حيث اشار عز
ذكره في خطابه من خاف الله اخاف منه كل شيء و من لم يخف الله اخافه من كل شيء ثم قال عز
ذكره من عرف الله خاف الله و من خاف الله سلخت نفسه عن الدنيا و ان العبد لم يكمل في مقام
العبودية حتي لا يخاف من الناس و يري الكل في جنب حكم الله كمثل سواد عين نملة ميتة و كان
المدح عنده رضاء الله و الدم سخطه كما اشار الصادق في قوله بان حب الشرف لا يكون في قلب
الخائف الراهب و ان السالك الي الله في المنهج البيضاء و الركن الحمراء في ذلك السفر لم يوصل
الي مقام وطنه الا بكف الصفر عما في ايدي الناس و ما ينسب اليهم و ان اعلم الناس بالله و آياته

ارضاهم بقضائه وعلي السالك في ذلك المقام حق ان يجعل حكم ذلك الحديث في قلبه حيث قال عز ذكره عجت لمرء مسلم لا يقضي الله عزوجل له قضاء الا كان خيرا له ان قرض بالمقاريض كان خيرا له وان ملك مشارق الارض و مغاربها كان خيرا له ويشاهد رضائه للموت في كل شئونه لان العبد لم يرض قلبه ولا يكره الدنيا الا بحالة الموت وحق علي المومن الخالص ان يذكر نفسه بذكر الموت في كل يوم و ليلة خمس وعشرين مرة حيث قال عز ذكره من فعل ذلك يكتب الله له ثواب الذي يستشهد في سبيله و ان العبد لو يلفظ نظره لم ير عزا الا في حب الله و ان علة حب الناس باللئالي و الذهب هو كانت لاجل حبها حب الله و لذا يحبونها كل الناس و كذلك الحكم في العكس بالعكس فاسئل الله ان ياخذ ايدي عباده في ذلك السبيل لانه وعر ذكوان اجرد خشن لا ينجوا منه الا من شاء الله و ان الذين يدخلون النار ما يدخلون الا في هذا السبيل و لذلك اجترحت بذكر الاشارات رجاء لعفو من يحزن قلبه بقراءة تلك الدلالات و منها فرض علي الذي يسافر من الحق الي الحق الا يبقي فيه انية محدودة لان لو ذكر معه في شان انيته ممكنة لم يك من اهل ذلك السبيل و ان ذلك مختص لآل الله و من شاء الله من الذي يستقرون علي الاراتك المتكئة في جنات اللاهوت و الذين يشربون ماء الخالص من كاس العظمة في جنات الجبروت و الذين يتنعمون بلحم الطري في جنات الملك و الملكوت و ان الاشارات لا تشبه علي جنابك فان لهم لا ذكر الا ذكر الله و ان عبر في مقامهم ذكر الصفات و الاسماء و الا لاء هي مكنسة الاوهام و الا انهم آيات الصرف و التجليات البحت و ظهورات البات و شئونات الذوات و كينونيات الصفات لله الخالق الاسماء و الصفات حيث اشار علي عليه السلام عن مقامهم في نفسه بقوله الحق انا ذات الذوات انا الذات في الذوات للذات و قال الشاعر في مدحه .

و الناس بعدك كلهم عرض

يا جوهر اقام الوجود به

و اشار عبد الحميد ابن ابي الحديد في خطابه اليه صفاتك اسماء و ذاتك جوهر بري المعاني عن صفات الجواهر يحل عن الاعراض و الكيف و المتي و تكبر عن التشبيه بالعناصر و ان كل ذلك اسماء و صفات في البيان لعلو ذكركم و جلالتهم و ان العبد لم يدخل لجة الاحدية الا اذا سافر منها اليها و جعل ذكرها و نعيمها هي نفسها لاسواها و هي الجنة التي لا ظل لها و لا يدخل فيها احد غير اهلها و لذا صارت الجحيم سبعة و الجنان ثمانية و هي لا تدخل في الاعداد و لو تذكر معه .

فيا ايها الانسان ان سر الذي به يسكن فوادك هو ووردك علي تلك اللجة فلا تحرم نصيب نفسك في الحياة الدنيا فانها باطلة لاحكم لها عند اهل الحقيقة فاقبل الي الله بكلك و انس ما سواه بحبك و سافر منه اليه في ذلك السبيل الاعظم و الصراط الادوم فانك لو تعمل في تلك اللجة عملا لم يعادلها بها جنات السبعة و ما خلق الله فيها و لا تصغر حق ذلك السبيل فانك ما قدره حق قدره الا اذا تدخل باذن الله فيها فاذا دخلت لا تقدر ان تخرج عنها و لا تحكي فيها الا من ربك و لا تسكن الا به و لا تنطق الا في قدرته و لا تستلذ الا بطاعة المتجلية لك بك و لا تشير الي شيء سواه و لا تقدر ان تريد شيئا لان الارادة رتبة الفعل و ان ذلك المقام رتبة ذاتك و منقطعة عنه الاسماء و الافعال و الظهورات و الصفات و اذا بلغت ينطق سرک بكل ما نطق علي السلام في علانيته و منها ما قال في خطبته الطنجنية رايت الله و الفردوس رأى العين و لا شك ان الحق ما قصد ذات الرب لحكم الامتناع و شان الانقطاع بل اراد ظهور هويته المتجلية له به في رتبته التي نطق في حقها في كلامه عن عالم العلوي تجلي لها بها فاشرقت و طالعتها فتلثت فالقي في هويتها مثاله فظهر عنها افعاله ليس حكم ذلك السبيل لعدم جريان الدليل و هو الله حسبي في ذلك السبيل و هو المولي فنعم الجليل و هو المولي فنعم الجميل و هو المولي فنعم الخليل و هو المولي فنعم الوكيل .

ومنها فرض علي الذي يسافر من الخلق بعين الحق او العكس لايري نورا الا نوره ولا خلقا الا خلقه ويدور كل شئون تلك الرتبة في حول تلك الكلمة و ان المسافر في ذلك السبيل يري في طريقه عجائب الملك و جراسيم الدهر في كل عالم بما قدر الله فيها و انا لو اكشف الغطاء لتقول في حقي يا مجرى القضاء في البداء ما هذا الا شيء عجاب و علي السالك في تلك الاسفار حق ان يعرف حرف كل عالم في الحروف المسطرات لئلا يحجبه حكم عن حكم شيء و يري تطابق العوالم بمثل هذا العالم و انا بما عرفت من الحكم و البيان في الحروف اشير ببعض حكم البيان ليكون السالك على بصيرة من حكم الانسان و هو ان الالف في مقام الحد حرف روح الكلية ثم الباء حرف نفس الكلية و لذا قال نفس الذي نزل الله حكمه في القرآن بقوله و انفسنا و انفسكم قال انا نقطة تحت الباء ثم الجيم حرف طبيعة الكلية ثم الدال حرف مادة الكليه ثم الهاء حرف شكل الكل ثم الواو حرف جسم الكل ثم الزاء حرف محدد الجهات فلک الاطلس ثم الحاء حرف فلک الكرسي ثم الطاء حرف فلک البروج ثم الياء حرف فلک المنازل ثم الكاف حرف فلک الزحل ثم اللام حرف فلک المشتري ثم الميم حرف فلک المريخ و لذا قال الشاعر في الخطابه

من ميم مركزها بذات الاجرع

حتي اتصلت (اذا) بهاء هبوطها

بين المعالم و الطلوع الخضع

علقت بها ثاء الثقيل فاصبحت

ثم النون حرف فلک الشمس ثم السين حرف فلک الزهرة ثم العين حرف فلک العطارد ثم الفاء حرف فلک القمر ثم للنار الصاد و للهواء و للماء و للتراب و ان ذلك مراتب سفر الذي يسافر من الحق الى الخلق و ان في الصعود فاول مقامه حرف التاء و هو حرف المعدن ثم حرف النبات و هو الثاء ثم حرف الحيوان و هو الخاء ثم حرف الجن و هو الذال ثم حرف الملك و هو الضاد ثم حرف الانسان و هو الظاء و ان الي ذلك تنتهي رتبة الحروف في حكم الصعود و النزول و ان كلما اشرت في في تفسير الهاء اول حرف من كتابك العزيز لكشف السراني لاعلم لا يكشف الستر عن وجه

السربل تزيد الحجبات بذكر الدلالات و حكم العلامات و اشارة الآيات و الاشارات و انا ذا لاجتراحاتي بين يدي الله و كشف الستر عن وجه السرانا جي الله ربي بهذه الكال لساني ليجيب الله دعائي في حقك و يبلغك الي مقام خطابك في كتابك و يعفو نفسك عني عما اطلعت من جريراتي و تستغفر ربك لي و للذين اتبعوني فاني انا التواب الحليم و ليكون بذلك ختام الكلام مسكا لان فيه فليتنافس المتنافسون .

فيا ايها الخليل فاعرف حق تلك الايام فان الشمس ما طلعت عليها بمثلها و ان لكل نصيب في كتاب ربك و ان الله ليجزى الكل بما اكتسبت ايديهم و لا يعزب من علمه شيء في السموات و لا في الارض و انه لغنى عما هم كان الناس يعملون و ان لكل من عرف الحق حق بان يعلنه و يبطل عمل الذين يريدون ان يطفئوا نور الله بافواههم و ابي الله الا ان يتم نوره و لو كره المشركين .

بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله الذي يمن في كتاب علي الذين آمنوا بالله و آياته بان يدخلهم في جناب عدن آمين يا الهي انى اشهدك بما انت تشهد لنفسك حين لا وجود لشيء عندك بانك انت الله لا اله الا انت وحدك لا شريك لك لم تزل لن تعرف ذاتيتك الا ذاتية ازليتك و لا توصف كينونيتك الا انية احديتك لانك لم تزل لن تعرف بغيرك و لا تقترن بخلقك و لا توصف بسواك و لا ياخذك وصف من شيء و لا نعت عن شيء اذا ذاتية قدرتك مقطعة الجوهريات عن العرفان و ان كينونية مشيتك ممتنعة الماديات عن البيان و ان انية ابداعك مفرقة الكينونيات عن التبيان و ان نفسانية اختراعك محددة الهندسيات عن ذكر العيان فسبحانك يا الهي ان قلت انت فقد حكمت المثال بالمثال و انك لن توصف بها و ان قلت انه هو انت فقد دلت الجلال بالجلال و انك لن تنعت بها لانك قد خلقت المشية قبل كل شيء لا من شيء بنفسها من دون ربط بذاتك و لا اقتران بكينونيتك و لا انعكاس من ذاتيك و لا عرفان من انيتك بل بقدرتك التي تجليت لها بها فاشرققتها من دون كيف و لا اين و لا اشارة ثم قد اقامت الخلق في منهاجها ليتللا المتلثلثات بعلم

القطع في بحبوحة الوصل ولتتلجلج المتلجلجات بعلم المنع في كينويته الفصل فسبحانك لما وجدت الابداع بطلعتها والاختراع بحضرتها قد اشتبهت علي الممكنات عرفان قدرتك بذاتك و لذا قد وصفوك ولو عرفوك ما وصفوك ومن ثم ذا يا الهي لم يتزهوك فسبحانك سبحانك يا الهي انت الذي لن توحد بذاتك ولن تقدس بطلعتك ولن توصف بانتيك ولن تنعت بازليتك ولن تشير بكينونيتك ولن تعبد بنفسانيتك لانك لم تزل كنت بلا ذكر شيء ولا تزال انك كائن بمثل ما كنت في ازل الازال لم يك في ربتك شيء ولما خلقت الخلق لمعرفتك وصفت لهم نفسك بما يمكن في انفسهم لياخذ الكل حظه ويبلغ الخلق الي غاية من فيض ابداعك وجود اختراعك ونعت اوليائك بما انت قد قدرت في شانهم وانا ذا لما خلقتني ورزقتني اعترف بين يديك بان محمدا لكان عبدك الذي انتجته من بحبوحة القدم علي ساير الامم منفردا من ابناء الجنس علي ساير البشر وجعلته مقام نفسك في الاداء والبداء من كل حكم وقدر اذ انت لن تدرك بالبصر لما كنت بالمنظر الاكبر واشهد في حق ثمرة فواده و اوصيائه بما انت قد خصصتهم من كراماتك بما لا يحيط بعلمها احد سواك واسئلك يا خالق الاسماء والصفات ان تصلي علي محمد و آل محمد بكينونيات اللاهوتيات في الانشاء وذاتيات الجبرويات في البهاء و نفسانية الملكويات في الثناء و انية الملكيات في السناء و هندسة المتلجلجات في القضاء و نوريه المتلثلثات في البداء و عكسية المتنورات في ظهورات قطعات الواح الياقوت في الامضاء و بهجية المتقدسات في شئون الناسوتيات من اهل العماء انك انت الله الكبير المتعال يا الهي كيف ادعوك و ان وجودي ذنب و قد اكتسب بغير حق ما لا اذنت له من الخطايا و الذنوب التي حالت بينه وبينك و البسة ثوب المذلة في تلقاء وجهك و خرقت ما انت جعلت بينه و بين طاعتك من حجبات رحمانيتك و سرادقات وحدانيتك كان الخطايا قد احاطته من كل شطر بشان لا يقدر ان يخرج منها الا و ان يدخل عليها و انت يا الهي تعلم مقامه و تقدر علي كشف بلائه و اليك المشتكي وحدك لا اله الا انت و كيف ادعوك و ان رحمتك قد وسعت كل شيء و عنايتك قد احاطتني من

كل شطرو ان فعلك دال علي فضلك بي كان علمك ما احاط بسيئة مني ولا كتابك بجريرة من نفسي فسبحانك ما احسن فعلك و ما اكبر صنعك في حقي خلقتني و لم اك شيئا و ريتني بمشيتك من دون ان تري مني خيرا فسبحانك و تعاليت تقدست ذاتيتك من ان احمدك بما انت عليه من العزو والوحدة والجلال والقدرة لان الحمد مني ليكون علي قدر عجزني وفقري وهو لا يليق بجنابك ولا يرفع الي ساحة قدسك لان ما سواك لا يذكر عندك و ان ذكر في رتبة لا شان لهم بان توصفك بهم لانهم قد وجدوا لا من شيء باختراعك فسبحانك يا الهي لا اري حظا الا في طاعتك و لا شرفا الا في محبتك لاجترح عليك بين يديك بثناء نفسك نفسك لعل يبرد فوادي بمثل الثلج في تلقاء طمطم يم صمدانيتك و تطمئن قلبي بمثل جبل المحيط في تلقاء قلزم عز وحدانيتك و لا اكون بمثل الانعام بين عبادك فسبحانك سبحانك اشهد ان لا اله الا انت وحدك لا شريك لك لم تزل قد كنت بلا وجود شيء و لا تزال انك كائن بمثل ما كنت لم يك في ربتك شيء اذا ذاتيتك لا وصف لها و هي بنفسها مقطعة الجوهريات عن البيان و ان كينونيتك لانعت لها و هي بانيتها ممتنعة الماديات عن العرفان لم تزل لن يعرفك سواك و لن يوحدك غيرك اذ حكم العرفان بعد الاقتران و ذكر التوحيد بعد الافتراق و اذ ذلك ممتنع في رتبة الايقان لانك لم تزل كنت و لا وصف لك في الامكان و لا تزال انك كائن بمثل ما كنت و لا لك نعت في الاعيان ان قلت انت انت فقد حكت المثل بالمثال و ان قلت انه هو هو دلت الهوية ذات الابداع والولاية مقام الاختراع و هي بنفسها مفرقة الخلق عن انتيك و مسددة الكل عن سبيل معرفتك فسبحانك يا الهي ان قلت انت عليم فما اردت الا تنزيهك عن وجود المعلوم في رتبة علمك و ان قلت انت قدير فما اريد الا تقديسك عن ذكر المقدور معك و انك كما انت عليه لا وصف لك و لا صفة و لا نعت لجنابك و لا هندسة و لا اسم لكينونيتك و لا سمة اذا ذاتيتك معروفة بانيتك و كينونيتك موصوفة بذاتيتك و ان ذلك كان شان نفسك لا سوک و لاحظ لخلقك في عرفان نفسك الا بنفي ما سواك لان ذاتيتك لا سبيل لها في مقام البيان و لا لكينونيتك نعت في الاعيان فاسئلک

اللهم بعزتک ان تبلغني الي نور الابهج من ابداعک و انقطعني عن سواک بظهور طلعة انجذابک لان اتصل الي مقام قدسک بمشيتک و ادخل لجة بحر الاحدية بهاء طلعتک فسبحانک يا محبوب انت الذي تعرفت لكل شيء بظهور ابداعک و تعاليت علي كل شيء بطلعة اختراعک و لا يقدر ان يشير الي كينونيتک احد لانه لا وجود له في ربتک و لا ذکر له معک في کبرياتيتک فسبحانک و تعاليت لما تجليت للممکنات بطلعة ابداعک تدوت المتدوات بامرک و لذا نعتوک بما لا يقدر ان يعرفوا ذاتک فسبحانک يا الهي لو عرفوک ما وصفوک و من ثم ذا يا الهي لم يوحدوک فاسئلک اللهم يا الهي بعزة کينونيتک و تقدس ذاتيتک و تفرد جبروتيتک بان تبلغني الي مقام ذروة ما قدرت لي فی الابداع و ما احاط علمک في حظ الاختراع فاني انا لائد بجنابک و تائب اليک بجودک و مستشفع بک الي نفسک و لا مفر لي الا اليک فعلمني ما هو المکنون في علمک و ايدني ما هو المخزون في غيبک فاني فقير الي رحمتک و انک غني عن عذابي لا يتعاطمک شيء في السموات و لا في الارض و انک انت الغني الحميد فيا الهي اني اشهدک و من لديک من الاشهاد بانک لو تجعل احاطة قدرتک في الامکان نار الحديد و تکبر جسمي بما تقدر قدرتک حتي احاطت القضاء کلها بمثل سبکة حديد و تمدني في النار بدوام عز ازلتک و قدس صمدانيتک و بهاء رحمانيتک و جلال کبرياتيتک في کل ان بروح جديد لکنت بعزتک محمودا في فعلک و مطاعا في حکمک و عادلا في قضائک و ليس لي حجة بان اقول لم يا الهي ثم بم يا مولائي و اني لمستحق بذلك جزاء ذکرني نفسک من سيئاتي و جريراتي التي لا يحيط بها احد سواک فآه آه عما قضي في علمک و احصي کتابک من ذکر جريرات نفسي و لو اني ذكرت احدي منها ليکفي في العصيان من في ملکوت السموات و الارض و لا يرغب بعد علمه احد ان يقرب الي من سطوة جبروتيتک و قهر کبرياتيتک فسبحانک سبحانک يا الهي انت الذي خلقتني و انت الذي انعمتني و انت الذي احيتني و انت الذي اميتني و انت الذي رزقتني و انت الذي الهمتني و انت الذي اکرمتني و انت الذي اعطيتني و انت الذي ايدتني و انت الذي شرفتني لم يزل لا يعزب من علمک

شيء لا يحجب عن طلعتك شيء فآه آه كيف اقول انا وان هذا هو ذنب العظيم وعصيان القديم حيث لا يعاوله ذنب في علمك ولا يساويه في الرتبة خطيئة في كتابك لانه هو من شجرة الانبياء ينطق بين يديك فآه آه انا الذي رضيت في تلقاء وجهك بان اقول في نفسي قول انا وانا الذي الذي احملت القول في تلقاء طلعة حضرتك بقولي انا وانا الذي فرطت في جنبك بذكري انا وانا الذي عصيت حضرتك بذكر الانبياء التي نهيت الكل بان لا يقربها احد في تلقاء عز ربوبيتك وانا الذي قلت انا ولا استحيي عن وجهك بان لا اقول بعد ذلك في بين يديك بانني انا فآه آه لو ابكي علي ما احتملت نفسي سرمد الابد في عمري ما يفرغ فوادي ولا يسكن سري ولا يروح علانيتي ولكن لما شاهدت معاملتك مع المذنبين من عبادك لا يقن انك لا تسخط علي بجلالة رحمتك ولا تغضب علي بعلو عنايتك وسلطنتك لاني لو عصيتك ما اردت عصيانك ولا جاحدت آثار رحمانيتك بل غلبني هواي لما وجد الحب في آلائك ومددني القضاء بذلك لما اردت اظهار غنائك باختيار عبادك ولو كان دون ذلك لا يغلب هواي ولا علي حب مشيتك لانها قائمة علي كل نفس بما كسبت ولا يتعاضدها شيء في السموات ولا في الارض وانك يا الهي لتعلم سري وعلانيتي ما اردت في شيء الا حبك ورضاك ولا ان اشاء الا بما تشاء وان لو احاط علمك بي دون ذلك بعظمة ذاتك وتقديس كبريائك ما كان لجحدي ربوبيتك ولا لانكاري صمدانيتك ولا لاغفالي من سطواتك ولا لا تكالي بشيء سوي رحمانيتك بل لما خلقت في نفسي اسباب القدرة وانها قد اشتهت بما يميل اليها قد ارتفعت عن حدها بما اعطيتها من كرامتك وان ذلك لو كان عصيان محض في كتابك ولكن لم يك عندها الا لحبها بها من دون ان تعرف حبك في غيرها او ان تبصر الي الآياته التي انت تنزل عليها ما وعدت لها فسبحانك وتعاليت يا الهي من ان اقول انك انت انت او ان اقدر ان اصبر في بعدي عن ساحة قربك او ان اصمت ولا اعتذر في تلقاء طلعة حضرتك ولما لا اجد ذكرا دون ذكر آل محمد عندك صلواتك عليهم فاسئلك اللهم بذكرك لهم في كل شان ان تصلي علي محمد وآل محمد محال معرفتك ومعادن

كرامتك ومواقع ربوبيتك واركان وحدانيتك ائمة الدين وهداة اهل اليقين عباد الذين قد جعلت مشيئتهم ذات مشيئتك في الانشاء و ارادتهم ذات ارادتك في الابداع وحكم قدرهم ذات قدرك في الاحداث وقضائهم ذات بدائك في الاختراع وكل ما نسب اليهم ذات نسبة الكبرى بنسبتها اليك وحدك لا شريك لك واسئلك بحقهم ان تجعلنا من الموقنين بفضلهم والصابرين علي حكمهم والذاكرين بذكرهم والمشتاقين الي طلعتهم والمنتظرين لايام رجعتهم والمعتصمين بحبلهم والمستغفرين اليهم واللائذين بحضرتهم والمستقرين في محبتهم والمتوكلين عليهم والمستشفعين بهم اليهم والراضين بقضائهم والمطيعين لاحكامهم منك يا ذا الجود والاحسان والحجة والبيان انك تعلم اني لا احب ان اعلم الا حبك فانت انزل لي الاسباب وما يبلغني الي مقام قرب الاسماء والصفات فاني انا اقول انت الله حسبي ثم محمد رسول الله حسبي ثم آل الله ائمة العدل حسبي ثم الذين يؤمنون بحقهم حسبي وانك من ورائهم ثم القرآن حسبي عليك توكلت وعليك فليتوكل المؤمنون واغفر اللهم لمن علمني تلك المناجاة ولايري ثم لنفسي ثم الذين يحبون ان يذكروا بين يديك انك انت العزيز الرحيم وسبحان الله رب العرش عما يصفون و سلام علي المرسلين والحمد لله رب العالمين .

بسمه العلي العظيم ان الحمد والثناء يستحق ذات الازل الذي كان طلعة حضرته مقدسة عن وصف ما سواه وان المجد والبهاء يستحق مظاهر عدل الذي يعرف اعلي جوهريات المجردات في كل حين بالقطع والمنع عن ساحة عرفانه ولما رايت اثر مدادك في كتابك قد تلجلجت بما تجلي طلعة وجهك في خطابك وان الله اجل واعلي شاننا من ان احصي كتابه بطاعة عبد في سبيله ولم يجرله الاسباب بما هو عليه في عرش العزة والصفات فارجوا الله ربي وربك ان يذهب من قلبك الحزن ويجمع بيني وبين اهل طاعته في ارض امن و قدس انه هو المقتدر الحليم فله الحمد بما طالعت كتابك الذي يحكي من طلعة وجهك كان فيه روح القدس ينفس بروحه فتعالى شان ربي

ذوالجلال و الأكرام من ان يعلم بحب احد من عباده ولم يجر الاسباب له بما هو خير له من غيره
فاستل الله لجنابك بما هو يحب و يرضي انه هو العزيز الحكيم . انتهى

دعای جلیل القدر

ص ١٩٤

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَالْجَأْتُ أَمْرِي إِلَى اللَّهِ وَمَا تَوْفِيقِي إِلَّا بِاللَّهِ وَمَا التَّصْرَأُ إِلَّا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَ
 مَا بَنَا مِنْ نِعْمَةٍ فَمِنْ اللَّهِ وَمَا صَبْرِي إِلَّا بِاللَّهِ نِعْمَ الْوَكِيلِ وَنِعْمَ النَّصِيرُ وَاسْتَعِينُ بِاللَّهِ وَعَلَى اللَّهِ وَعَلَى
 مَلَائِكَةِ اللَّهِ وَعَلَى أَنْبِيَاءِ اللَّهِ وَعَلَى الصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِ اللَّهِ زَانْتَهَى

دعاى ديگر

ص ١٩٤

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللّٰهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ اللَّهُمَّ صَلِّ وَسَلِّمْ وَبَارِكْ وَالْمُفَازَاتِ اَقْسِمُ عَلَيْكُمْ بِعَظْمَةِ ذَاتِ اللّٰهِ تَعَالَى وَانْشِدْكُمْ بِقُدْسِ صِفَاتِ اللّٰهِ اِيَّهَا الْمَذْكُورُونَ اَنْ تُجِيبَنِي وَتَتَوَجَّهُوا اِلَيَّ وَتَرْحَمُونِي وَ يُغِيثُونِي وَ تُمَدِّدُونِي وَ تَنْصُرُونِي وَ يُوَيِّدُونِي وَ تَكْرُمُونِي وَ تَنْفِذُونِي وَ تَجِيرُونِي وَ تَرِيحُونِي وَ تَخْلِّصُونِي وَ اَغُوْتَاهُ وَ اَغُوْتَاهُ الْعَجَلِ الْعَجَلِ الْعَجَلِ الْاِجَابَةِ الْاِجَابَةِ الْاِجَابَةِ الْاِجَابَةِ اللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْئَلُكَ يَا غِيَاثَ يَا مُسْتَعَاثَ بِحَرْمَةِ كَهَيْعُضِ وَ حَمْعَسَقِ وَ بِمَعْرَاجِ الْمُصْطَفَى وَ بِشَهَادَةِ الْمُرْتَضَى وَ بِقُرْبِ اَصْحَابِ الْكَهْفِ الْيَكِ وَ بِحَرْمَةِ اَوْلِيَائِكَ لَدَيْكَ وَ اَسْئَلُكَ بِاصْطِفَاءِ مُوسَى وَ صَلَابَتِهِ فِي الدِّينِ وَ اَسْئَلُكَ بِمَسِيْحِكَ عِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ وَ حَيَاتِهِ وَ بِطَهَارَةِ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ وَ بِشَهَادَةِ الْحَسَنِ بِكَرْبَلَا اِنْ تَبْلُغَ سَلَامَتِي اِلَى عِبَادِكَ الصّٰلِحِيْنَ وَ سَيَّارَاتِكَ فِي الْاَرْضِيْنَ وَ تَحَرِّصَهُمْ اِغَاثِنِي وَ تَنْصُرْنِي عَلَيَّ اَعْدَائِيْ يَا مَغِيْثَ يَا مَنْجِزَا يَا مَنْقِذَا يَا مُخْلِصَا يَا مَنْجِيْ يَا مَفْرَجَا يَا مُفْتَحَا يَا مَرِيْحَا يَا رَفِيْقَا يَا شَفِيْقَا يَا عَطُوْفَا يَا رُوْفَا يَا رَبَّاهُ يَا سَيِّدَاهُ اَجِبْ وَ الْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِيْنَ .

هو الله العزيز المتعال

ص ۱۹۵

فسبحانك اللهم يا الهى حينئذ اريد ان اذكرك بذكر المقدسين واسبحك بتسبيح المقرّبين مع علمى بانّ ما كلّ ما ذكر الّذى يظهر من عند غيرك لن يصل اليك ولن يعرج الى ساحة عزّازليّتك ولن يصعد الى بهاء مجد كينونيّتك ومع علمى بانّ لن يقدر احد ان يذكرك بثناء الّذى ما ذكرت به من قبل فسبحانك سبحانك من كل ذكر بديع ومن كل ثناء جميل فصلّ على اوّل نور ظهر من كينونتك و اضاء من جوهر ذاتك و الاح من شمس احديّتك و اباح من قمر ابداعك و الّذينهم آمنوا بك و بآياتك و عملوا كلّ ما انت تحبّ اذ بيدك ملكوت كل شئى انك انت على كل شئى قدير انتهى

اين دعا از روى خط مبارك مرقوم شد